



# مسح شدگان در زمان آخر

ویلیام ماریون برانهام

جفرسونویل، ایندیانا  
۶۵-۰۷۲۵M

# مسح شدگان در زمان آخر

ویلیام ماریون برانهام

جفرسونویل، ایندیانا

۶۵-۰۷۲۵M

## The Anointed Ones At The End Time

William Marrion Branham

Jeffersonville, Indiana

65-0725M



[www.bargozidegan.net](http://www.bargozidegan.net)

۱. صبح بخیر حضار محترم. چند لحظه با خداوند خویش تکلم کنیم. خداوند بزرگ! خالق آسمان و زمین که ما را مقدر نمودی تا امروز صبح تو را پرستش نماییم، خداوندا! در قلب‌های خویش، خود را کاملاً به اراده‌ی الهی تو و عمل روح‌القدس در ما تسلیم می‌نماییم، تا آنچه را که می‌خواهی ما بدانیم، به ثمر بیاورد. خواست و آرزوی ما این است که مسیحیانی بهتر و نمایندگان بهتر برای تو باشیم. همان‌گونه که انتظار تو را داریم امروز صبح این را به ما عطا کن. به نام عیسی مسیح، آمین!

لطفاً بنشینید. [یک نفر می‌گوید: "می‌خواهید لباس دعا را از تتان در بیاورید؟" بله.

۲. از اینکه امروز صبح اینجا و در خدمت پادشاه عظیم هستیم، مسروریم. از اینکه فضای کافی برای همه در اختیار نداریم مجدداً عذر خواهی می‌کنیم. ما... ما تمام تلاش خود را می‌کنیم تا تحت هر شرایطی بهترین کار را انجام دهیم.

۳. افراد بسیاری دستمال و درخواست‌های دعای خویش را اینجا گذاشته‌اند، تا بر آنها دعا شود. من آنها را کناری گذاشته‌ام، نه به دلیل اینکه آنها را نادیده گرفته باشم. بلکه من امشب بعد از اینکه... برای آنها دعا خواهم کرد. امروز صبح و امشب این کار را خواهم کرد... سپس دعا می‌کنم و برای روح خدا به جهت شفا انتظار می‌کشم، و این زمانی است که دوست دارم بر این دستمال‌ها و اشیاء دعا کنم.

۴. و بر روی درخواست‌های ویژه و تمام درخواست‌های دیگری که بیلی به من داده است. زمانی که من سالن را ترک کردم، تعداد آنها سیصد عدد و یا شاید هم بیشتر بود. می‌بینید، با تمام سرعتی که بتوانم تمام آنها را از همه دریافت خواهم کرد. قادر نخواهم بود که تمام آنها را بگیرم. یکی را بر می‌دارم و می‌گویم: "خداوندا! این یکی باشد یا این یکی؟" به این صورت، چون همه‌ی آنها نیازمند هستند. و من... بعضی وقت‌ها روح‌القدس چیز مشخصی را می‌گوید که من بخوانم، که در قلب من می‌ماند. باز برمی‌گردم و در آن تفحص می‌کنم تا آن را دریابم. در غیر این صورت، آن را تصادفی انتخاب می‌کنم.

۵. همچنین، امروز می‌خواهیم به تمام کسانی که در جاهای دیگر کشور هستند، درود و سلام بفرستیم. امروز صبح به تمام کسانی که در نیویورک سیتی، تگزاس، پرسکات، آریزونا، توکسان، سن خوزه، کالیفرنیا، جورجیا، نیوآلبانی، ایندیانا و...<sup>۱</sup> از طریق تلفن صدای ما را می‌شنوند، سلام می‌کنیم. در نام خداوند عیسی، به شما درود می‌فرستیم.

۶. امروز در ایندیانا شاهد صبح زیبایی هستیم. دیشب شاهد بارندگی بودیم که باعث خنکی هوا شد و... خیمه مملو از جمعیت شده و مردم مشتاقانه در انتظار دروس یکشنبه هستند. و ایمان دارم که برکت عظیم خداوند با شما مردم در سراسر کشور است.

۷. امیدوارم به محض امکان، راهی را فراهم کنیم تا بتوانیم همه با هم جمع شویم، شاید در یک خیمه‌ی بزرگ. زیرا واقعاً هدایت شده‌ام تا در مورد هفت پیاله‌ی آخر کتاب مقدس موعظه کنم.

۸. پس اکنون، امروز برای یک درس بزرگ خیلی... از خدا پرسیدم: "چه می‌توانم بگویم؟" با علم به اینکه شاید این آخرین جلسه‌ای باشد که تابحال داشته‌ایم. آمدن خداوند بسیار نزدیک و قریب الوقوع است.

<sup>۱</sup> New York City, Beaumont, Texas, Prescott, Arizona; Tucson, Arizona, San Jose, California, Connecticut, Gainesville, Georgia, and New Albany, Indiana

۹. بعد از آن پیشگویی که در مورد کالیفورنیا انجام دادم. در آنجا خانه‌هایی را می‌بینم که سی اینچ<sup>۲</sup> در ساعت نشست می‌کنند و الوار آنها خرد می‌شود و مردم نمی‌دانند که چه چیزی باعث آن می‌شود. خانه‌های چند صد هزار دلاری در حال نشست کردن است. یک تیر روزنامه و تعدادی عکس دارم، که امیدوارم امشب آنها را با خود به اینجا بیاورم. چون می‌خواهم در مورد مطلبی در آن زمینه صحبت کنم.

۱۰. و سپس امشب برای بیماران دعا خواهیم کرد. امشب ساعت پنج، شش، یا هر ساعتی که هست به اینجا بیایید. می‌خواهیم زود جلسه را شروع کنیم، تا همه بتوانند زود خارج شوند. پس بیایید و کارت دعای خود را بگیرید. اگر خدا بخواهد، امشب برای بیماران دعا می‌کنیم.

۱۱. حال، پس از تفکر در روح دعا که «چه باید بکنم؟» و با علم به اینکه باید روزی درباره‌ی هر آنچه می‌گویم، پاسخگو باشم... تصمیم گرفتم. یعنی هدایت شدم تا امروز صبح در مورد نبوتی که به نوعی ما را آگاه می‌کند، صحبت کنم. می‌بینید؟ این چیزی است که ما... اگر چیزی اطلاع داده نشده و همه چیز همین‌طور تصادفی رخ می‌دهد، ما باید در مورد آن بدانیم. روح‌القدس این را به ما داده است تا به مردم در مورد آینده هشدار دهیم. می‌دانید، کتاب‌مقدس می‌گوید: "خداوند کاری نمی‌کند جز آنکه آن را به خادمین خویش انبیا، آشکار کند." چنان‌که عیسی از آنچه که رخ خواهد داد، به مردم خبر داد. چنان‌که انبیا قوم را از آنچه باید واقع شود، مطلع نمودند. و امروز بر ما واجب و شایسته است تا در این ساعت عظیمی که زندگی می‌کنیم، ببینیم که در چه زمانی هستیم. چه چیزی در حال رخ دادن است و چه چیزی باید در این دوره رخ دهد. امروز در قلبم است، تا در مورد یکی از امور عجیبی که شاید بارها خوانده‌ایم، با مردم صحبت کنم.

---

<sup>۲</sup> حدود ۷۶ سانتی متر

۱۲. حال متی باب ۲۴ را باز کرده و بخشی از کلام را باهم بخوانیم. [برادر برانهام گلوی خود را صاف می‌کند]. عذر می‌خواهم. این بخش را بخوانیم، تا زمینه‌ی بحث و موضوع خود را دریابیم.

۱۳. به خاطر داشته باشید، می‌خواهیم این را بعنوان یک بحث کتاب‌مقدّسی تعلیم دهیم. کاغذ و قلم خود را حاضر کنید. در اینجا بخش‌های زیادی از کلام را یادداشت کرده‌ام، تا بتوانید آنها را دنبال کنید. سپس به خانه رفته و آنها را مطالعه کنید. چون این مثل یک مدرسه‌ی یکشنبه است، که می‌دانیم و به ما اعلان شده و برای زمانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، مهیّا گشته است.

۱۴. در کتاب متی [برادر برانهام گلوی خود را صاف می‌کند]. ببخشید، آیه ۲۴... یا، باب ۲۴ و از آیه ۱۵، می‌خواهم بخشی از کلام او را بخوانیم:

«پس چون مکروه ویرانی را که به زبان دانیال نبی گفته شده است، در مقام مقدّس برپا شده بینید، هر که خواند دریافت کند<sup>۱۶</sup> آنگاه هر که در یهودیه باشد به کوهستان بگریزد<sup>۱۷</sup> و هر که بر بام باشد، به جهت برداشتن چیزی از خانه به زیر نیاید؛<sup>۱۸</sup> و هر که در مزرعه است، به جهت برداشتن رخت خود برنگردد.<sup>۱۹</sup> لیکن وای بر آبستان و شیردهندگان در آن ایام.<sup>۲۰</sup> پس دعا کنید تا فرار شما در زمستان یا در سبّت نشود،<sup>۲۱</sup> زیرا که در آن زمان چنان مصیبت عظیمی ظاهر می‌شود، که از ابتدا عالم تاکنون نشده و نخواهد شد.<sup>۲۲</sup> و اگر ایام کوتاه نشدی، هیچ بشری نجات نیافتی، لیکن بخاطر برگزیدگان، آن روزها کوتاه خواهد شد<sup>۲۳</sup> آنگاه اگر کسی به شما گوید: "اینک مسیح در اینجا یا در آنجا است." باور مکنید،<sup>۲۴</sup> زیرا که مسیحیان کاذب و انبیا کذب ظاهر شده، علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود، که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی<sup>۲۵</sup> اینک شما را پیش خبر دادم<sup>۲۶</sup> «پس اگر شما را گویند: "اینک در صحراست." بیرون مروید یا آنکه "در خلوت است." باور مکنید،<sup>۲۷</sup> زیرا همچنان که برق

از مشرق ساطع شده، تا به مغرب ظاهر می شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد.<sup>۲۸</sup> و هر جا که مرداری باشد، کرکسان در آنجا جمع شوند»<sup>۲۹</sup>

۱۵. حال می‌خواهم به آیه ۲۴ بعنوان موضوع درس مدرسه‌ی یکشنبه توجه کنید. و هنگامی که دوباره آن را می‌خوانم، به دقت گوش کنید:

"زیرا که مسیحیان کاذب و انبیا کذبه ظاهر شده، علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردند."

۱۶. حال می‌خواهم برای عنوان موضوع امروز صبح «مسح شدگان در زمان آخر» را انتخاب کنم، تا در مورد آن صحبت کنم. مسح شدگان در زمان آخر.

۱۷. ایمان دارم که ما در زمان‌های آخر زندگی می‌کنیم... یک خواننده‌ی کتاب مقدس، یا حتی یک ایماندار می‌داند که ما در پایان تاریخ دنیا هستیم. دیگر نوشتن آن فایده‌ای ندارد، زیرا دیگر کسی نخواهد بود که آن را بخواند. این پایان زمان است. در چه زمانی؟ من نمی‌دانم. چقدر به طول خواهد انجامید؟ حتی فرشتگان آسمان نیز از ساعت و دقیقه خبر ندارند. اما توسط خداوند عیسی به ما گفته شده، زمانی که اموری را که ما شاهد آن هستیم شروع به تحقق نمود، سرهای خود را بلند کنیم؛ زیرا رستگاری ما نزدیک است. حال «نزدیک شدن» به چه معنی است؟ من نمی‌دانم. شاید منظور آن...

۱۸. همان‌گونه که یک روز دانشمندی در تلویزیون در مورد هزاران مایل شکستگی زمین در اثر زلزله که در حال فرو رفتن است، صحبت می‌کرد. از او پرسیده شده بود: "آیا آنجا فرو خواهد رفت؟" این بخش غربی لس آنجلس است و بسیاری از شما دیدید که چگونه دنبال روی داشت و پیشرفت نمود... به سن خوزه رسید، در تمام آلتین آیلند<sup>۳</sup> در حدود دویست مایل درون دریا گسترش یافت، به سن دیگو<sup>۴</sup> رسید و دورتا

دور لس آنجلس را در بر گرفت.

و تمام این زمین لرزه‌هایی که ما داشته‌ایم، در گسل‌های آتشفشانی بوده است. نمی‌دانم آنها روی آن چه اسمی می‌گذارند. هرچند، هربار که آن گسل‌ها لرزش داشته باشند، زمین لرزه‌هایی را که در تمام این سال‌ها داشته‌ایم، در بر دارند. حال این در همه جا اعلام می‌شود و دانشمندان می‌گویند یک...

۱۹. یک نفر به دیگری می‌گفت: "آیا احتمال دارد که فرو بریزد؟"

آن فرد گفت: "احتمال ندارد. حتماً فرو خواهد ریخت."

آن دیگری گفت: "خوب! شاید در نسل ما نباشد؟"

مرد گفت: "در پنج دقیقه یا پنج سال آینده. ما دقیقاً نمی‌دانیم در چه زمانی."

۲۰. این هفته تیترو روزنامه‌ها برای من ارسال شد. خانه‌های چند صد هزار دلاری که تخریب شده و مردم در حال ترک آنجا بوده‌اند. آنها نمی‌دانند که چگونه آن را متوقف کنند. هیچ راهی برای متوقف کردن آن وجود ندارد. می‌بینید، خدا قادر است هر کاری را که بخواهد انجام، و هیچ کس نیست که بتواند بگوید، چگونه آن را انجام دهد.

۲۱. شما می‌توانید چیزهای علمی را بسازید و یا مثلاً خانه بسازید. خدا خالق عالم است. چطور می‌خواهید جلوی او را بگیرید؟ اگر بخواهد می‌تواند امروز صبح این دنیا را با استفاده از کک‌ها از بین ببرد. ببینید، او می‌تواند بگوید و کک‌ها بوجود بیایند. آنها هر نیم ساعت یک‌بار، چهل مایل در عمق زمین فرو می‌روند و می‌توانند انسان‌ها را در همان‌جا از بین ببرند. او خداست و بر طبق اراده‌ی خویش کار می‌کند. او خود فرمانروا است.

۲۲. حال با دیدن انبوهی از شواهد، که ما در چه ساعتی زندگی می‌کنیم... از زمان



بازگشایی مهرها، فکر می‌کنم خوب باشد که این امور را گرد آوری و مرور کنیم، تا حقیقت این امور را دریابیم که خدا به فیض خود و با نشان دادن این امور به ما، چقدر نسبت به ما وفادار بوده است.

۲۳. در اینجا می‌خواهم توجه شما را به متنی باب ۲۴ جلب کنم جایی که عیسی از «مسیحان» صحبت می‌کند. م - س - ی - ح - ا - ن، مسیح نه، بلکه «مسیحان» که به صورت جمع استفاده شده است، نه مفرد. کلمه‌ی مسیح به معنای «مسح شده» می‌باشد پس اگر «مسح شده» باشد، تنها یک مسح شده نیست، بلکه «مسح شدگان». می‌بینید؟

۲۴. و گرنه، اگر می‌خواست تفکیک بیشتری انجام بدهد تا ما بتوانیم کم و بیش درک بهتری داشته باشیم، می‌توانست بگوید «در ایام آخر مسح شدگان دروغین خواهند برخاست». حال، استفاده از عبارت «مسح شده» غیر ممکن به نظر می‌رسد. اما به عین کلمه‌ی بعدی توجه کنید، «و انبیای کذب» ا - ن - ب - ی - ا باز هم به صورت جمع، نه مفرد.

۲۵. مسح شده یعنی «یک نفر با یک پیغام» و تنها راهی که یک پیغام می‌تواند آورده شود، از طریق کسی است که مسح شده است و باید یک نبی باشد، مسح شده. «معلمین مسح شده‌ی کذب خواهند برخاست». یک نبی تعلیم می‌دهد که پیغام او چیست. معلمان مسح شده، ولی افرادی مسح شده با تعلیم غلط. مسح شدگان «مسیحان» جمع، «انبیای جمع»، و اگر چیزی شبیه یا بعنوان مسیح، مفرد وجود داشته باشد، پس باید این گونه باشد «مسح شدگان». نبوت اینکه آنها چه چیزی را تعلیم می‌دادند، متفاوت است. زیرا آنها مسح شدگان هستند، مسح شده.

۲۶. حال، این یک درس مدرسه‌ی یکشنبه است، که سعی می‌کنیم آن را از طریق کتاب مقدس نشان دهیم، نه توسط آنچه که فرد دیگری در مورد آن گفته است؛ بلکه تنها با خواندن کتاب مقدس.

ممکن است بگویید: "این چطور ممکن است؟ ممکن است مسح شدگان..."

۲۷. آنها چه بودند؟ «مسیحان» م - س - ی - ح - ا - ن. «مسیحان و انبیا» مسح شدگان، لیکن انبیای کذبه.

۲۸. حال، شاید کسی به من بگوید: "آیا ایمان داری که مسح آن افراد به معنای این است که این مسح روح القدس است؟" بله آقا! روح القدس ناب خدا بر آن افراد است. ولی همچنان کذبه هستند.

حال به دقت گوش کنید و ببینید که او چه گفت "... آیات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی." و آنها توسط روح القدس حقیقی مسح شده‌اند. می‌دانم که این احمقانه به نظر می‌رسد، ولی می‌خواهیم وقت بگذاریم و آن را توسط کلام شرح دهیم که این دقیقاً «خداوند چنین می‌گوید» است؛ یعنی حقیقت.

۲۹. حال کتاب مقدس‌های خود را باز کنیم. متی باب ۵ از آیه ۴۵ به بعد را با هم می‌خوانیم. بعد اگر نتوانستیم همه‌ی آن را با هم بخوانیم، شما می‌توانید زمانی که اینجا را ترک کرده و به منزل رفتید، این آیات را در کتاب مقدس‌های خود مطالعه کنید و ببینید که کتاب مقدس در این مورد چه می‌گوید.

۳۰. حال وقت خود را صرف یافتن حقیقت اساسی می‌کنیم. زیرا در اینجا چیزی را بیان می‌کنم که حیرت آور است. چطور ممکن است که روح القدس یک معلم کاذب را مسح کند؟ ولی این چیزی است که عیسی گفت رخ خواهد داد.

حال متی باب ۵ آیه ۴۵ را بخوانیم. از کمی عقب‌تر و از آیه ۴۴ شروع می‌کنیم:

"۴۴ اما به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایند و برای لعن کنندگان خود

برکت بطلیبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر که به شما فحش و جفا رساند، دعای خیر کنید<sup>۴۵</sup> تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید. زیرا که آفتاب خود را بر بدن و نیکان طالع می‌سازد... و باران بر عادلان و ظالمان می‌باراند." باران بر ظالمان مانند نیکان می‌بارد.

۳۱. حال، برای پیگیری این مطلب در یک نبوت دیگر که به این امر مرتبط است، می‌توانیم به عبرانیان باب ۶ مراجعه کنیم. جایی که پولس همین مطلبی را که عیسی گفت، به ما یادآوری می‌کند. همان‌طور که در حال یافتن این مطلب در کتاب خود هستید و یا شما که از طریق رادیو به ما گوش می‌کنید، می‌خواهم یک تکه کاغذ و قلم برای خود بیاورید و این را دنبال کنید. در عبرانیان باب ۶ پولس به عبرانیان می‌نویسد و به آنها سایه‌ها و نمادهایی را که آنها را از یهودیت به مسیحیت می‌آورد نشان می‌دهد. نشان می‌دهد که تمام آن امور قدیم، پیش‌نمایشی و سایه‌ای بود از اموری که باید واقع می‌شدند. حال پولس در حال گفتن است. عبرانیان باب ۶:

"<sup>۱</sup> بنابراین از کلام ابتدای مسیح (م - س - ی - ح مفرد) در گذشته، به سوی کمال سبقت بجویم و بار دیگر بنیاد توبه از اعمال مرده و ایمان به خدا ننهیم،<sup>۲</sup> و تعلیم تعمیدها و نهادن دست‌ها و قیامت مردگان و داوری جاودانی را.<sup>۳</sup> و این را بجا خواهیم آورد، هرگاه خدا اجازت دهد.<sup>۴</sup> زیرا آنانی که یک بار منور گشتند و لذت عطا‌ی سماوی را چشیدند و شریک روح‌القدس گردیدند..."

می‌خواهم چند لحظه توجه شما را به نکته‌ای جلب کنم. آیا متوجه شده بودید که صحبت از «عطا» است و نه «عطایا»؟ شریک در «عطایای سماوی»؟ بلکه «عطا‌ی سماوی» مفرد، «مسیح» مفرد، «عطا» مفرد.

عطا‌ی سماوی... و شریک روح‌القدس گردیدند و لذت...

"لذت کلام نیکوی خدا... را چشیدند." (چه چیزی را چشیدند؟) "... کلام خدا و قوت آینه را چشیدند. <sup>۶</sup> اگر بیفتند، محال است که ایشان را بار دیگر برای توبه تازه سازند. در حالتی که پسر خدا را برای خود باز مصلوب می کنند و او را بی حرمت می سازند. <sup>۷</sup> زیرا..." گوش کنید "... زمینی که بارانی را که بارها بر آن می افتد، می خورد و نباتات نیکو برای فلاحان خود می رویاند، از خدا برکت می یابد. <sup>۸</sup> لکن اگر خار و خشک می رویاند، متروک و قرین به لعنت و در آخر سوخته می شود."

۳۲. حال دوباره این را با مئی ۵: ۴۵ مقایسه کنید. توجه کنید، عیسی گفت که: "باران و آفتاب بر زمین می بارند، که خدا آن را برای مهیا نمودن خوراک و امور مردم بر زمین می فرستد. و باران برای خوراک گیاهان فرستاده می شود ولی خار و خس نیز همین باران را بر روی زمین دریافت می کنند." همان بارانی که باعث رشد گندم می شود، همان باران خار و خس را نیز می رویاند.

۳۳. من زمانی که برای نخستین بار با پنطیکاستی ها ملاقات کردم، چنین درسی را گرفتم، که برای من درس بزرگی بود. دو مرد را دیدم، یکی... قبلاً هرگز شنیده نشده بود که به زبان ها صحبت کند. یکی به زبان ها صحبت می کرد و دیگری آن را ترجمه می نمود و بالعکس. و شاید حقیقت را می گفتند که: "امشب تعداد زیادی اینجا هستند، که باید توبه کنند. هم از مردان و هم از زنان" و مردم از جا برخاسته و به سمت مذبح حرکت می کردند.

با خود فکر کردم: "چه با شکوه!"

۳۴. و بعد با اندک عطای روح القدس با آن مردم صحبت کردم. می دانید، فقط اندکی بصیرت می خواهد تا آن را دریابید. یکی از آنها یک مسیحی واقعی و یک خادم حقیقی مسیح بود. دیگری که یک متظاهر بود با یک زن مو مشکلی زندگی می کرد و فرزندی

از ارتباط نامشروع خود با یک زن بلوند داشت. خوب! این را در رویا دیده بودم و نمی‌شد آن را انکار نمود. پس من در این مورد با او صحبت کردم. او به من نگاه کرد و بعد قدم زنان از ساختمان خارج شد.

۳۵. به اندازه‌ی کافی سردرگم شده بودم. تصوّر می‌کردم که در بین فرشتگان هستم، ولی بعد، از اینکه حداقل در بین دیوها نیستم، خوشحال بودم. چطور چنین چیزی ممکن بود؟ قادر به درک این مطلب نبودم. این فکر سال‌ها با من بود تا اینکه یک روز...

دیروز با جورج اسمیت،<sup>۵</sup> پسری که دختر من را همراهی می‌کند، به محل آسیاب قدیمی، یعنی جایی که من همیشه برای دعا به آنجا می‌روم، رفتیم.

بعد از دو روز ماندن در آنجا روح‌القدس این بخش از کلام را برای من باز کرد: "زیرا باران بر زمین می‌بارد تا آن را با علف پوشاند، لکن خاروختس نیز با همان باران زیست نموده و در نهایت سوزانده می‌شوند." زندگی با همان منبع حیات. سپس درک کردم. عیسی گفت: "آنها را از میوه‌هایشان خواهید شناخت."<sup>۶</sup>

۳۶. بنابراین حال، ریزش باران بر گونه‌های گیاهی و نباتی، نمادی از باران روحانی است که حیات ابدی را به بار می‌آورد و بر کلیسا می‌بارد. چراکه آن را باران اوّل و باران آخر می‌خوانیم. و باران آن از روح خدا بر کلیسای او ریزش می‌کند.

۳۷. توجّه کنید، چیز بسیار عجیبی در اینجا است. متوجه می‌شوید؟ وقتی بذر آنها به زمین رفت، اگرچه به آنجا رسید، اما از آغاز خار بودند. ولی درجایی که گندم کاشته شد، گیاهان آن را احاطه کردند و هر گیاهی محصول خود را ثمر می‌آورد و نشان می‌داد که در ابتدا چه بوده است.

۳۸. «اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی.» زیرا آنها همان باران و همان برکت را دریافت می‌کنند و همان آیات و معجزات را نشان می‌دهند. می‌بینید؟ «اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی.» خار نمی‌تواند خار بودن خود را تغییر دهد و یا گندم، گندم بودن خود را؛ بلکه این چیزی است که خالق هر یک از آنها تعیین نموده است. این برگزیده شده است. همان باران.

۳۹. خورشید در یک صبح طلوع می‌کند و بر تمام زمین گسترده می‌شود. گویی تنها همین زمان و همین زمینی را که ما در آن زندگی می‌کنیم، در اختیار داشته است. و خورشید، همان خورشیدی که در شرق طلوع می‌کند، همان خورشیدی است که در غرب می‌تابد. و آن خورشید فرستاده شده تا بذر را در خاک، که بدن ما از آن ساخته شده است، بارور کند.

۴۰. ما توسط یک ماده‌ی مرده زندگی می‌کنیم. این تنها راهی است که شما می‌توانید زندگی کنید. اگر هر روز باید چیزی بمیرد تا شما زندگی کنید، پس این درست نیست که... برای یک زندگی طبیعی و روحانی، بدن شما باید با یک ماده‌ی مرده زندگی کند، تا بتوانید زندگی روحانی خویش را نجات دهید. و خدا جسم شد و مرد تا ما بتوانیم زندگی کنیم. هیچ کلیسا یا چیز دیگری در دنیا وجود ندارد که بتواند شما را نجات دهد؛ به جز خداوند. این تنها چیزی است که شما می‌توانید با آن زندگی کنید.

۴۱. حال، کتب را ببینید، عیسی کلمه است... "در ابتدا کلمه بود، و کلمه جسم شد و میان ما ساکن گردید. در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن شد و زیست." <sup>۷</sup> "و انسان تنها محض نان زیست نمی‌کند،" از نظر جسمانی، "بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر می‌گردد." <sup>۸</sup> پس می‌بینید که ما با

<sup>۷</sup> اشاره به انجیل یوحنا باب ۱

<sup>۸</sup> اشاره به انجیل متی باب ۱۴

کلام زندگی می‌کنیم و آن، خدا است.

۴۲. حال، خورشید آمده و بذرها را بارور می‌سازد. اما این باروری یکباره نیست، بلکه در مسیر رشد قرار می‌گیرد و بطور ثابت بارور می‌شود، تا هنگامی که یک خوشه‌ی کامل گردد.

امروز، کلیسا نیز چنین است. طفولیت خود را در دوره‌ی تاریکی آغاز کرد، جایی که زیر زمین قرار داشت. حال به رشد و بلوغ رسیده و ما می‌توانیم این را کاملاً ببینیم که چطور خدا همیشه توسط طبیعت...

۴۳. شما نمی‌توانید طبیعت را مختل کنید. این جریان عصر حاضر است. ما بمب پرتاب می‌کنیم و اقیانوس‌ها را با بمب‌های اتم خود آلوده می‌کنیم. شما تنها مقدار بیشتری از پلیدی و آلودگی را به آن وارد می‌سازید. شما درختان را قطع می‌کنید، طوفان شما را در بر می‌گیرد. جلوی رودها سد می‌سازید، طغیان می‌کنند.

شما باید طریق خدا را برای انجام امور بیابید و در آن بمانید. ما مردم را در فرقه‌ها و کلیساها سازماندهی کرده‌ایم، و ببینید به کجا رسیده‌ایم. در راهی که خدا برای آن مهیا نموده است، باقی بمانید.

۴۴. اما شما می‌دانید «او باران را می‌فرستد» برگردیم به موضوع «او باران را بر بدن و نیکان می‌باراند.» عیسی این را در متی ۲۴ می‌گوید. این باید نشانه‌ای از زمان آخر باشد.

حال، اگر این نشانه تنها باید در زمان آخر شناخته شود، پس باید بعد از بازگشایی مهرها باشد. می‌بینید؟ این یک نشانه از انتهاست. باید باشد. زمانی که باید این امر واقع شود، در زمان آخر خواهد بود. حال، این یک نشانه خواهد بود و برگزیدگان، در این امر مبهوت نخواهند گشت. این را می‌دانید؟ پس باید آشکار و افشا شده باشد.

۴۵. توجّه کنید، هم گندم و هم کرکاس هر دو از یک مسح آسمانی برخوردارند و هر دو در آن وجد می‌کنند. بعنوان مثال این را در ارتباط با آن روز در آسیاب گرین به یاد می‌آورم. در آن روایا، دیدم که زمین بزرگی بود، ابتدا یک برزگر پیش رفت. چند لحظه همینجا مکث کنیم. توجّه کنید که ابتدا چه پیش می‌رود و چه چیزی آن را دنبال می‌کند. مرد سفید پوش به روی زمین آمد و شروع کرد به کاشتن بذر. سپس بعد از او مردی تیره پوش آمد، خیلی دزدکی و آهسته پشت سر او حرکت می‌کرد و کرکاس را می‌کاشت. بعد دیدم که هر دو محصول رشد می‌کردند. یکی گندم و سایرین کرکاس بودند.

سپس خشکسالی آمد، در آن هنگام، هر دوی آنها با سری خمیده در انتظار باران بودند. سپس ابر بزرگی بر روی آن زمین قرار گرفت و باران بارید. گندم رشد کرد و گفت: "جلال بر خدا! جلال بر خدا!" و کرکاس‌ها نیز رشد کرده و فریاد برآوردند: "جلال بر خدا! جلال بر خدا!" همان نتایج. هر دو در حال هلاکت بودند. هر دو پیش افتاده بودند. بعد گندم پیش آمده و تشنه می‌گردد. و چون هر دو در همان زمین بودند، در همان باغ، همان مکان، همان فوران، گندم و خار و خس در همان زمین به بار آمدند. توجّه کنید، همان مسح آبی که گندم را به بار آورد، کرکاس را نیز به بار آورد.

۴۶. همان روح‌القدس که کلیسا را مسح می‌کند، که به آنها آرزوی نجات جان‌ها را می‌دهد، قدرت انجام معجزات را به آنها می‌دهد. بر نیکان و بدان یکسان می‌بارد. عیناً همان روح. نمی‌توانید متی ۲۴: ۲۴ را طور دیگری درک کنید. او گفت: "مسیحان دروغین بخواهند خواست." "مسح شدگان دروغین. مسح شده توسط چیزی حقیقی، ولی انبیای دروغین و معلمین کذبه‌ی آن.

چیزی که بخواهد باعث شود یک مرد، یک معلم کذبه یا چیز دیگری باشد، حقیقت است؟ حال، چند دقیقه‌ی دیگر به علامت وحش می‌رسیم و شما خواهید دید که آن،



فرقه است. می‌بینید؟ معلّمین کذب، مسح شدگان دروغین. مسیحان مسح شده، ولی معلّمین دروغین. این تنها طریقی است که می‌توانید ببینید.

۴۷. چند وقت پیش و درست همینجا این را نقل کردم. باید این را بگویم، چون در سراسر کشور صدای ما را می‌شنوند. یک روز داشتم با یکی از دوستانم در مکانی که امروز هستیم، در آریزونا صحبت می‌کردم. او یک باغ مرکبات داشت. او یک درخت پرتقال داشت که، لیمو، گریپ فروت، نارنگی و... را به بار می‌آورد. درست خاطر م نیست که چند میوه‌ی مختلف روی یک درخت به بار می‌آید. یاد می‌آید که به او گفتم: "چطور ممکن است؟ این چطور درختی است؟"

او گفت: "خود این درخت، در اصل یک درخت پرتقال است."

گفتم: "پس چه چیزی باعث شده که روی آن گریپ فروت به بار بیاید و یا چرا لیمو را به بار آورده است؟"

گفت: "خوب! چون آنها به این درخت پیوند خورده‌اند."

گفتم: "خوب! حالا متوجّه می‌شوم." بعد گفتم: "حال، در سال آینده زمانی که این درخت محصول خود را ثمر بدهد، ثمر آن ترکیبی خواهد بود با نوع دیگر میوه‌ها که همه‌ی آنها در همین زمان رسیده‌اند." و باز گفتم: "پس اگر این یک درخت پرتقال پیوندی باشد، میوه‌ی آن هم پرتقال پیوندی خواهد بود. این طور نیست قربان؟"

گفت: "نه هر شاخه‌ای که پیوند خورده باشد، میوه نوع خود را خواهد داد."

گفتم: "منظورتان این است که لیمو، روی درخت پرتقال، لیمو را ثمر می‌دهد؟"

گفت: "بله آقا!"

گفتم: "شاخه‌ی پیوندی گریپ فروت روی درخت پرتقال میوه‌ی گریپ فروت را

ثمر می‌دهد؟"

گفت: "بله. این طبیعت شاخه‌ای است که به این درخت پیوند خورده است."

گفتم: "جلال بر خداوند!"

گفت: "منظورت چیست؟"

گفتم: "یک سوال دیگر، آیا این درخت پرتقال باز هم پرتقال ثمر خواهد آورد؟"

گفت: "زمانی که شاخه‌ی دیگری در بیاورد. زمانی که شاخه‌ی دیگری در بیاورد و نه هنگامی که یک شاخه‌ی دیگر به آن پیوند بخورد. اما همه‌ی آنها میوه‌های مرکبات هستند و زندگی مرکباتی خود را دارند، که بر درخت مرکبات است."

۴۸. گفتم: "ایناهاش! متدیست همیشه متدیست‌ها را ثمر می‌آورد. باپتیست همیشه باپتیست‌ها را ثمر می‌دهد. کاتولیک همیشه کاتولیک را ثمر می‌دهد. اما کلیسای خدای زنده، از ریشه، محصول مسیح را به ثمر می‌آورد. همیشه کلام..."

۴۹. حال شما می‌توانید آن را پیوند بزنید، می‌دانید. گریپ فروت، لیمو، نارنگی، هر مرکباتی که باشد، همه‌ی آنها می‌توانند روی آن درخت زندگی کنند. ولی برای آن درخت شاهدینی کذب خواهند بود. می‌دانید؟ آنها در حال زیست و تکامل توسط آن حیات نابی هستند که در آن درخت می‌باشد.

حال، متی ۲۴: ۲۴، زندگی از طریق همان حیات، اما از همان ابتدا نیز درست نبودند. آنها شاهدان دروغین را برای آن درخت به بار می‌آوردند. این یک درخت پرتقال است، ولی در عین حال یک درخت مرکبات هم هست. و آنها می‌گویند: "این کلیسا، این فرقه، مسیح را ثمر می‌آورد." و یک تعمد غلط گرفته‌اند، شاهدان دروغین کلام هستند و تلاش می‌کنند بگویند که قدرت خدا تنها مختص به شاگردان بود.

عیسی، خود گفت: "در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید... هر شاخه‌ای که در آن درخت بماند... و این آیات همراه شاخه‌های حقیقی خواهد بود." کجا؟ "مادامی که این درخت است، مادامی که تا انقضای عالم شاخه به بار بیاورد. به نام من

دیوها را بیرون کنند و به زبان‌های تازه حرف زنند و مارها را بردارند و اگر زهر قاتلی بخورند، ضرری بدیشان نرساند و هر گاه دست‌ها بر مریضان بگذارند، شفا خواهند یافت.<sup>۹</sup> زمانی که در آن هستیم را می‌دانید؟ می‌دانید عیسی چه گفت؟

۵۰. به یاد داشته باشید، این مربوط به زمان آخر بود، نه مربوط به دوران وسلی<sup>۱۰</sup> و آن زمان. در زمان آخر است که این باید رخ دهد.

حال، کتب را نظر کنید و بگذارید که آنها شهادت دهند. عیسی گفت: "کتب را تفتیش کنید زیرا گمان می‌برید که در آنها حیات جاودانی دارید، و آنهاست که بر من شهادت می‌دهند."<sup>۱۱</sup> به عبارتی دیگر، این درخت اگر تابحال شاخه‌ای بیاورد... "من تا ک هستم و شما شاخه‌ها، هر که به من ایمان آرد، کارهایی را که من می‌کنم او نیز خواهد کرد."<sup>۱۲</sup>

۵۱. حال، "هر که در من بماند، او که... در ابتدا در ریشه‌ی من بوده است." به همین علت است که عیسی هم ریشه و هم نسل داود بود. او قبل از داود، در داود و بعد از داود بود؛ هم ریشه و هم نسل داود، ستاره‌ی صبح، رز شارون، سوسن وادی‌ها، ابتدا و انتها، پدر، پسر و روح‌القدس. «زیرا از لحاظ جسم، تمام پری الوهیت در او ساکن بود». ریشه و نسل داود.

"آنکه حیات برگزیده باشد، حیاتی که از پیش مقدّر شده، او در من است." و او کلمه است. "از ابتدا، زمانی که آشکار شود، میوه‌ی من را ثمر خواهد داد."

اما سایرین با همین حیات زیست می‌کنند و خود را مسیحی و ایماندار می‌خوانند. "نه

<sup>۹</sup> اشاره به انجیل مرقس باب ۱۶

<sup>۱۰</sup> Wesley

<sup>۱۱</sup> انجیل یوحنا ۵ : ۲۸

<sup>۱۲</sup> اشاره به انجیل یوحنا باب ۱۲ و ۱۵

هرآنکس که مرا خداوند خداوند گوید..."

حال، در زمان‌های آخر است که این باید رخ داده و آشکار شود. زمانی که تمام اسرار خدا باید به اتمام برسد.

۵۲. این درخت‌ها، تاک حقیقی و تاک دروغین، شما از سال‌ها پیش موعظه‌ی من را در این مورد شنیده‌اید، که چگونه هردو با هم رشد کرده‌اند. بصورت جسمانی نیز این امر در هابیل و قائن نشان داده شده است. دو تاک که در یک مذبح ملاقات شدند، هردو مذهبی، هردو مسح شده، هردو در آرزوی حیات، و هردو در حال پرستش یک خدا. یکی پذیرفته نشد و آن دیگری پذیرفته شد.

تنها راهی که باعث شد او (هابیل) پذیرفته شود و عملی متفاوت از برادرش انجام دهد، چیزی بود که بر او مکشوف شده بود. چراکه کتاب مقدس می‌گوید: "به ایمان..."  
عبرانیان باب ۱۱ "به ایمان، هابیل قربانی نیکوتر از قائن را به خدا گذرانید و به سبب آن شهادت داده شد که عادل است..."

عیسی در مورد مکاشفه‌ی روحانی و اینکه او چه کسی است گفت: "مردم مرا که پسر انسانم که می‌پندارند؟"

پطرس گفت: "تویی مسیح، پسر خدای زنده."

"خوشابحال تو ای شمعون پسر یونا! زیرا جسم و خون این را بر تو کشف نکرده، بلکه پدر من که در آسمان است... و بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم." <sup>۱۳</sup> چه؟  
مکاشفه‌ی راستین کلام. این دوباره تاک حقیقی است. «هابیل، به ایمان».

شما گفتید: "این یک مکاشفه نبود."

<sup>۱۳</sup> اشاره به انجیل متی باب ۱۶

۵۳. ایمان چیست؟ ایمان چیزی است که بر شما مکشوف می‌شود. هنوز رخ نداده، ولی شما ایمان دارید که خواهد بود. ایمان، مکاشفه‌ی اراده‌ی خداست. پس، از طریق مکاشفه.

۵۴. و امروزه کلیساها حتی به مکاشفه‌ی روحانی ایمان ندارند. ایمان آنها به مکاشفات دُگم یک سیستم فرقه‌ای است... «به ایمان، هابیل قربانی نیکوتر از قائن را به خدا گذرانید و به سبب آن شهادت داده شد که عادل است.» آمین! امیدوارم که درک کرده باشید. می‌بینید که در کجا زندگی می‌کنیم؟ می‌دانید که در چه ساعتی هستیم؟

مدتی پیش داشتم با یک، با یک آقای محترم، یک محقق مسیحی صحبت می‌کردم. او می‌گفت: "آقای برانهام! ما تمام مکاشفات را رد می‌کنیم."

۵۵. گفتم: "پس باید عیسی مسیح را نیز رد کنید. چون او مکاشفه‌ی خداست. خدای آشکار شده در جسم." بجز درک این مطلب، شما گمراه شده‌اید.

عیسی گفت: "اگر ایمان نیاورید که من او هستم، در گناهان خود خواهید مرد." او، مکاشفه‌ی خداست، روح خدا که در هیئت بشر آشکار گشت. اگر نتوانید به آن ایمان بیاورید، فنا شده‌اید. شما او را بعنوان سوّمین شخص، دوّمین شخص و یا هر چیز دیگری در کنار خدا قرار می‌دهید، در این صورت، فنا شده‌اید. «اگر ایمان نیاورید که من او هستم، در گناهان خود خواهید مرد.» یک مکاشفه.

۵۶. تعجّبی نداشت که قادر به دیدن او نبودند. "هیچ کس نزد من نمی‌آید مگر آنکه پدر من او را جذب کند و تمام کسانی که پدر به من داده است."<sup>۱۴</sup> در ریشه «نزد من خواهند آمد.» می‌بینید؟ متوجّه می‌شوید؟ چنین باید او را محبت کنیم، عشق بورزیم، پرستش کنیم؛ تا میوه‌ی روح را در ایام آخر ببینیم و درخت عروس را که در حال ثمر آوردن میوه‌ی خود در اوج زمان می‌باشد.

<sup>۱۴</sup> اشاره به انجیل یوحنا باب ۶

۵۷. تاک حقیقی و تاک دروغین، هردو از مسیحی یکسان برخوردار بودند. آب بر هر دوی آنان ریخته شده بود. تعجبی ندارد که او به ما هشدار داد: "اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی".

۵۸. توجه کنید، آنها یکسان بنظر می‌رسند. از مسیحی یکسان برخوردارند، ولی توجه داشته باشید... «از میوه‌هایشان...» این را چطور می‌دانید؟

چطور می‌دانید که آن یک پرتقال نیست؟ چون گریپ فروت را ثمر می‌دهد. این تاک درست است. در آن درخت زندگی می‌کند، ولی میوه‌ی گریپ فروت را ثمر می‌آورد. شباهتی به اولین ندارد.

و اگر کلیسایی می‌گوید که آنها ایمان دارند «عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدآباد همان است» و قوت او را انکار می‌کنند، اعمال او را انکار می‌کنند، کلام او را انکار می‌کنند؛ اگر... اگر کلیسا به عیسی مسیح ایمان دارد، اعمال عیسی مسیح را خواهد داشت. و اگر چنین نباشند، مهم نیست که حیات بر او می‌بارد. اگر از ریشه و از طریق آن، از پیش مقدر نشده باشد، هربار گریپ فروت و یا هر چیز دیگری را به ثمر خواهد آورد. اما اگر حیات از پیش مقدر شده باشد، از طریق ریشه «عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدآباد همان است» را ثمر خواهد داد. اگر کلامی باشد که از طریق ریشه رشد کند، چراکه او ریشه است، ابتدای زمان.

۵۹. توجه کنید، اما آنچه که آنها به ثمر می‌آورند، تفاوت را به شما خواهد گفت، «توسط میوه‌هایشان». عیسی گفت: "آنها را خواهید شناخت"، "انسان انگور را از خار بدست نمی‌آورد"، ولو اینکه خار بر روی تاک باشد. این ممکن است، اما میوه است که این را خواهد گفت.

میوه چیست؟ کلام، برای میوه و برای زمان، این چیزی است که هست. تعلیمات آنها.

چه تعلیمی؟ تعلیم زمان. چه زمانی است؟ تعلیم انسانی، داکترین فرقه‌ای و یا کلام خدا برای زمان؟

حال، زمان به سرعت می‌گذرد. ما باید در آن ثمر به بار آوریم. اطمینان دارم شما که اینجا حاضر هستید، و شما که در سرتاسر کشور صدای من را می‌شنوید، می‌توانید درک کنید که چه می‌خواهم به شما بگویم؛ زیرا زمان زیادی برای ماندن در اینجا نداریم.

۶۰. اما ممکن است شما ببینید که مسح بر ناعادلان قرار گرفته و آنها درست کاری را انجام می‌دهند که خدا آنها را از انجام آن منع کرده است. ولی به هر حال آنها آن را انجام می‌دهند. چرا؟ آنها کار دیگری نمی‌توانند بکنند. آیا یک خار می‌تواند چیزی جز یک خار باشد؟ مهم نیست که که چقدر خوب باران بر آن باریده و آن را سیراب نموده است، این باید یک خار باشد. به همین علت است که عیسی گفت: "آنها بسیار شبیه خواهند بود که اگر ممکن بود برگزیدگان را نیز اغفال می‌نمود." آنانی که در ریشه هستند. «اگر ممکن بودی» ولی این امکان ندارد. یک گندم نمی‌تواند ثمر دیگری جز گندم داشته باشد. این تنها ثمری است که می‌تواند داشته باشد.

۶۱. توجّه کنید، به خاطر داشته باشید که خدا سازنده‌ی تشکیلات نیست. شیطان است که سازنده‌ی تشکیلات است. این را از طریق کلام اثبات نموده‌ام. این را بارها و بارها در گذشته به اثبات رسانده‌ام و امروز نمی‌خواهیم به آن بیردازیم. ما می‌دانیم که خدا هرگز مردم را به این شکل گرد هم سازماندهی نکرد تا یک تشکیلات را شکل دهد. صدها سال بعد از مرگ آخرین شاگرد، پیش از اینکه آنها اولین تشکیلات خود را داشته باشند، همیشه عدم موفقیت و شکست آن اثبات شده است. اگر چنین نیست، چرا امروز در محبت با هم نیستیم؟ متدیست، باپتیست، پرزبیتری، کاتولیک و همه‌ی ما؟ چرا اعمال خدا به دنبال ما نیست؟ آن اموری که انسان‌ها را جدا می‌سازد، برادری... ما امروز بیش از هر زمان دیگری از خدا دور هستیم. در مورد کلیساها صحبت می‌کنم.

۶۲. حال، به ما گفته شده است که: "تمام آن امور گذشته بعنوان نمونه برای تعالیم ما، برای سرزنش‌ها و تذکرات رخ داده است." که تمام آن امور گذشته در عهد عتیق بعنوان سایه‌ای از آنچه که در عهد جدید و در دوره‌ی ما باید رخ دهد، رخ داد.

درست مثل اینکه شما هرگز دست خدا را ندیده باشید، و بعد سر خود را بلند کرده و سایه‌ای را روی دیوار دیده باشید. همان‌گونه که دست من ممکن است این انعکاس را داشته باشد، اگر در این سایه پنج انگشت وجود داشته باشد، وقتی شما دست خود یعنی منشا را حرکت می‌دهید، متقارن با سایه می‌شود و این منشاء باید مثل آن انعکاس، پنج انگشت داشته باشد.

همان‌گونه که کتاب مقدس به ما می‌گوید: "عهد عتیق سایه‌ای است از امور جدید. چیزهایی که باید بیاید." آن چیزهایی که باید بیاید، نه آن چیزهایی که هست. بلکه یک سایه است، یک سایه از چیزهایی که باید بیاید.

۶۳. برگردیم و ببینیم که آیا تابحال این امر در دوره‌ی دیگری بوده است؟ مایل هستید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] پس خواهیم دانست. برای اثبات آن باید از طریق کلام بازگردیم، نه از طریق تفکرات یک انسان یا چند تئوری.

اهمیتی نمی‌دهم که این انسان کیست، هر انسان دیگری یا حتی خود من «اگر او مطابق با انبیا و شریعت سخن نمی‌گوید، نوری در او نیست.» می‌بینید؟ این چیزی است که کتاب مقدس می‌گوید: "هر کلام انسان دروغ و هر کلام من حقیقت است. صرفنظر از اینکه او چه کسی است."

۶۴. حال بازگردیم و ببینیم که اگر تابحال رخ داده است، نمونه‌ای به ما بدهد.

حال می‌توانیم به کتاب خروج بازگردیم و در مورد شخصیتی به نام موسی صحبت



کنیم، که یک نبی مسح شده و فرستاده شده از جانب خدا بود، کلام و اراده‌ی خدا برای نسل خویش.

همان‌طور که کلام خدا پیوسته تکرار می‌کند: "او کاری نکرد مگر آنکه ابتدا آن را برای نبی خویش آشکار نمود." سپس آن را انجام داد. می‌بینید؟

حال او نمی‌توانست دروغ بگوید و خدا باشد. نه آقا! او می‌بایست حقیقت باقی بماند. در او دروغی نیست. او...

و او نمی‌تواند آن را تغییر دهد. اگر این کار را بکند، پس خدا نیست؛ او دچار اشتباه شده است. او باید نامتناهی باشد و نامتناهی نمی‌تواند مرتکب اشتباه بشود. می‌بینید؟ پس هر آنچه که خدا می‌گوید، تا به ابد درست است. می‌بینید؟ و او آن را وعده داده است.

۶۵. حال، خدا به ابراهیم وعده داده بود که ذریت او مثل غریب در سرزمین غریب، چهارصدسال ساکن خواهند شد. سپس او آنها را با قوت و قدرت عظیم از آنجا بیرون آورده، آیات و معجزات خود را در بین مردمی که با آنها ساکن هستند، نشان خواهد داد، زمان وعده نزدیک شده بود. قوم، آنها را فراموش کرده بود. آنها صدوقیان و فریسیان و سایرین و فرقه‌ها را داشتند. ولی ناگهان خدا به میان آنها آمد.

خدا هرگز، در هیچ دوره و یا هیچ زمانی، تابحال یک نبی را از یک فرقه نخوانده است. خیر آقا! او بسیار پیچیده شده است. او نمی‌تواند این کار را بکند. باید با آن فرقه باقی بماند.

۶۶. موسی، مردی فرستاده شده از جانب خدا، با کلام خدا، و در حال بردن اسرائیل به سرزمین وعده، با فرامین اکید خداوند، با یک نبی دیگر روبرو شد. یک مسح شده‌ی دیگر که مسح ناب همان روح‌القدس را داشت، که بر موسی بود. درست است. او یک نبی بود. روح‌القدس بر این مرد بود. نام او بلعام بود. همه‌ی ما با او آشنا هستیم. خوب!

همان چیزها، همان اموری که این مرد گفت از حدود بیست و هشت قرن پیش در حال رخ دادن است. "... او را شاخ‌ها مثل گاو وحشی است." <sup>۱۵</sup> "مبارک باد هر که تو را برکت دهد و ملعون باد هر که تو را لعنت نماید... چه زیباست خیمه‌های تو ای یعقوب! و مسکن‌های تو ای اسرائیل!" <sup>۱۶</sup> می‌بینید، او نمی‌توانست کاری برای خود بکند. با این تیت قلبی به آنجا آمده بود، تا قوم را لعنت نماید.

۶۷. اوه، شما معلّمین کذب! که در تمام این سال‌ها به این نوارها گوش کرده‌اید و می‌بینید که خدا دقیقاً آنچه را که گفته است، تأیید می‌کند و مطالعه کرده و می‌دانید که این حقیقت است، و بخاطر تفاوت‌های فرقه‌ای خود، آن را انکار نموده‌اید و به قوم خود می‌گویید که این حقیقت نیست. وای بر شما! زمان شما نزدیک است.

۶۸. بلعام توسط همان روح‌القدس که بر موسی بود، مسح شده بود. تفاوت در چه و در کجا بود؟ تعلیم موسی کامل بود. کتاب مقدّس این را در دوّم پطرس می‌گوید. اسرائیل «طریق بلعام» را پذیرفت که هرگز بخاطر آن بخشیده نشد. گناه غیر قابل بخشش و غیر قابل عفو. حتّی یک نفر از آنها نجات نیافت، هرچند توسط برکت خدا خارج شدند و دیدند که دست خدا با نبی او می‌باشد و می‌دیدند که این کاملاً توسط خدا تثبیت شده است. و چون یک نبی دیگر با یک تعلیم متضاد آمد، با موسی مجادله نمود و تلاش کرد تا به قوم بقبولاند که موسی در اشتباه است و داتان و... بسیاری از آنها با او توافق داشتند و به بنی اسرائیل تعلیم می‌دادند که مرتکب زنا شده و بدنبال او روانه شوند، چرا که می‌گفت: "همه‌ی ما یکسان هستیم".

خواه متدیست، باپتیست، پرزبیتیری یا پنطیکاستی و یا هر چیز دیگری که باشیم، همه‌ی ما یکسان هستیم.

۶۹. ما یکسان نیستیم. شما قوم جدا شده هستید. مقدّسین خداوند، وقف شده به روح خدا و کلام خدا تا میوه‌ی وعده‌ی او در این زمان را به بار بیاورید و شما از آنها نیستید. می‌دانم که سخت است، ولی حقیقت همین است. تخصیص یافته به یک خدمت در این ایام آخر. از میان او بیرون آیید.

۷۰. حال «تعلیم بلعام» و نه نبوّت بلعام. نبوّت بلعام درست بود. آن، خدا بود. چند نفر به آن ایمان دارند؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] نبوّت بلعام کاملاً درست بود، زیرا او نمی‌توانست چیز دیگری بگوید. مسح خدا نمی‌توانست طور دیگری صحبت کند و خدا آن را با اثبات درستی آن تثبیت نمود. اما این «تعلیم بلعام» بود که غلط بود.

۷۱. حال آن را با متی ۲۴:۲۴ مقایسه کنید. مسح شدگان، ولی تعلیم آنها غلط است. تالیث و هر چیز دیگری از این دست، غلط و ضد مسیح است.

امیدوارم آزرده خاطر نشوید و تلفن‌ها را قطع نکنید و برخاسته و بیرون نروید. همان‌گونه که هستید، بنشینید و می‌بینید که آیا روح‌القدس این را بر ما مکشوف و اثبات نمی‌کند؟ شما می‌گویید: "اما آن...". به هر چه که ایمان دارید، بنشینید و گوش کنید و از خدا بخواهید که قلب شما را باز کند. پس خواهید فهمید که آیا شما خار و خس هستید و یا چیزی دیگر. می‌بینید؟

۷۲. حال، حتّی یهو «برای محکومیتی که داشت، از پیش مقدّر گشته بود». آنجا در برابر عیسی نشسته بود و عیسی به او گفت: "تو او هستی. هر آنچه می‌خواهی انجام دهی و هر آنچه باید انجام دهی، به سرعت انجام بده." او می‌دانست که می‌خواهد چه بکند. اما بخاطر سی پاره‌ی نقره و محبوبیت، خداوند عیسی مسیح را فروخت. یکی از شاگردان او، خزانه دار کلیسا، که عیسی او را «دوست» خود خطاب می‌کرد. می‌بینید؟ کتاب مقدّس می‌گوید: "او فرزند هلاکت بود." درست به همان صورتی که عیسی پسر

خدا بود. «گمراهی برگزیدگان در صورت امکان».

۷۳. همان‌طور که مطالعه می‌کنیم به دقت توجه کنید. به یک مثال دیگر در کتاب پادشاهان می‌پردازیم. یک نبی بود به نام میکایا ابن یمله و او یک نبی بود.

و یک نبی دیگری بود که در رأس تشکیلات انبیا قرار داشت، مسح شدگان. کتاب مقدس می‌گوید که آنها «انبیا» بودند، درست به همان شکلی که گفت، بلعام نبی بود. مسح شدگان.

و یکی از آنها بود که میکایا نام داشت و توسط خدا مسح شده و با کلام خدا فرستاده شده بود.

یکی هم بود که صدقیا نام داشت و فکر می‌کرد که توسط خدا فرستاده شده است. او مسح خدا را داشت ولی تعلیم او برخلاف کلام خدا بود. «مسیحان دروغین برخاسته و آیات و معجزات نشان می‌دهند که اگر ممکن بود برگزیدگان را گمراه می‌کردند.»

۷۴. توجه کنید، هر دوی آنها دارای مسح بودند. چگونه می‌شد بگوییم که یکی از آنها درست و دیگری غلط است؟ ببینید که کلام به اخاب چه وعده‌ای داده بود، نبی‌ای در برابر او بود که نامش ایلیا و از بزرگترین انبیای آن دوران بود و این آشکار گشته بود که او یک نبی است. آن نبی بزرگ گفته بود که: "چون اخاب این عمل شرارت را بجا آورده است، در جایی که سگان خون نابوت را لیسیدند، سگان خون تو را خواهند لیسید." و "سگان ایزابل را نزد حصار یزرعیل خواهند خورد..."<sup>۱۷</sup> حال، شما چگونه می‌توانید کسی را برکت دهید که خداوند ملعون ساخته است؟ یا همان‌گونه که بلعام گفت، چگونه می‌توانید کسی را ملعون سازید که خدا برکت داده است؟ می‌بینید؟

<sup>۱۷</sup> اشاره به اول پادشاهان باب ۲۱

ولی آن انبیا افراد صادقی بودند. هیچ شکی نیست که آنها افراد خوب و با شرافتی بودند. زیرا در اسرائیل برای اینکه یک نبی باشی باید شرافتمند و حتی اسرائیلی باشی، در غیراین صورت سنگسار می‌شدی. آنان مردانی بودند شرافتمند. آنان منتخبین اخاب از سراسر کشور بودند. می‌بینید خواهر رایت؟<sup>۱۸</sup> منتخبین کل کشور، بخوبی مناسب برای...

۷۵. و حال، هنگامی که میکایا رویای خود را دید، در قلب خویش می‌دانست که کلام به او چه گفته است. ولی می‌خواست ببیند روحی که در اوست چه می‌گوید.

آنها به او گفتند: "تو نیز همان را بگو که سایر انبیا می‌گویند و هنگامی که این کار را بکنی ما تو را به دوستی خواهیم برد. بدون شک این کار را می‌کنیم." می‌بینید؟ "تو را یکی از خود می‌کنیم. تو را به فرقه‌ی خود خواهیم برد. ما می‌دانیم که تو نبی هستی ولی همیشه امور محکوم کننده را می‌گویی." تو همیشه اخاب را محکوم می‌نمایی. حال، صدقیای، رئیس آنها، پاپ یا... هر چیزی که بود. حال او اخاب را برکت داده و گفته است، برو و چنین کن. "تو نیز همین را بگو. چراکه تو تنها یک فرد بیچاره هستی. به سختی به جماعت راه داری ولی این افراد به میلیون‌ها دست یافته‌اند. تمام کشور از آن آنهاست. حال تو نیز همان چیز را بگو و بین آنها برای تو چه خواهند نمود. تو، تو در کشور ثروتمند خواهی شد." او دارد با فرد نامناسب صحبت می‌کند.

۷۶. چطور می‌شود اگر او گفته باشد: "میکایا! آیا تو ایرادی در صدقیای می‌بینی؟"

- "نه."

- "آیا تابحال او را در گناه دیده‌ای؟"

- "نه."

- "آیا تابحال دیده‌ای به کسی ناسزا بگویند؟"

- "خیر."

— "آیا تابحال او را در حال می خوارگی دیده‌ای؟"  
— "خیر."

— "آیا می توانی تحصیلات او را انکار کنی؟"  
— "خیر."

— "آیا گمان می کنی مدرک دکترای او دروغ است؟"  
— "خیر."

— "فکر می کنی مدرک پی. اچ. دی. او درست است؟"<sup>۱۹</sup>

— "بله، او مدرک خود را از شورای سَنهدَرین گرفته است، پس درست است."

— "خوب! پس چرا به او نمی پیوندی؟"

— "چون او خارج از کلام است."

۷۷. خوب! ما نمونه‌ای از آزمون آن را، مثل ایلای نبی خواهیم داشت و اگر شما یک فرزند خدا هستید، با نبی این کتاب مقدس خواهید ماند. این کلام است. به زمان و ساعت توجه کنید.

۷۸. خوب! چه می شود اگر صدقیا گفته باشد: "اوه! من می دانم که نبی این را گفته است. اما این مربوط به نسل آینده است. این مربوط به یک زمان طولانی از الآن به بعد می شود."؟

او گفت: "تا زمانی که یک رویا از خدا بینم صبر کنید، و بعد به شما خواهم گفت."

گفت: "سپس تو همان را خواهی گفت؟"

او گفت: "من تنها آنچه را که خدا بگوید خواهم گفت و نه چیزی دیگر. نمی توانم کلامی به آن افزوده و یا از آن کم کنم."

بعد آن شب و در دعا، خدا در رویا نزد او آمد. صبح روز بعد او رفت و گفت: "دو نبی وجود دارند."

<sup>۱۹</sup> P. H. D مدارک تحصیلی پیشرفته معادل دکتری تخصصی

۷۹. بزرگترین مرد در کشور، در نظر نظامیان و کشور، صدقیا بود. او رئیس انبیا و منتخب پادشاه بود. او در آن تشکیلات، رئیس تمام انبیا بود. او توسط تشکیلات خود به این سمت رسیده بود. احتمالاً او تحصیلکرده‌ترین و واجد شرایط‌ترین فرد برای این کار بوده است. او توسط روح‌القدس مسح شده بود. زیرا «نبی» خطاب شده است. بله، نه فقط یک نبی معمولی، بلکه یک نبی عبرانی. حال او را بنگرید.

۸۰. صدقیا می‌گفت: "خدا با من تکلم نموده، این دو شاخ آهنی را نشانی برای من ساخت." یک نبی معمولاً نشانه‌هایی دارد. "او گفت این شاخ‌های آهنی را بساز. روح‌القدس به من گفت این مسح که من را مبارک ساخته است بگیرم." این را یک فداکاری در نظر نگیرید، بلکه رسیدن به یک نکته که "روح‌القدس که از طریق من به زبان‌ها صحبت می‌کند، او که من را تثبیت نموده است، گفت: این شاخ‌ها را بردار و از طریق اینها، به پادشاه بگو که ارامیان را خواهی زد و من زمینی که به اسرائیل تعلق دارد بدان برمی‌گردانم، به کلیسا."

برادر! این بسیار اساسی است، درست مثل بلعام. بلعام هم مثل موسی بنیادین سخن می‌گفت. موسی... عدد کامل خداوند، هفت است. و بلعام گفت: "در اینجا برای من هفت مذبح بساز، و هفت گاو و هفت قوچ برایم حاضر کن." این صحبت از آمدن پسر خداست. اساساً او نیز به اندازه‌ی هر یک از آنها درست بود.

۸۱. در اینجا صدقیا را می‌بینیم، درست به همان اندازه درست و بنیادین. "زیرا این سرزمین از آن ماست. چرا ارامیان و فلسطینیان، دشمنان ما، دل فرزندان خود را قوت دهند و فرزندان ما چنین نباشند؟ در حالی که خدا این سرزمین را به ما داده است."

برادر! این یک اسندلال خیلی خوب است. فکر کنم او می‌توانست در برابر اسرائیل با تمام قدرت خویش فریاد برآورد و آنها نیز با او. اکنون، من در حال صحبت از امروز

هستم. امیدوارم شما نیز این را دنبال کنید. تمام فریادها و آوازاها.

۸۲ داود را در یکشنبه‌ی گذشته به یاد دارید؟ می‌بینید؟ شما کسانی که اینجا نیستید و یا از طریق تلفن به صدای ما گوش می‌کنید. اگر پیغام هفته‌ی پیش را دریافت نکرده‌اید، آن را تهیّه کنید «تلاش برای خدمت به خدا، خارج از اراده‌ی او». مهم نیست که چقدر خوب و صادقانه... مطلقاً از جانب خدا دریافت نشده است. می‌بینید؟

حال در اینجا صدقیا را داریم که فکر می‌کرد حق با او است.

۸۳ میکایا گفت: «بگذارید از خداوند مسئلت کنم.» سپس روز بعد با «خداوند چنین می‌گوید» به آنجا آمد. او رویای خود را با کلام مطابقت داد.

۸۴ حال، اگر او به صدقیا گفته باشد: «می‌دانی نبی کتاب مقدّس گفته است چه بر سر این فرد می‌آید؟»

۸۵ «اما این بار نه، زیرا او یک مرد شرافتمند است. او دارد تلاش می‌کند.» این را از دست ندهید. او دارد تلاش می‌کند تا چیزهایی را که به کلیسا تعلق دارد را به آن برگرداند. نه امور روحانی را، اگر می‌توانست، مثل ایلیا کشور را به لرزه در می‌آورد. بلکه تلاش می‌کرد تا چیزهای جسمانی را به آنها بدهد. «ما صاحب املاک هستیم، ما یک سازمان بزرگ هستیم. ما به آن تعلق داریم. همه‌ی ما، همه‌ی شما مردم، شما پروتستان‌ها باید به ما پیوندید.»

چند لحظه‌ی دیگر به آن می‌رسیم. "درهر صورت ما برادران و خواهرانیم." این چنین نیست. کلیسای راستین خدا هرگز چنین نبوده و چنین هم نخواهد بود. نمی‌تواند باشد.

۸۶ توجه کنید، او یک رویا دیده بود، و چنین گفت: "خدا با من صحبت کرد." حال، بدانید که آن مرد صداقت داشت. او گفت: "او گفت، این شاخ‌ها را برداشته، در برابر



پادشاه بایست و جهت غرب را نشان بده." یا هر جهتی که آن زمین نسبت به جایی که ایستاده بودند داشت. "نشان بده، و این «وعده‌ی خداوند» خواهد بود، که او پیروز خواهد شد و با پیروزی برخورد گشت؛ یک پیروزی برای کلیسا. آنها را بیرون خواهد راند." بسیار شبیه است. نیست؟ جریان چه بود؟ میکایا آمد. او گفت: "حال تو نبوت خود را انجام بده."

۸۷. گفت: "برو. ولی اسرائیل را مثل گوسفندانی بدون شبان، پراکنده دیدم." کاملاً برعکس.

۸۸. حال، شما جماعت! کدام صحیح است؟ هر دوی آنها نبی هستند. تنها راهی که می‌توانید تفاوت را در آنها ببینید، این است که آن را با کلام مقایسه کنید.

صدقی گفت: "چطور این را دریافت کردی؟"  
گفت: "خداوند را بر تختی نشسته دیدم و تمامی لشگر آسمان نزد وی."

۸۹. به یاد داشته باشید. صدقی هم گفت که او نیز خدا را دیده است، همان روح. او به من گفت که این شاخ‌های آهنی را بساز. به آنجا برو و امت‌ها را از آنجا بیرون بران، چراکه متعلق به ما است. سایرین به این حقیقت نرسیدند. اگر با خدا مانده بودند، می‌توانستند. می‌توانستند آن را داشته باشند، ولی از خدا کناره جستند.

این طریقی است که تشکیلات، کلیسا، در آن است. نسبت به این امور حق دارد. اما نسبت به آن فریب خورده‌اید، چرا که از روح خدا و کلام خدا، از مسح خدا، که کلام خدا را برای زمان آشکار می‌کند، کناره جسته‌اید.

۹۰. توجه کنید که چه رخ داده است. او گفت: "خدا را دیدم." میکایا گفت که خداوند را بر تخت نشسته دیده و تمامی لشگر آسمان نزد وی به طرف راست و چپ ایستاده

بودند. او گفت: "کیست که اخاب را اغوا نماید تا کلام ایلیا واقع شود؛ نبی من که اثبات گشته است. من به او تکلم نموده‌ام و ایلیا کلام من را داشت. آسمان و زمین زایل می‌شوند ولی کلام من تا به ابد باقی است." مهم نیست که آنها چقدر مدرن شده‌اند یا چقدر خوب بوده‌اند یا چه تحصیلاتی دارند، چقدر بزرگ هستند، کلام من هرگز زایل نخواهد شد.

"و یک روح پلید بیرون آمده، به حضور خداوند بایستاد و گفت، اگر اجازه دهی، مسح خود را به آنان خواهم داد. آنها را به آیات و معجزات قادر خواهم ساخت، تا جایی که آنها را از کلام تو خارج کنم. او حتی نخواهد دانست که این کلام توست. بخاطر شهرت آن را انکار خواهد کرد." برادر! زمان‌ها عوض نشده است. برادر نویل!<sup>۲۰</sup> شما به یاد دارید که این درست است. "بر او قرار گرفته و او را وادار می‌کنم همان کاری را بکند که سایرین انجام می‌دهند، او را وادار به نبوت می‌کنم و دروغ خواهد گفت." چطور می‌توانست دروغ باشد؟ زیرا بر خلاف کلام بود.

۹۱. شما هریک از این تعمیدهای غلط را می‌گیرید، چنین و چنان‌های کذب. اهمیتی نمی‌دهم که چقدر تلاش می‌کنند تا آن را جعل کنند. اگر بر خلاف کلام خدا برای این زمان باشد، یک دروغ است. همین‌طور است.

شما می‌گویید: "خوب! ما این کار را کرده‌ایم و این کار را می‌کنیم و کلیسای ما چنین است و چنان است."

اهمیتی نمی‌دهم که چگونه است. اگر برخلاف کلام مکتوب خدا برای این ساعت است، دروغ است. اگر برخلاف کلام این زمان باشد، خدا هیچ کاری با آن ندارد. مهم نیست که چقدر صادق، تحصیل‌کرده، باهوش و چقدر درست یا منطقی بنظر می‌آید. اگر

وقت بشود تا چند دقیقه‌ی دیگر عمیق‌تر به آن می‌پردازیم، اگر نشد، امشب دوباره آن را بررسی خواهیم نمود.

۹۲. توجه داشته باشید، او (صدقیاً) بدون شک مرد خوب و صادقی بود. او گفت... سپس میکایا به او گفت: "تو با یک روح کاذب مسح شده‌ای." آیا این چیزی است که بشود به یک اسقف گفت؟ ولی او این کار را کرد.

۹۳. و بعد این اسقف پیش آمده و گفت: "تو دیگر هیچ رفاقتی نداری." و به صورت او سیلی زد و گفت: "تو می‌دانی که من یک مرد اثبات شده هستم. کلیسای من، مرا مسئول این کار قرار داده است. قوم مقدس و محبوب خدا، من را بر این امر قرار داده است. تشکیلات ما من را مسئول کرده است. خدا این زمین را به ما داده و می‌خواهد که از آن ما باشد و من «خداوند چنین می‌گویم» را دارم." بر صورت او سیلی زد و گفت: "روح خداوند به کدام راه از نزد من به سوی تو رفت تا به تو سخن گوید؟"

۹۴. میکایا گفت: "یکی از همین روزها خواهی فهمید." زمانی که کالیفورنیا زیر دریا باشد و چیزهای دیگر. می‌بینید؟ "اینک در روزی که به حجره اندرونی داخل شده، خود را پنهان کنی، آن را خواهی دید."

۹۵. حال، اخاب! چه می‌خواهی بگویی؟ او گفت: "من به نبی خویش اعتقاد دارم." اگر او فقط کلام را جستجو می‌کرد، چه می‌شد؟ می‌دانید؟ نمی‌خواست خود را در اتهام ببیند. گوش کنید. او نمی‌خواست خویشتن را در اتهام ببیند. هیچ انسانی نمی‌خواهد.

و تشکیلات من، تشکیلات من... برادر! این اتفاقی است که برای شما می‌افتد. می‌خواهید فکر کنید که حق با شماست. وقتی این را در قلب خود می‌دانید و به نام پدر، پسر و روح‌القدس تعمیم می‌گیرید در حال دروغ گفتن هستید. می‌دانید... زمانی که کارهایی را که می‌کنید، می‌گویید و این شواهد ابتدایی را و تمام چیزهای شبیه آن را

می‌بینید، شما در حال اشتباه هستید. چطور صحبت به زبان‌ها و سپس تکلم برخلاف وعده‌ی خدا در این ساعت، می‌تواند شهادت اولیّه باشد؟ چطور ممکن است؟ شما لعنت را نمی‌خواهید. می‌خواهید؟ اما اینجا مکتوب شده، پس باید باشد. این علامت وحش است. بسیار شبیه است که اگر بتواند برگزیدگان را نیز گمراه کند.

۹۶. هر نشان، هر معجزه، فرد مسح شده، نبوت، تمام این امور، انواع آیات و معجزات، چطور می‌خواهید تفاوت را بگویید؟ به کلام این زمان نگاه کنید. این گونه است که...

۹۷. به موسی نگاه کنید، چطور می‌توانسته به بلعام گفته باشد. به میکایا نظر کنید، چگونه می‌دانستیم که حق با اوست؟ کلام، قبل از او آن را برای اخاب نبوت نموده بود.

و کلام، قبل از ما، این تشکیلات و لعنتی که بر آنهاست را برای امروز نبوت نموده است. همه‌ی چیزهایی که باید توسط کلیسای مسح شده‌ی حقیقی او واقع شود، کلام را خواهد داشت. یک عروس کلام. ایناهاش، امروز به همان صورتی که بود.

۹۸. کتاب مقدس می‌گوید: "به سخن دو یا سه شاهد هر سخنی مستند گردد." <sup>۲۱</sup> من از بلعام صحبت کردم، از بلعام و موسی. و حال از میکایا و صدقیا صحبت نمودم. حال می‌خواهم یک مثال دیگر بزنم، که البته صدها نمونه از آن وجود دارند. اما یک شاهد دیگر، تا سه شاهد بشوند. تعداد بسیار زیادی از آنها را اینجا نوشته‌ام، ولی وقت را زیاد نمی‌گیریم.

۹۹. ارمیا که تثبیت شده، مطرود، ولی از جانب خدا تثبیت شده بود. آنها از او متنفر بودند. میوه‌های ترشیده و فاسد را به سمت او پرتاب می‌کردند و یا چیزهایی شبیه این، و او آنها را لعنت نمود. و اعمالی که انجام داد، مسائلی که در اطراف او بود و... نشان از این داشت که اسرائیل در اشتباه بود.

<sup>۲۱</sup> اشاره به تثبیه ۱۹: ۱۵

هر نبی، هر نبی راستینی که تابحال در دنیا برخواسته است، آن تشکیلات فرقه‌ها را لعنت نموده و محکوم کرده است. چگونه ممکن است که این امر توسط خدای لاتغییر تغییر کند؟

۱۰۰. روح‌القدس، نبی این ساعت است. اثباتی از کلام خویش، که آن را اثبات می‌کند. روح‌القدس، نبی زمان موسی بود. روح‌القدس، نبی زمان میکایا بود. روح‌القدس که کاتب کلام است، آمده و کلام را تأیید می‌نماید.

۱۰۱. حال، در زمان میکایا چه اتفاقی افتاد؟ احاب کشته شد و سگان طبق کلام خدا، خون او را لیسیدند.

تمام شما معلمین کذب! خداوند می‌گوید، روزی آنچه را که کاشته‌اید درو خواهید نمود. ای کوران که راهنمایان کوران هستید! من عصبانی نیستم. تنها یک حقیقت را به شما می‌گویم. و اگر روح‌القدس در آن اطاق به من نگفته بود که به این طریق این را بگو، هرگز اینجا این سخنان را نمی‌گفتم. آیا تابحال چیزی خطا به شما گفته‌ام، جز آنکه خدا درستی آن را اثبات کرده باشد؟ برادرانم! قبل از اینکه خیلی دیر شود، بیدار شوید.

۱۰۲. ولی بگذارید این را بگویم، یک خار چگونه می‌تواند بیدار شود و یک خار نباشد در حالی که از پیش برای این مقدر شده است؟ برگزیدگان چگونه می‌توانند این را نبینند؟ زیرا آنان برگزیده شده‌اند تا آن را ببینند. "تمام آنانی که پدر به من داده است، خواهند آمد." عیسی گفت: "هیچ کس نزد من نمی‌آید مگر آنکه پدر پیش از بنیان عالم به من داده باشد. هنگامی که نام آنها در دفتر حیات بره مکتوب شده بود." <sup>۲۲</sup> نه یک رهبر کلیسا، بلکه یک کتاب، کتاب حیات بره.

۱۰۳. توجّه کنید، ارمیا برخواست. او در برابر قوم به اثبات رسیده بود و آنها همچنان از او متنفر بودند.

۱۰۴. بعد آنها رفته و یوغی ساختند. او ساخت و آن را به گردن خویش انداخت و بعد به حضور مردم رفت. آنها می‌گفتند: "ما اَمّت بزرگ خدا هستیم، چرا که، ما اسرائیل هستیم. ما به کنایس خود وفاداریم. هر یکشنبه در آنجا حاضر می‌شویم، قربانی می‌گذرانیم و هدایای خویش را تقدیم می‌کنیم. چطور نبوکدنصر می‌تواند اشیاء مقدّس خدا را ببرد؟" هاه! گناهان شما این کار را کرده است.

خدا گفت: "اگر فرامین من را حفظ کنید این کار را نخواهم کرد، در غیر این صورت بر شما واقع خواهد شد... کاملاً درست است. همچنان همان است. حفظ فرامین او، کلام او برای آن زمان، آنچه که او وعده داده است.

۱۰۵. حال توجّه کنید، اکنون ارمیا، دارای اراده‌ی خدا و آشکار شده بر مردم، اما همچنان از او متنفر بودند... هر یک از آنها در ایّام خویش مورد تنفر بودند. آنها اعمال عجیبی برخلاف آن ایّام انجام می‌دادند، همه از آنها متنفر بودند، حتّی پادشاه و سایرین. پس او یوغی بر گردن خویش نهاد و گفت: "خداوند چنین می‌گوید، برای هفتاد سال به اسارت خواهید رفت." چرا که او کلام خدا را درک کرده بود. هفتاد سال.

۱۰۶. سپس حَنّانیا... حَنّانیا، یک نبی از میان قوم، آمده و یوغ را از گردن ارمیا برداشت و آن را شکست. او گفت: "بعد از انقضای دو سال همه‌ی ظروف خانه‌ی خدا به اینجا باز خواهد آمد. خداوند چنین می‌گوید." و درست در آن زمان بود که او داشت برخلاف کلام خدا سخن می‌گفت.

دو نبی مسح شده، فرق بین آنها چه بود؟ یکی به کلام تکلم می‌نمود و دیگری خیر. و ارمیا گفت: "آمین!"

۱۰۷. در برابر جمعیت و تمام مشایخ، تمام اسرائیل، او می‌خواست تا خود را به بزرگی ارمیا نشان دهد. "می‌دانی آنها به تو علاقه‌ای ندارند و من نیز یک نبی هستم. من نسبت

به تو نبی برتری هستم. زیرا تو به دروغ نبوت می‌کنی و می‌گویی که قوم خدا تحت انقیاد فلان و فلان خواهد رفت؟"

این چیزی است که آنها امروز می‌گویند. ولی شما بعنوان یک کلیسا در آن جایگاه خواهید بود. شما با یک لعنت ملعون گشته‌اید، همه‌ی شما کلیساها و فرقه‌ها که سنت‌های انسانی خود را در عوض کلام خدا نگاه داشته‌اید، توسط خدا ملعون شده‌اید.

۱۰۸. حال توجه کنید، اینجاست. حنّانیا، یوغ او را، نمادی از خدا را، از گردن او کشید و آن را شکست و گفت: "خداوند چنین می‌گوید، دو سال بعد آنها باز خواهند گشت." فقط برای جلب توجه. من چنین و چنان هستم. زیرا او در آن بین ایستاده بود. او یک نبی فرقه‌ای بود.

۱۰۹. ارمیا یک مرد بیابانی بود که زندگی خودش را داشت. هربار به بدی برای آنها نبوت می‌نمود، زیرا آنها شریر بودند.

و این مرد داشت به آنها می‌گفت: "تا زمانی که وابسته باشید همه چیز روبراه است. تا زمانی که اسرائیل هستید، این تنها چیزی است که مورد نیاز است." می‌بینید؟ شما، ما... خدا این کار را نخواهد کرد، می‌دانم که اتّفاقات کوچکی اینجا افتاده است. هراسان نشوید. نترسید.

اوه، برادر! آنها امروز هم زندگی می‌کنند. "نگران نباشید. همه چیز مرتب است. همه چیز تحت کنترل است. ما کلیسا هستیم." این گونه فکر نکنید. بله.

۱۱۰. پس او گفت: "همه چیز روبراه است. آنها تا دو سال دیگر باز می‌گردند. اتّفاقات کوچکی افتاده است. این غیرعادی نیست. نبوکدنصر به اینجا می‌آید ولی خدای ما همه چیز را مرتب می‌سازد."

ولی کلام گفته بود که آنها هفتاد سال به اسارت خواهند رفت. آن نسل و نسلی دیگر زایل شد. یک نسل چهل سال است. "برای حدود دو نسل به اسارت خواهید رفت." و ارمیا این را بر طبق کلام خدا گفته بود.

۱۱۱. حَنانیا آن یوغ را شکست. ارمیا گفت: "آمین! ولی حَنانیا، این را به یاد داشته باشیم که هر دوی ما نبی هستیم. ما خادم هستیم."

و من این را به تو می گویم، برادر من! به یاد داشته باشیم که قبل از ما انبیاپی بودند که بر علیه پادشاهی‌ها و امور معینی نبوت نمودند. ولی به یاد داشته باش، زمانی که یک نبی نبوت می کند، باید بر طبق کلام نبوت کند. مانند میکایا و موسی و مابقی آنها. این باید بر طبق کلام باشد. اگر چنین نیست، پس به یاد داشته باش که چه اتفاقی افتاد.

۱۱۲. سپس خشم حَنانیا برافروخت و برخاسته گفت: "من حَنانیا هستم." بدون شک. "من نبی خدا هستم و می گویم دو سال" به عبارتی دیگر "برایم مهم نیست که کلام چه می گوید" مسح او "من می گویم دو سال دیگر آنها برمی گردند."

۱۱۳. ارمیا از برابر او رفت و گفت: "خدایا! به چیزی که او گفت اهمیت نمی دهم. هنوز به آنچه که کلام می گوید ایمان دارم. من در راستی تو می مانم و فریب او را نمی خورم."

۱۱۴. خدا گفت: "برو به حَنانیا بگو یوغ بعدی را از آهن می سازم." و حَنانیا بخاطر کاری که کرد، در همان سال مرد.

اینها نمونه‌های ما هستند، هردو نبی. در این زمان، از خیلی‌های دیگر هم می شد مثال زد.

۱۱۵. ولی نگاه کنید، عیسی گفت که دوباره در این زمان آخر، دو روح بسیار به یکدیگر نزدیک خواهند بود. درست است؟ [جماعت می گویند: "آمین!"] حال توجّه



کنید، این نزدیکی بیش از پیش خواهد بود. این زمان آخر است. اوه، فرزندان! خدا به ما رحم کند. «آنچنان واقعی خواهد بود که اگر امکان داشت برگزیدگان را نیز فریب می‌داد.» چطور این را در ایام آنها گفتیم؟ چطور می‌خواهید امروز آن را بگویید؟ به همین طریق، ماندن در کلام، «عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است.»

حال، همه به این پیغام توجه کنید و زمانی که به این نوار گوش می‌کنید. شاید روزی، زمانی که نقشه‌ی خدا با من بر روی زمین به اتمام رسید، به خواب رفته باشم و شما به این نوار گوش کنید. به صدای من گوش کنید که به شما چه می‌گویم. اگر خداوند قبل از آمدنش من را برگیرد، به یاد داشته باشید، من به نام خداوند و با کلام خداوند با شما صحبت کردم. بله.

۱۱۶. توجه کنید، «آنقدر شبیه خواهند بود که اگر ممکن بود برگزیدگان را نیز گمراه می‌کرد.» همان آیات و همان معجزات را از طریق همان روح انجام می‌دهند. درست است؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] درست مانند انبیایی که در مورد آنها صحبت کردیم. حال، و نیز مکتوب است...

۱۱۷. اگر می‌خواهید، به این یکی نگاه کنیم. دوّم تیموتائوس باب ۳. این یکی را رها نکنیم. نمی‌خواهم که...

۱۱۸. وقتی به ساعت آن بالا نگاه می‌کنم، می‌خواهم بخشی از آن را حذف کنم و فکر نمی‌کنم نیاز باشد آن را انجام دهیم. توجه کنید... اگر اینجا ایستاده‌ام و اینچنین عرق می‌ریزم، ولی خشنودم و می‌دانم که این حقیقت است. دوّم تیموتائوس ۳: ۸

۱۱۹. پولس، مردی که گفت: "اگر فرشته‌ای از آسمان آمده و کلامی غیر آنچه به شما سپردم به شما گفت، اناتیمه باد." حال یک فرشته به پایین آمده است. این در دوّم تسالونیکیان... معذرت می‌خواهم..

۱۲۰. در دوّم تیموتائوس ۳ : ۸، حال ببینید که پولس می‌گوید. این را از آیه‌ی اوّل بخوانیم و بخوبی گوش کنیم. شما که کتاب مقدّس خود را دارید با من بخوانید، شما که ندارید، خوب گوش کنید.

"<sup>۱</sup> اما این را بدان که در ایّام آخر... " زیرا ایّام آخر را خط بکشید، این هنگامی است که قرار است رخ دهد. "... زمان‌های سخت پدید خواهد آمد. " ما در آنجا هستیم.

"<sup>۲</sup> زیرا که مردمان، خود پرست خواهند بود و طمّاع و لاف زن و متکبر و بدگو و نامطیع والدین و ناسپاس و ناپاک. "

۱۲۱. به دسته‌ای که امروز به آن رسیده‌ایم نگاه کنید، فاسد. حتّی مردان در خیابان‌ها، مردان جوان موهای خود را روی پیشانی خود پایین می‌آورند، درست مثل زلف‌های زنانه. فساد اخلاقی، سدومی.

۱۲۲. آیا شما شماره‌ی این ماه مجلّه‌ی ریدرز دایجست<sup>۳۳</sup> را خوانده‌اید؟ گفته بود، مردم آمریکا در سنّ، به گمانم «بیست تا بیست و پنج سال» در شرایط میانسالی قرار دارند. آنان به انتها رسیده‌اند. فاسد گذشته‌اند. علم این را می‌گوید، که یک مرد، و یک زن، درحالی که هنوز در اوائل بیست سالگی است از نظر فیزیکی در شرایط میانسالی خود قرار گرفته است. آنها فاسد شده‌اند و بدنشان رو به فساد است.

۱۲۳. او، آمریکا! چند بار خدا انتظار تو را کشید. اما اکنون زمان تو رسیده است. تو دنیا را به فساد می‌کشانی.

«... لاف زن و متکبر و بدگو و نامطیع والدین و ناسپاس و ناپاک، بی‌الفت و کینه دل...» هیچ محبّت حقیقی برای دیگری، مرد به زن و زن به مرد، وجود ندارد. نه حتّی محبّت

راستین، فساد جنسی.

"۳ ... غیبت گو و ناپرهیز و بی‌مروت و متنفر از نیکویی."

به عبارتی دیگر، می‌گویید «یک مشت خشک مقدّس». یک روز یک نفر در مورد آمدن به کلیسا از مردم می‌خواست: "به آنجا نروید. آن تنها یک کلیسای بزرگ و پر از صدا و هیاهو است."

می‌بینید؟ تنفر آنها.

"۴ و خیانت کار و تند مزاج و مغرور که عشرت را بیشتر از خدا دوست می‌دارند."

شما می‌گویید: "برادر برانهام! این کمونیست‌ها هستند." آیه‌ی بعد چه می‌گوید؟

"۵ که صورت دینداری دارند..." چی؟ "... لیکن قوت آن را انکار می‌کنند." کلام «عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است» آشکار شده، وعده‌ی خدا برای امروز...

درست مثل حنّانیا، درست مثل صدقیاء، درست مثل بلعام و تمام آن انبیای کذبه.

صورت دینداری دارند، مسح شده، خادمین از پیش مقدّر شده... می‌بینید؟

که صورت دینداری دارند، لیکن انکار می‌کنند که او دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است... کلام او را انکار می‌کنند.

آنها امروز چه هستند؟ همان چیز، مسح شده، انجیل پنتیکاست را موعظه می‌کنند، لیکن وعده‌ی آشکار خدا برای امروز را انکار می‌کنند. «عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است». این را متوجه می‌شوید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"]

" زیرا که اینها هستند، آنانی که به حيله داخل خانه‌ها گشته، زنان کم عقل اسير مى‌کنند که بار گناهان را مى‌کشند و به انواع شهوات رבוده مى‌شوند."

بعضى آمده و تلاش مى‌کنند تا کلام را سوء تعبیر نموده و بگویند: "خواهر! اشکالی ندارد که موهای کوتاه داشته باشی. به حرف‌های آن آدم احمق گوش نکن." مى‌بینید؟ یا: "اگر، اگر این را بپوشی مهم نیست." «آنچه از قلب انسان بیرون می‌آید او را نجس می‌سازد.» آیا متوجه هستید که توسط یک روح شریر، شهوانی و کثیف مسح شده‌اید؟ توجه کنید، شاید شما با موهای کوتاه، در گروه کر بخوانید، ولی روح بد را یافته باشید. این بر خلاف کلام است. درست است. این چیزی است که کتاب مقدس گفته است و شما می‌گویید: "خوب! من موهایم را کوتاه می‌کنم و این من را محکوم نمی‌کند." هر که باشد، اگر یک زن لباس مردانه بپوشد، در نظر خدا این گناه است. این را خدای لایتغیر گفته است.

۱۲۴. او! خیلی چیزها، چگونه می‌توانستیم آن را تجربه کنیم، دوره‌ی ما می‌گذرد، ولی به اندازه‌ی کافی می‌دانید که چه چیزی درست و یا چه چیزی غلط است. من چطور می‌توانم آنها را به آن وادار کنم؟ چطور می‌توانم این کار را بکنم؟ بگویید: "خوب! روی چه پافشاری می‌کنی؟" یک روز، در روز داوری، من شاهدی بر ضد شما هستم. جایی نخواهید داشت که به آن بروید.

۱۲۵. میکایا چطور می‌توانست آن را متوقف کند؟ چطور موسی، فریاد زنان تلاش می‌کرد تا آن را متوقف کند، و یوشع و تمام آنانی که در بین قوم بودند، تا جایی که لای شمشیر خود را کشیده و آنان را بقتل رسانید؟ آنان درست همین کار را کردند.

پیشگویی شده است که آنها این کار را خواهند کرد. آنها این کار را خواهند کرد، چون خداوند چنین می‌گوید که این کار را خواهند کرد. و شما فکر می‌کنید که فرقه‌های

آنها تجزیه نمی‌شوند؟ فرقه‌های آنها به کلام باز می‌گردند؟ این «خداوند چنین می‌گوید» است. آنها این کار را نخواهند کرد. آیا آنها به سمت ضد مسیح حرکت خواهند کرد؟ دقیقاً. خداوند چنین می‌گوید. آنها این کار را خواهند کرد. "تو از چه صحبت می‌کنی؟" من باید یک شاهد باشم. شما هم همین‌طور، همه‌ی ایمانداران. نگاه کنید...

زنان کم عقل را اسیر می‌کنند... به انواع شهوات رבוده می‌شوند.

۱۲۶. "خوب! سایر زنان چه خواهند کرد؟" حال ای انبیای کذب! گوش کنید. در مورد انبیای کذب صحبت می‌کنم. حال، آنها در ایام آخر چه خواهند کرد؟

زنان کم عقل را اسیر می‌کنند... به انواع شهوات رבוده می‌شوند.

"خوب! می‌دانم که سایر زنان... بسیار خوب! ادامه بده.

۱۲۷. قبل از این اتفاقات بزرگ، اینجا در کالیفورنیا چه گفته بودم؟ "شما مردم لس‌آنجلس! هر بار که به اینجا باز می‌گردم، تعداد زنان با موهای کوتاه و مردان زن نما از قبل بیشتر شده است. واعظین بیشتری به سمت تشکیلات و فرقه گام برمی‌دارند. شما بهانه‌ای ندارید. اگر اعمالی که در تو انجام شد در سدوم و غموره صورت می‌گرفت تا به امروز ثبات و دوام داشت. اوه، کفرناحوم! که خود را به نام فرشتگان می‌خوانی، ای لس‌آنجلس!" می‌بینید که چه رخ می‌دهد. او در حال رفتن به اعماق دریاست. چه زمانی؟ نمی‌دانم که در چه زمانی رخ می‌دهد، ولی رخ خواهد داد. شما جوانان! اگر من در دوران خودم این را نبینم، شما آن را خواهید دید. او فنا شده است.

"<sup>۷</sup> و دائماً تعلیم می‌گیرند، لکن هرگز به معرفت راستی نمی‌توانند رسید."

حال، قسمت تکان دهنده اینجاست. گوش کنید. <sup>۸</sup> و همچنان که یئیس و یمبریس با موسی مقاومت کردند، ایشان نیز با راستی مقاومت می‌کنند که مردم فاسدالعقل و مردود

از ایمانند." که البته، یک بار به مقدّسین سپرده شد.

از نظر ایمان... "او دل پدران را به سوی پسران و دل پسران را به سوی پدران خواهد برگردانید." ۲۴

۱۲۸. «مردود از ایمان» آه! می‌دانید مردود به چه معناست؟ اگر کتاب مقدّس اسکوفیلد ۲۵ داشته باشید، بالای کلمه مردود یک حرف اچ ۲۶ است. درست بالای آن می‌گوید «ارتداد». یک ارتداد، این، همان چیزی است، که هست.

۱۲۹. حال چند لحظه، باید به چیزی در اینجا نگاه کنم. فکر می‌کنم اینجا یادداشت کرده باشم. مطمئن نیستم. به همین دلیل می‌خواهم قبل از گفتن، آن را بخوانم. یک دقیقه لطفاً. [فضای خالی روی نوار] «ایمان»، تنها یک ایمان وجود دارد. درست است.

حال می‌خواهم لوقا ۱۸ را بخوانم. چند لحظه. نیاز نیست زیرش را خط بکشید... مجبور نیستید.

"<sup>۱</sup> و برای ایشان نیز مثلی آورد. در اینکه می‌باید همیشه دعا کرد و کاهلی نورزید <sup>۲</sup> پس گفت که در شهری داوری بود، که نه ترس از خدا و نه از باکی از انسان می‌داشت <sup>۳</sup> و در همان شهر بیوه زنی بود، که پیش وی آمده می‌گفت: داد مرا از دشمنم بگیر <sup>۴</sup> و تا مدتی به وی اعتنا نمود و لکن بعد از آن با خود گفت: هرچند از خدا نمی‌ترسم و از مردم باکی ندارم <sup>۵</sup> لیکن چون این بیوه زن مرا زحمت می‌دهد به داد او می‌رسم. مبادا پیوسته آمده، مرا به رنج آورد. <sup>۶</sup> خداوند گفت: بشنوید که این داور بی‌انصاف چه می‌گوید؟ <sup>۷</sup> و آیا خدا برگزیدگان خود را که شبانه روز بدو استغاثه می‌کنند، دادرسی نخواهد کرد، اگرچه برای ایشان دیر غضب باشد؟ <sup>۸</sup> به شما می‌گویم که به زودی

دادرسی ایشان را خواهد کرد. لیکن چون پسر انسان آید، آیا ایمان را بر زمین خواهد یافت؟"

۱۳۰. حال، سوال این است. می‌خواستم به اینجا برسم، به مکاشفه باب ۱۰. تا چند دقیقه‌ی دیگر با آیاتی دیگر از کلام به آن می‌پردازیم. او گفت: "در آیام پیغام فرشته‌ی هفتم سرّ خدا باید به اتمام برسد." اینجا جایی است که این سوال مطرح می‌شود "آیا ایمان را خواهم یافت؟" آیا ملاکی باب ۴ در این زمان تحقّق پیدا خواهد کرد؟ «برگرداندن ایمان پسران به پدران و ایمان پدران به پسران. به منشاء، به کلام». می‌بینید؟

۱۳۱. "مستهزئین، همان‌گونه که ینیس و یمبریس مقاومت می‌کردند..." حال، با دقت به دوّم تیموتائوس ۳: ۸ گوش کنید. "و همچنان که ینیس و یمبریس با موسی مقاومت کردند، ایشان نیز با راستی مقاومت می‌کنند..." حال، جایی را ببینید که می‌گوید «صورت دینداری دارند». مسح شدگان. حال، می‌توانید وقتی به منزل بازگشتید، این را بخوانید. من هم اگر بتوانم امروز صبح این بحث را به اتمام می‌رسانم. «مردودین...» نه مردودین در زندگی، آنها در زندگی خوب هستند، مردمانی تحصیلکرده هستند.

۱۳۲. حال به زمانی که موسی با پیغامی حاوی «خداوند چنین می‌گوید» به سمت مصر حرکت کرد، توجه کنید. پیغامی که آشکار و اثبات شده بود، به اسرائیل اعلام شده بود که یک قوم بودند، نه یک کلیسا. اسرائیل یک قوم بود، آنها هرگز یک کلیسا نبودند. چرا که کلمه‌ی کلیسا به معنی «دعوت شدگان به خروج» می‌باشد. آنها قوم خدا بودند، سپس زمانی که تحت مسح کلام قرار گرفتند، کلیسای خدا شدند. سپس به گناه بازگشتند، زیرا آنها به کلام خدا ایمان نداشتند و به یک نبی کاذب گوش کردند. امیدوارم که درست درک کرده باشید.

اسرائیل، قوم خدا، که بدست خدا از مصر بیرون آمده، توسط کلام و... با قدرت خدا

مسح شده، آیات و معجزات خدا را دیده است و زمانی که خدا داشت با آنها حرکت می‌کرد، یک نبی کاذب ظاهر می‌شود، مسح شده، و چیزی را تعلیم می‌دهد، که بر خلاف کلام اصیلی است که آنها شنیده‌اند. و همه‌ی آنها در بیابان مجازات شدند.

۱۳۳. «همان‌گونه که در ایام نوح بود، که در آن جماعتی قلیل یعنی هشت نفر به آب نجات یافتند، آمدن پسر انسان چنین خواهد بود.»<sup>۲۷</sup> مثل ایام لوط، جایی که سه نفر از سدوم خارج شدند، هنگام ظهور پسر انسان چنین خواهد بود. من تنها دارم کتاب مقدس را نقل قول می‌کنم، کلام خدا را که «آسمان و زمین زایل می‌شود ولی کلام خدا تا به ابد باقی است.»

۱۳۴. به اینجا توجّه کنید. موسی به سمت هارون حرکت کرد. موسی قرار بود خدا باشد. خدا به او گفته بود که خدا باشد. گفته بود: "او برای تو به قوم سخن خواهد گفت، و او مر تو را به جای زبان خواهد بود، و تو او را به جای خدا خواهی بود."<sup>۲۸</sup> بگذار هارون نبی تو باشد، و اگر تو نمی‌توانی خوب حرف بزنی کلام را در دهان او بگذار. گفته بود: "کیست که زبان به انسان داد، و گنگ و کر و بینا و نابینا را که آفرید؟ آیا نه من که یهوه هستم؟"<sup>۲۹</sup>

و او به آنجا حرکت کرد. او چه کاری کرد؟ او درست همان کارها و معجزاتی را انجام داد که خدا به او گفته بود انجام دهد. "عصای خود را به زمین بینداز." این کار را کرد و عصا ماری گشت. آن را برداشت و دوباره به عصا تبدیل شد. گفت: "به نزد فرعون برو و بگو خداوند چنین می‌گوید."<sup>۳۰</sup>

۱۳۵. و زمانی که فرعون این را دید گفت: "چی؟ چه حقه‌ی جادوگری ناچیزی!" گفت:

<sup>۲۷</sup> اشاره به انجیل متی ۲۴ : ۲۷ و انجیل لوقا ۱۷ : ۳۶

<sup>۲۸</sup> خروج ۴ : ۱۶

<sup>۲۹</sup> خروج ۴ : ۱۱

<sup>۳۰</sup> اشاره به خروج باب ۷



"می‌دانی، این چیزی نیست جز یک تله‌پاتی فکری یا چیزی شبیه این. می‌دانی، ما در تشکیلات خودمان کسانی را داریم که می‌توانند همین کار را انجام دهند. اسقف فلائی و فلائی بیاید اینجا، و تو، تو به اینجا بیا. ما آنها را داریم که همین کار را می‌کنند." این شیطان بود که از طریق فرعون صحبت می‌کرد. آن، خدا بود که از طریق موسی صحبت می‌کرد.

۱۳۶. اما به کسانی که آمدند، نگاه کنید. ینیس و یمبریس در برابر موسی ایستادند و در برابر تمام قوم، هر معجزه‌ای که موسی انجام می‌داد را انجام می‌دادند. «اگر ممکن بودی برگزیدگان را هم گمراه کردندی...» درست است؟ همان کاری را می‌کردند که موسی می‌کرد. متوجه شدید؟ حال به یاد داشته باشید، این «کلام چنین می‌گوید» است، که دوباره در ایام آخر تکرار خواهد شد.

فرق بین موسی و یمبریس چه بود؟

موسی گفت: "آب به خون تبدیل شود."

و این انبیای دروغین گفتند: "حتماً، ما نیز آب را به خون تبدیل می‌کنیم."

۱۳۷. سپس موسی گفت: "پشه‌ها بیایند." او چگونه این کار را می‌کرد؟ مستقیماً از جانب خدا. می‌بینید؟

و آنان چه کردند؟ گفتند: "خوب! حتماً، ما نیز می‌توانیم پشه‌ها را پدید آوریم." و این کار را انجام دادند. هر معجزه‌ای که موسی انجام می‌داد، آنان نیز قادر به انجام آن بودند.

به یاد داشته باشید. این را به خاطر بسپارید. مدتی دیگر به آن خواهیم پرداخت. آنان می‌توانند هر کاری که بقیه انجام می‌دهند را انجام دهند. ولی نمی‌توانند با کلام بمانند. آنها نمی‌توانند با کلام بمانند.

۱۳۸. حال توجّه کنید، آنها این کار را می‌کردند. ولی موسی، فرستاده‌ی حقیقی خدا، گماشته شده از جانب خدا، هرگز بر آنان هیاهو نکرد که می‌گفتند: "بیا، تو نمی‌توانی این را انجام دهی. نمی‌توانی. او آنها را به حال خود واگذاشت. اجازه داد تا ادامه دهند. انبیا و تشکیلات آنها، ولی او به کار خویش ادامه داد.

موسی تنها ادامه داد و به خدا گوش کرد. هرآنچه خدا می‌گفت: "حال، این کار را انجام بده." و موسی همان کار را انجام می‌داد. او کاری جدید انجام می‌داد. زمانی که آنها این کار را می‌کردند، هر کدام یک اثری داشتند. درست همان گونه که موسی انجام می‌داد.

۱۳۹. حال توجّه کنید. این افراد... او! این را از دست ندهید. این دغل بازان و مقلدین درست بعد از اینکه فرستاده حقیقی به آنجا رفت، ظاهر شدند. می‌بینید؟ آنها آمدند تا تقلید کنند. متوجه هستید؟ آنها مجبور بودند که این کار را بکنند. شیطان قادر به خلق چیزی نیست. او تنها تحریف کننده و جعل کننده‌ی منشاء و اصل است.

به حنّایا نگاه کنید، یک تحریف کننده‌ی کلام اصیل. به بلعام نگاه کنید، یک تحریف کننده‌ی کلام اصیل. به صدقیا نگاه کنید، یک تحریف کننده‌ی کلام اصیل.

و کتاب مقدّس گفت که این افراد خواهند آمد برای... برای تحریف کلام اصیل و آشکار شده و اثبات شده، برای حقیقت.

۱۴۰. "عمل مبشر را بجا آور. زیرا ایامی می‌آید که تعلیم صحیح را متحمل نخواهند شد، بلکه بر حسب شهوات خود خارش گوش‌ها داشته، معلّمان را بر خود فراهم خواهند آورد، و گوش‌های خود را از راستی برگردانیده، به سوی افسانه‌ها خواهند گرایید." <sup>۳۱</sup> درست است، ما همان آیات و معجزات را داریم و باید از راستی رو برگردانیم و به سمت افسانه‌ها بگراییم.

<sup>۳۱</sup> اشاره به دوم تیموتائوس باب ۴

۱۴۱. او! هشدار روح القدس، همان هشداری که وقتی انسان از فکر کردن به اینکه این امور که این قدر آشکارا و واقعی در برابر ما رخ می‌دهد، دست می‌کشد؛ به جان او می‌خورد. آن ستون را بیرون از اینجا ببینید و کاغذی را که سی سه سال است روی آن است، بخوانید. ببینید که او آن روز صبح در آنجا در خیابان هفتم، زمانی که این ستون گذاشته می‌شد، چه گفت. حال آن را نگاه کنید. به همین رودخانه نگاه کنید. هنگامی که فرشته‌ی خدا بصورت ستون آتش پایین آمد، صدها کلیسا، یا اعضای کلیساها کنار ساحل ایستاده بودند. آنچه را که او گفت شنیدند، و می‌بینید که به وقوع پیوسته است. می‌بینید که چه رخ داده است.

خیلی سخت است. برادران! می‌دانم که بسیار سخت به نظر می‌رسد، ولی این... کتاب مقدس می‌گوید. عیسی خود گفت: "اگر ممکن بود برگزیدگان را نیز گمراه می‌کرد" هیچ راهی ندارد. آنها هرگز قادر به دیدن این نخواهند بود. اگر ممکن بود برگزیدگان هم فریب آن را می‌خوردند.

۱۴۲. توجه کنید. این افراد بعد از اینکه موسی، مسح شده‌ی حقیقی خدا به آنجا فرستاده شد، ظاهر گشتند. و هر کاری که موسی می‌کرد، آنها تقلید می‌کردند.

۱۴۳. حال خواهر! برادر! من... این کلیسای من است. من باید این حق را داشته باشم، تا زمانی که از کلام خدا باشد، هر چه می‌خواهم موعظه کنم. من شما را محکوم نمی‌کنم، ولی بیایید این مطلب را در مورد زمان و ساعتی که در آن هستیم، جستجو کنیم.

درود بر برادر رادل<sup>۳۲</sup> به برادر جونیور جکسون<sup>۳۳</sup> و آنها که خارج از اینجا هستند. کلیسای برادر ما. فکر می‌کنم آنها نیز امروز به دلیل کمبود جا در این مکان، از طریق تلفن با ما همراه هستند.

۱۴۴. حال فقط یک لحظه به این فکر کنید. آنها همان معجزاتی را انجام می‌دادند که موسی انجام می‌داد. موسی پشه‌ها را آورد، آنها از آن تقلید کردند و آنها هم پشه‌ها را آوردند. می‌بینید؟

خدا گفته بود: "روزی که از آن خوردی، هرآینه خواهی مرد." ۳۴

۱۴۵. شیطان آمده و گفت: "مطمئن باشید، نخواهید مرد. با هوش‌تر باشید. شما یک تشکیلات بهتر خواهید داشت. یک... می‌دانید، همه چیز برای شما بهتر خواهد بود، نور بیشتری خواهید داشت." می‌بینید، یک انحراف اخلاقی. باید...

و به یاد داشته باشید، خداوند چنین می‌گوید، طبق دوم تیموتائوس ۳ : ۸ که: "درایام آخر، که این ینیس و یمبریس بر روی زمین خواهند بود." حال، می‌خواهم توجه داشته باشید که آنها دو نفر هستند. متوجه شدید؟ مقلدین.

۱۴۶. حال، بعد از چند دقیقه می‌خواهیم به سدوم بازگردیم. سه نفر از آنها، سه فرشته‌ی آنها که پایین آمدند، و تقلید را بینیم. بینیم کدام درست و کدام غلط است. می‌بینید؟ می‌بینید؟

۱۴۷. توجه داشته باشید، آنها همان معجزات را انجام دادند. ولی دقت کنید، آنها درست بعد از مسح حقیقی کلام شروع کردند به تقلید. بعد از مسح شده‌ی راستین کلام که توسط خدا فرستاده شده بود. آنها رده دوم بودند.

خوشحال می‌شوم اگر یک دقیقه فکر کنیم. حدود بیست سال پیش بود که داشتم برای افراد دست‌گذاری می‌کردم که علائمی آشکار گردید. نشانه‌هایی که بر روی هرکس و هر چیز قرار گرفته بود...

یک نفر بر روی دست راست خود آن را داشت، دیگری بر روی دست چپ و دیگری... می‌بینید، همه نوع... و من در تعجب بودم... خدا اجازه نخواهد داد تا الآن به شما بگویم که حقیقت چه بود، ولی یک روز این را خواهید فهمید. این تنها آشکار شدن حماقت آنها بود. اگر خدا اجازه بدهد، یک روز به شما خواهم گفتم.

۱۴۸. توجه کنید، آنها همان معجزات را انجام می‌دادند، اما آنها... دقت کنید، آنها این کار را تا زمانی که کلام اصلی از ابتدا حرکت نکرده، بد انجام ندادند. این همان طریقی است که شیطان در باغ عدن انجام داد. این همان روشی است که او همیشه دنبال می‌کند. ابتدا چه کسی نبوت نمود؟ موسی. ابتدا چه کسی به روی صحنه آمد، موسی یا بلعام؟ می‌دانید منظورم چیست؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"]

۱۴۹. توجه کنید، آنها تقلید نمودند. مقلدین جسمانی، صادق، فکر می‌کردند که به خدا خدمت می‌کنند. درست مثل داود در موعظه‌ی هفته‌ی قبل، ولی تقلیدی جسمانی. تنها یک لحظه... می‌خواهم بین این مکان‌ها تفکر کنید. اگر من این را نگویم مطمئناً روح القدس این را آشکار خواهد نمود، مخصوصاً برای برگزیدگان. می‌بینید؟

۱۵۰. فرقه‌ی فرعون می‌گوید: "ما مردانی داریم که می‌توانند همین کارها را انجام دهند." و این کار را کردند. می‌بینید؟ چرا فرعون این کار را کرد؟ چرا خدا اجازه‌ی این کار را داد؟ چرا خدا باید یک نبی مسح شده‌ی راستین را به آنجا بفرستد تا آن اعمال را در برابر فرعون انجام دهد؟ سپس به یک تقلید فرقه‌ای اجازه دهد تا در برابر قوم این اعمال را تقلید کند؟ چرا باید به یک مقلد اجازه دهد که برخاسته و این کار را انجام دهد و دقیقاً همان کاری را انجام دهد که روح راستین خدا انجام داده بود؟ می‌بینید، کلام باید محقق شود.

۱۵۱. توجه کنید، او این کار را کرد تا قلب فرعون و مصریان را سخت سازد. تا ثابت

سازد که موسی تنها کسی نبود که کلام را داشت. آنها می‌توانستند هر کاری را درست همان‌گونه که موسی می‌توانست انجام دهد، انجام دهند.

و چرا خدا اجازه می‌دهد که این امر در این ایام رخ دهد؟ همان روح کاذبی که به صدقیا گفت: "چگونه می‌خواهیم اخبار را وادار سازیم تا این امر را محقق سازد؟" چگونه می‌خواهد این مردم را وادار سازد تا به کلیساهایشان اتکا داشته باشند تا به اینجا نیایند و این چیزی که او پیشگویی کرده بود واقع شود؟ آنها، در این دوران کلیسای لانودیکیه... زیرا می‌گویی که دولتمند و بی‌نیاز هستی، مانند ملکه نشسته‌ام. هیچ نداری. نمی‌دانی که تو مستمند و مسکین هستی و فقیر و کور و عریان؟ به تو نصیحت می‌کنم که طلا و روغن را از من بخری. چرا این کار را کردی؟<sup>۳۵</sup>

۱۵۲. چرا او اجازه داد تا این تقلید در این ایام آخر برخیزد، هنگامی که این امور از طریق کلام راستین خدا در حال تحقق هستند؟ و اجازه داد تا این مقلدین بیایند و همان کار را انجام دهند، و کلام راستین خدا را انکار نمایند؟ او برای موسی این کار را کرد، و فرعون در برابر موسی این کار را کرد و ینیس و یمبریس این کار را بر علیه موسی انجام دادند. و کتاب مقدس گفت که این امر در ایام آخر دوباره تکرار خواهد شد. ما اینجا هستیم. حال، اگر این تحقق کتاب مقدس نیست، در کجا است؟

۱۵۳. آیا موسی بر آنها فریاد برآورد که: "بینید، بینید، شما نمی‌توانید این کار را انجام دهید. من تنها کسی هستم که برای این کار مقدر شده است. همین الآن این کار را متوقف کنید!" او آنها را به حال خود واگذارد.

اجازه داد تا ادامه دهند. به یاد داشته باشید که کتاب مقدس گفته است: "همان‌گونه که حماقت آنان آشکار گردید، اینان نیز در این ایام چنین خواهند بود." هنگامی که عروس

رَبوده شده و به آسمان برده شده است. توجّه کنید.

۱۵۴. موسی، کلام راستین آشکار شده، هرگز چیزی نگفت، فقط آن را رها کرد. پس قلب فرعون سخت گردید. فرعون فریب خورد.

او عیناً همان کاری را کرد که توانست از طریق آن اخاب را فریب دهد. و آن مرد کوچک که به تنهایی آنجا ایستاده بود، میکایا، به آنها می گفت خداوند چنین می گوید. اینجا فرد دیگری ایستاده بود، مسح شده، خداوند چنین می گوید، و یکی برخلاف دیگری.

۱۵۵. امروز ما با «خداوند چنین می گوید» ایستاده ایم که در ایام آخر باید تعمیر آب به نام عیسی مسیح باشد. و یک انسان دیگر می ایستد و معجزات انجام می دهد، یک تثلیثی.

کلمه‌ی تثلیث را در کتاب مقدّس به من نشان دهید. به من جایی را که سه خدا باشند، نشان دهید. به من نشان دهید که چنین اموری کجا هستند. این در کلام خدا نیست. چنین چیزی که هرگز کسی به نام «پدر، پسر، روح القدس» تعمیر یافته باشد و از این عناوین استفاده شده باشد، وجود ندارد. همه‌ی این امور، "اوه، خواهان! این ایرادی ندارد. این اشکالی ندارد. موه‌ای کوتاه شما... این ایرادی ندارد. تو مجبور نیستی این، آن، یا کار دیگری را انجام دهی. اوه! اینها بی معنی است. اینها عقب ماندگی است."

اما کتاب مقدّس می گوید و او وعده داده است: "در این ایام آخر او روح ایلیا را خواهد فرستاد و قوم خدا، فرزندان خدا را خواهد خواند تا به ایمان اصلی مانند آنچه که در ابتدا و از کلام بود بازگرداند." <sup>۳۶</sup> این کلام تأیید شده بود. پسر انسان در ایام آخر. همان گونه که در سلوم بود. این وعده‌ی خداست و «خداوند چنین می گوید» می باشد.

۱۵۶. توجّه کنید، آنها همان کار را کردند، درست همان گونه که موسی انجام داد، تا هنگامی که خداوند آن را کافی دید.

حال به یاد داشته باشید، این «خداوند چنین می گوید» می باشد و در این ایام تحقق خواهد یافت. حال در دنیا جستجو کنید، در هر فرهنگ، هر تعلیم، هر انسان، هر کلیسا، من به نام مسیح، شما واعظین را مسئول این کار می کنم تا روزنامه ها را بخوانید و به هر جایی که می خواهید بروید و آن را ملاحظه کنید و ببینید که آیا هم اکنون این امر در دنیا انجام نشده است؟ می بینید؟

پس متی ۲۴ : ۲۴ کاملاً درست است. "زیرا در ایام آخر انبیای کذبه و مسح شدگان دروغین خواهند بود و بسیاری را گمراه خواهند کرد." حال به انواع آن نگاه کنید. ببینید. «بسیاری را گمراه خواهند کرد»، «انیا» جمع، «مسیحان»، مسح شدگان، جمع، تعداد بیشمار و مختلف. می دانید؟ متدیست، باپتیست، پنطیکاستی و... می بینید؟

اما یک روح و مسیح حقیقی وجود دارد و آن، کلمه است که جسم پوشید. همان گونه که وعده داده بود. حال با چند بخش دیگر از کلام، کمی جلوتر می رویم.

۱۵۷. زمانی که خداوند انجام آن را کافی دید، این امر به پایان رسید. حماقت آنها آشکار شده بود.

۱۵۸. دقت کنید، پوسته ی گندم کاملاً شبیه دانه ی گندم است. می بینید؟ در زمان مارتین لوتر<sup>۳۷</sup> نمی توانستید بگویید که «ساقه، خود گندم است» تا زمانی که حیات در آن جاری شد. ساقه خوب است، حیات درون ساقه نیز خوب بود. اما بخ به یاد اطر داشته باشید که حیات پیشروی می کند. این حیات از ایلیا به الیشع پیش رفته بود. حیات همیشه در حال پیش رفتن است. ولی به یاد داشته باشید، این در یک مرحله ی دیگر است. نمی تواند در



آن مرحله باقی بماند. ما نمی‌توانیم مردار یک دوره‌ی دیگر را بخوریم. ما نمی‌توانیم مردار پنطیکاستی، متدیست یا باپتیست را بخوریم. می‌بینید؟ این خوراک دیگر گندیده است. ما خوراک تازه را داریم. کلام این ساعت و...

۱۵۹. به یاد داشته باشید، پوسته کاملاً شبیه دانه‌ی گندم است. شما نمی‌توانید... در ساقه و یا در خار نبود که به دانه‌ی گندم شباهت وجود داشت، اما مطمئناً در پوسته شباهت بود. در لوتر... شباهتی به عیسی مسیح دیروز نبود. در ولسی نبود. اما در پنطیکاست بود. «اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی.»

۱۶۰. اما به یاد داشته باشید که کلیسای پنطیکاستی... در ایام آخر، مسیح، هسته، و کلیسای لائودیکیه گندم بیرون آن بود.

زمانی که او تلاش نمود... به یاد داشته باشید، زمانی که او تلاش نمود تا خود را در کلیسا آشکار سازد، به بیرون برده شد. اما همچنان این یک کلیسا بود. ادعای کلیسا بودن داشت، مسح شده.

اما کلام اینجاست، خود مسیح، این کلام مسح شده است که باید برای بقیه‌ی بدن بیاید، برای عروس. مسح شده از همان آبی که گندم را آبیاری نمود. همان‌طور که در مورد آن صحبت کردیم، کرکاس‌ها را نیز آبیاری نمود، مسح شدگان. تنها برگزیدگان، یا از پیش تعیین شدگان قادر به تشخیص تفاوت بین آنها خواهند بود. حال، افسسیان ۱: ۵، این را و چگونگی آن را به شما می‌گوید.

۱۶۱. آنها مسح شدگان هستند. همه می‌گویند: "جلال بر خدا! ما در اینجا آزادی را یافته‌ایم. هلولویاه! ما... اوه، هلولویاه! ما به زبان‌ها صحبت می‌کنیم. ما به آزادی زنان رسیده‌ایم، شما تلاش می‌کنید آنها را تحت هر امری قرار دهید." می‌بینید؟ ادامه دهید. کاری نیست که بتوانید انجام دهید. می‌گویند: "ما به زبان‌ها صحبت می‌کنیم، در روح

می‌رقصیم. کلام را موعظه می‌کنیم." دقیقاً همین‌گونه است. این افراد مذکور در کتاب مقدس هم چنین می‌کردند. هیچ چیزی بر خلاف آن نمی‌توان گفت.

عیسی گفت: "اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی."

۱۶۲. پوسته‌ی گندم را به یاد داشته باشید. از دانه‌ی اصلی، دانه‌ای که در زمین قرار گرفت. تشکیلاتی وجود نداشت. این تنها یک دانه بود. اما هنگامی که رشد کرد، دیگر یک دانه نبود، یک تشکیلات بود. برگ‌ها و دانه‌ها، می‌بینید.

سپس وارد مرحله‌ی دیگری شد. همچنان شباهتی به ابتدا نداشت. این یک تشکیلات بود. به پوسته رفت، برگ‌های بی‌شمار، پنطیکاست، حالا تقریباً شکل گرفته بود. به آن نگاه کنید. در تمام مدت در حال شکل‌گیری است. درست به همان صورت. زمانی که به آن نگاه می‌کنید، کاملاً شبیه دانه‌ی گندم است.

اما بالاخره این آشکار شده است. بدون تشکیلات، حامل دیگری نیست، تشکیلات تنها یک حمل‌کننده است. ساقه باید می‌مرد، پوسته باید می‌مرد، هر چیز دیگری باید می‌مرد، اما گندم به حیات ادامه می‌دهد. این بدن رستاخیز است که پایین آمده و آنها را بالا می‌برد. "بسا اولین که آخرین می‌گردند و آخرین که اولین می‌گردند." <sup>۳۸</sup> می‌بینید؟ آنها را در رستاخیز بالا می‌برد. آیا این را پیروی می‌کنید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"]

۱۶۳. پوسته دقیقاً شبیه گندم به نظر می‌رسد و کسی که مزرعه‌ی گندم دارد ممکن است با دیدن آن بگوید: "خدا را شکر! محصول گندم را بدست آوردم." درحالی‌که حتی یک دانه‌ی گندم هم بدست نیاورده است. این دقیقاً شبیه گندم به نظر می‌رسد. ولی گندم نیست، بلکه پوسته.

۱۶۴. حال دوستان! با من به عقب برگردید. اولین احیا پس از «مرگ» از کجا آمد؟ ایامی که دانه‌ی گندم، بدن، عروس مسیح باید در زمین فرو می‌رفت؟ مسیح عروس خود را سازماندهی کرد؟ درست است. کلیسای خویش را؟ او هرگز آن را سازماندهی نکرد، بلکه انبیا و رسولان و... را در کلیسای خود مقرر داشت. ولی در نیقیه، رم، سیصد و شصت سال بعد، آن را سازماندهی کردند و آن تشکیلات را حاصل نمودند. درست است؟ و آن، مُرد. هر چیز که در توافق با کلیسا نبود به کام مرگ سپرده شد. و هنوز صدها سال است که در چرک و پلیدی قرار دارد.

اما بعد از مدتی لوتر از آن بیرون آمد. اولین جوانه‌ها پدیدار شدند. دومین نیز از آنجا جوانه زد. آنها پیش رفتند، زوینگلی<sup>۳۹</sup> و سایرین، و دیگر تشکیلات را پدید آوردند. و بعد از مدتی نوبت رسید به انگلیکن.<sup>۴۰</sup>

و بعد چه اتفاقی افتاد؟ سلی با یک احیای تازه از راه رسید. خوشه، این اندکی بیشتر به گندم شباهت دارد. بعد چه شد؟ سازماندهی شد، خشکید و مُرد.

حیات به پوسته وارد شد، و پوسته بیشتر به شباهت گندم در آمد. اما در نهایت، در هشت تا ده سال اخیر، مخصوصاً در سه سال گذشته، حماقت آن آشکار گردید. حال چه می‌کند؟ از گندم جدا می‌شود.

۱۶۵. حال چرا در خلال این بیست سال گذشته در این بیداری عظیم با وجود انبیا و معلمین مسح شده تشکیلاتی شکل نگرفته است. چرا؟ بعد از دانه، چیز دیگری وجود ندارد. می‌بینید؟ دانه بازگشته است، بدون تشکیلات، بدون فرقه. اوه، خدای من! یک نابینا می‌توانست آن را ببیند. این نمی‌تواند سازماندهی شود، چون اساساً بر ضد آن است. چون این خودش دانه‌ی گندم است. پسر انسان آشکار خواهد شد. دانه‌ی گندم به خود

دانه‌ی گندم باز خواهد گشت. پسر انسان در ایام آخر. «مسیحان کاذب و انبیای دروغین برخواسته... تا اگر ممکن باشد، حتی برگزیدگان را نیز گمراه کنند.» به پوسته‌ی تشکیلاتی آنان که اکنون در حال کنار رفتن است، نگاه کنید.

۱۶۶. این گندم را تنها برگزیدگان که خود، بخشی از آن هستند، خواهند شناخت. توجه کنید، چقدر زیبا بیان شده است! توجه کنید، تنها... مسح شدگان، برگزیدگان راستین و از پیش تعیین شده، قادر خواهند بود. افسسیان ۱: ۵. آنها تنها کسانی هستند که فریب نخواهند خورد. دقت کنید، انبیای کذبه خواهند بود، و در میان آن انبیا، مسح شدگان راستین خواهند بود. چطور می‌خواهید این را بیان کنید؟ از طریق کلام. همان‌گونه که سایه‌ی آن را داریم. متوجه این می‌شوید؟ بگویید: "آمین!". [جماعت می‌گویند: "آمین!" می‌بینید؟]

۱۶۷. توجه کنید، مسح شدگان، تنها کلام است که آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند، نه آیات و معجزات. آنها همان آیات را به انجام خواهند رساند. ولی این کلام است که آنها را متمایز می‌کند. همه‌ی آنها نبوت نمودند. همه‌ی آنها این و آن و... را انجام دادند، درست به یک شکل. عیسی گفت همه‌ی آنها همان اعمال را انجام می‌دهند. اما کلام، چیزی است که آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند.

۱۶۸. توجه کردید؟ عیسی در متی باب ۲۴ این را گفت. او نگفت که در ایام آخر عیسی‌های دروغین ظهور خواهند کرد. اوه، نه! آنها هرگز طاقت چنین چیزی را نخواهند داشت. آیا یک پنطیکاستی را می‌یابید که واقعاً پنطیکاستی باشد و بگوید خود «عیسی» است؟ یک متدیست، باپتیست و یا یکی از فرقه‌ها یا کسی شبیه اینها که بگویند: "ما عیسی هستیم"؟ آنها هرگز این کار را نخواهند کرد. اما کتاب مقدس می‌گوید که آنها باید «مسیحان دروغین» باشند نه عیسی‌ها، بلکه «مسیحان دروغین» آنها نمی‌توانند بگویند: "من عیسی هستم".

۱۶۹. اما آنها «مسیحان کذب» هستند و این را نمی‌دانند. چون برخلاف کلام هستند و خدا همین را اثبات می‌نماید. این را بعنوان یک نشانه‌ی نهایی در اینجا مطرح می‌کنم. چون انجام همین کار را توسط این مردم دیده‌اید و عیسی این را گفته است.

۱۷۰. حال، شما کسانی که از طریق تلفن با ما در ارتباط هستید! همان‌طور که گفتم قصد متهّم کردن شما را ندارم. اما این کلیسای من است و گروهی که روح‌القدس من را بر آن مقدر کرده است و باید حقیقت را به آنها بگویم.

۱۷۱. حال، آنها تحمل آن را نخواهند داشت، ولی «مسیحان کذب»، مسح شدگان دروغین، تقریباً با هر آیات و هر کلمه‌ی خدا شباهت خواهند داشت. آیا آنها به تعمید روح‌القدس ایمان دارند؟ مطمئناً دارند. به همه‌ی اینها ایمان دارند؟ بله. به تکلم به زبان‌ها ایمان دارند؟ بله. این متدیست‌ها نیستند. باپتیست‌ها نیستند. نه، نه، پنطیکاستی‌ها هستند. می‌بینید، ایام آخر است.

حال، اولین دوره‌ی کلیسا هرگز به آن توجه نکرد. دوره‌ی کلیسای متدیست به آن توجه نکرد. عصر باپتیست متوجه آن نشد. آنها هرگز متوجه آن نشدند. اما پنطیکاستی بسیار نزدیک و شبیه آن چیز اصلی است. آنجا جایی است که پوسته بسیار به گندم شبیه است. آنها هرگز به این توجه نمی‌کنند. می‌بینید؟ آنها نمی‌توانستند، ولی این ایام آخر است. این روز. بله آقا!

۱۷۲. توجه کنید، درست همان حالتی که در ابتدا بود، در انتها نیز به همان صورت خواهد بود. همان‌طور که حواً یک کلمه را سوء تعبیر نمود، یعنی شیطان این کار را با حواً کرد و او آن را باور کرد. او (مؤنث)، نه مذکر. کلیسا، نه او. می‌بینید؟ کلیسا، کسی بود که کلام غلط را پذیرفت. می‌بینید؟ نه آدم، بلکه حواً. نه مسیح، بلکه کلیسا. عروس، مسح شده، کسی که خود را عروس می‌خواند. می‌بینید؟ او کلام غلط را دریافت نمود.

می‌توانید این را درک کنید؟ از آن جهت که، آنها بهم پیوسته هستند، مثل بند کفش، مانند مژگان چشم شما. زیرا هرچه که شما به کتاب مقدس مراجعه خواهید کرد... با هم پیوسته... حوا، نه آدم، حوا آن را باور کرد، نه آدم. به اصطلاح، عروس بود که باور کرد، نه مسیح. عروس، در درون خود همه نوع به اصطلاح عروس را دارد، با همان آیات و همان معجزات. در همه چیز مشابه، ولی حقیقی نیستند. می‌بینید؟ اگر ممکن بود برگزیدگان را می‌فریفت.

حال، اگر بتوانیم به سرعت این موضوع را در پانزده دقیقه به پایان برسانیم، سر وقت جلسه را به پایان خواهیم برد. حال، خیلی دقیق توجه کنید، تا برای شما سوء تفاهمی ایجاد نشود.

۱۷۳. خیر، آنها نمی‌توانستند متحمل این باشند که «عیسی دروغین» خوانده شوند. آنها تحمل این را ندارند که «عیسی» خطاب شوند. مطمئناً نه. این بسیار ساده است. هر کس می‌تواند این را بداند. همه می‌توانستند بدانند که آنها عیسی نبودند. اهمیتی نمی‌دهم که آنها روغن... هر کس که از شعور درستی برخوردار بود، می‌دانست که آنها عیسی نبودند. می‌بینید؟ آنها طاقت این را نداشتند، ولی خود را «مسح شده» خطاب می‌کنند و آیات و معجزات انجام می‌دهند، «تا برگزیدگان را گمراه نمایند». مسیحان کذبه، مسح شدگان ظاهر خواهند شد و «اگر ممکن بود برگزیدگان را گمراه می‌کردند».

۱۷۴. حال به دقت توجه کنید، این مطلب را از دست ندهید. چون ارزش گوش کردن را دارد.

۱۷۵. پس، بسیار شبیه خواهند بود. کتاب مقدس این را می‌گوید. می‌بینید؟

۱۷۶. توجه داشته باشید، نه عیسی‌های کذبه، «مسیحان کذبه» ظاهر خواهند شد. «مسیحان»، جمع، فرقه‌ها و غیره، مسح شدگان. مسح شده توسط یک روح فرقه‌ای و نه از طریق کلام. متوجه می‌شوید؟ نه یک عیسی کذبه، بلکه «مسیحان دروغین» یعنی

کسانی که دارای مسح هستند، مسح شدگان. می‌بینید؟ او، چقدر ساده!... مطمئناً این را فراموش نخواهید کرد.

۱۷۷. حال، به یاد دارید که همیشه گفته‌ام مردم به سه دسته تقسیم می‌شوند، یعنی ایماندار، ایماندار ظاهری و بی‌ایمان. همیشه این‌گونه بوده و این‌گونه نیز خواهد بود. می‌بینید؟ موسی، ایماندار و ینیس و یمبریس هم بی‌ایمان بودند. می‌بینید؟ بلعام، موسی... همیشه مردم سه دسته بوده‌اند، ایماندار، ایماندار ظاهری و بی‌ایمان.

۱۷۸. حال به خاطر داشته باشید که بی‌ایمان، کلیسای فرقه‌ای، اصلاً به آیات و... اعتقادی ندارد. سرد و رسمی، کلیسای دنیا، فرقه. اما شبه ایماندار، همان پوسته‌ی گندم است. او کسی است که تظاهر به ایمان می‌کند. و بعد، ایماندار حقیقی را داریم که واقعاً راستین است.

۱۷۹. و توجّه کنید، این بی‌ایمانان و یا شبه ایمانداران و بی‌ایمانان چقدر گستاخ هستند. خدای من! آنها گستاخ هستند، درست مانند شیطان که در برابر کلام راستین ایستاد و گفت: "مکتوب است." درست است؟

چرا شیطان این کار را کرد؟ زیرا او نمی‌دانست که... او می‌دانست که کلام متعلق به آن زمان بود، ولی شک و تردید داشت که این مرد فروتن، همان کلام باشد. "اگر تو پسر خدا هستی... چون می‌دانست که پسر خدا خواهد آمد. چون گفته شده است که این کار را خواهد کرد. و مکتوب است... فرشتگان خود را درباره‌ی تو فرمان دهد." <sup>۴۱</sup> می‌بینید؟ "این را به من ثابت کن. یک معجزه انجام بده. بگذار بینم که این کار را می‌کنی." می‌بینید؟ می‌بینید؟

بینید، بی‌ایمان و شبه ایماندار، یعنی مقلد. در همان زمان نگاه کنید به یهودا که در بین شاگردان بود، شبه ایماندار. می‌بینید؟ دقت داشته باشید که کلام راستین هم آنجا بود.

<sup>۴۱</sup> اشاره به انجیل متی باب ۴

۱۸۰. آنها چقدر گستاخ هستند! آنها این را می‌گویند: "به آن چرندیات توجه نکنید، چیزی در آن نیست. فقط قیل و قال است. همه‌ی آن توهمی بیش نیست." می‌بینید؟ می‌بینید منظورم چیست؟ در برابر کلام می‌ایستند و این را می‌گویند.

۱۸۱. همان‌گونه که کتاب مقدس می‌گوید، شیطان بلافاصله در یهودا نفوذ کرد. زمانی که رئیس فرشتگان با شیطان منازعه می‌کرد، گفت: "خداوند تو را توبیخ نماید." بر خلاف کلام.

و ضد مسیح اینجاست؛ مسح شده، درست همینجا، بر ضد کلام ناب آن روز. عیسی مسیح ایستاده و می‌گفت: "مکتوب است..."

۱۸۲. به ایام آخر نگاه کنید «چنان شبیه خواهند بود که اگر ممکن بود برگزیدگان را نیز گمراه می‌نمود». اوه، خدای من! می‌دانید چرا برگزیدگان گمراه نمی‌شوند؟ به دلیل این است که آنها، کلام هستند. می‌بینید؟ درست مانند حیاتی که در ریشه است. این را مدتی پیش گفتم. این کلام است و زمان آن. درست است.

۱۸۳. درست مانند ارمیا، او می‌دانست، مهم نبود که حنّانیا چه می‌گفت. او می‌دانست که در کجاست و این درست مانند موسی و سایر آنهاست. او می‌دانست، مهم نبود که نبی کاذب چه می‌گفت. کلام خدا وجود داشت، مکتوب بود.

به این دلیل است که میکایا می‌توانست بگوید: "بسیار خوب! صبر کنید و ببینید." اخاب می‌گفت: "من به انبیای خود اطمینان دارم. تشکیلات من درست است. زمانی که به سلامت بازگردم... این فرد را به زندان بیندازید و او را به نان تنگی و آب تنگی پیورید، تا من به سلامتی بازگردم." <sup>۴۲</sup>



۱۸۴. میکایا گفت: "اگر تو به سلامت بازگردی خداوند با من تکلم نکرده است." او می‌دانست که «خداوند چنین می‌گوید» را دارد و کاملاً با «خداوند چنین می‌گوید» بود؛ نه برای زمانی دیگر، بلکه برای همان زمان. آمین! هلولیاه!

۱۸۵. گستاخ، ایستاده و با رئیس فرشتگان منازعه می‌کرد. می‌گویند: "احمقان با کفش‌های، با کفش‌های... جایی قدم می‌گذارند که فرشتگان از قدم گذاشتن در آن بیمناکند."

۱۸۶. دلیل اینکه عیسی گفت برگزیدگان فریب نخواهند خورد، این است که آنها کلام هستند. آنها نمی‌توانند چیزی دیگر را بشنوند. چیز دیگری را نمی‌شناسند. درست است.

به یاد داشته باشید، موسی توسط آن مقلدین کنار زده نشد، شد؟ آیا موسی گفت: "فرعون یک دقیقه صبر کن. می‌دانی چیست؟ خدا به من گفت که این کارها را انجام دهم، ولی جلال بر خدا! می‌بینیم که مردان تو نیز قادرند همین کار را انجام دهند. پس می‌دانی چه می‌کنم؟ من نیز به شما می‌پیوندم."؟ این شبیه یک نبی خدا نیست. واقعاً خیر. او به همان استواری که می‌توانست، ایستاد. او می‌دانست که خدا به هر طریق، همه چیز را در دست خواهد داشت، چون او این وعده را داده بود: "با تو خواهم بود، تو را ترک نخواهم کرد."

۱۸۷. او این را می‌دانست، بنابراین با آنها پیوند نخورد. او خواهان هیچ یک از فرقه‌های آنان نبود. او با خدا ماند. وقتی آنها کاری می‌کردند... او فریفته‌ی اعمال آنها نشد. او پشه‌ها را آورد، آنها هم پشه‌ها را آوردند. او آب را به خون تبدیل کرد، آنها نیز چنین کردند. هرکاری که او می‌کرد، آنها نیز آن را تقلید می‌کردند. او همچنان ایستاد. او دقیقاً می‌دانست که خدا مشغول کار است.

حال، متوجه می‌شوید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] دو را با دو جمع کنید، حاصل می‌شود چهار؟ ["آمین!"]

۱۸۸. چرا؟ آنها فریب این را نخواهند خورد. ایمانداران حقیقی، آنها ذریت پیش برگزیده هستند، که باید در این روز باشند.

۱۸۹. عیسی نیز این را گفت: "بسا در آن روز مرا خواهند گفت: خداوندا! خداوندا! آیا به نام تو نبوت نمودیم و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم و به نام تو معجزات بسیار ظاهر نساختمیم؟" <sup>۴۳</sup> عیسی گفت: "در ایام آخر، وقتی زمانها به پایان رسد و قیامت عظیم برپا شود، بسیاری آمده و در ملکوت خدا سهیم خواهند بود." ملکوت خدا در درون شماست.

کرکس‌های بسیاری خواهند آمد و در کنار گندم‌ها قرار گرفته و می‌گویند: "حال، خداوندا! یک لحظه صبر کن. من به زبان‌ها صحبت کردم. من در روح رقصیدم. دیوها را اخراج نمودم و به زبان‌ها صحبت کردم. من همه‌ی این کارها را انجام دادم."

او چه می‌گوید؟ توجه کنید: "دور شوید از من ای شیرین، که هرگز شما را نساختم."

۱۹۰. شرارت چیست؟ از یک نفر پرسید. یعنی «کاری که شما می‌دانید، باید انجام دهید؛ ولی آن را انجام نخواهید داد.» آنها کلام را می‌دانستند. آن را می‌شنیدند. شما که به این نوار گوش می‌دهید! شما که به این پیغام گوش می‌دهید! می‌بینید که خداوند چنین می‌گوید. او را می‌بینید که این کلام را تأیید می‌کند و آن را به حقیقت مبدل می‌سازد. اما شما همچنان به فرقه‌هایتان چسبیده‌اید. به این امور کذب چسبیده‌اید. شما بدکاران!

- "اوه، بله! من جلسات بزرگی داشته‌ام. من چنین و چنان کرده‌ام."

- "دور شوید از من ای بدکاران، هرگز شما را نساختم."

۱۹۱. "خوب! روح القدس بر من ریخت." ذره‌ای به آن شک ندارم. "من به زبان‌ها صحبت کردم، در روح خواندم و..." هیچ تردیدی در آن نیست. اوه، برادر! خواهر! چه شرایطی!

حال وقت لرزه است. در کجا هستیم؟ حال این کلام به حیات وارد می‌شود. توجه کنید.

۱۹۲. بله، او گفت که آنها چنین خواهند نمود. توجه کنید، «بدکاران». من یک بخشی از کلام را اینجا نوشته بودم. فقط نمی‌دانم آن را کجا گذاشتم. گمانم متی ۷: ۲۱ بود. بعضی اوقات اتفاق می‌افتد که مثل الآن در حال موعظه هستم، و فراموش می‌کنم که به کدام قسمت کلام استناد کرده بودم.

متی ۷: ۲۱: "نه هر که مرا خداوند خداوند گوید، داخل ملکوت آسمان گردد. بلکه آنکه اراده‌ی پدر مرا که در آسمان است به جا آورد."

بسیاری در آن روز خواهند گفت، خداوند! خداوند! به نام تو نبوت نمودیم...

انیا، مسح شدگان. درست است؟ "آیا ما نبی نبودیم؟ آیا مسح شده نبودیم؟ مسح شدگان؟ آیا من به نام تو نبوت نمودم؟ و یا به نام تو دیوها را اخراج نکردم؟" چطور می‌توانید تمام این کارها را انجام دهید و از تعمیم یافتن به نام عیسی طفره روید؟ می‌بینید؟ اوه، خدای من! چگونگی فریب را می‌بینید؟ اوه، خدای من! چگونگی فریب را می‌بینید؟ درست در همان مفهوم، سپس باز می‌گردند. آنها به کنار کلام می‌روند، سپس بازمی‌گردند. حال این را ببینید. تا چند دقیقه‌ی دیگر به این می‌رسیم.

بسیاری خواهند گفت: "آیا ما نبوت نکردیم، ما نبی نبودیم؟"

بله، در متی ۲۴: ۲۴ در مورد آن صحبت کردم.

"... و به نام تو، دیوها را اخراج نمودم؟ و به نام تو آیات و معجزات... اعمال بسیار؟"

"و در آن وقت آنها را خواهم گفت، هرگز شما را نشناختم. از من دور شوید ای بدکاران."

زمانی که این درست در برابر شما قرار داشت و حرکت آن را و اینکه این کلام است را می‌دیدید، و بخاطر رضای فرقه‌ای‌تان به فرقه‌ها چسبیدید. هرگز شما را نشناختم. اهمیت نمی‌دهم که چند دیو را اخراج کردید و یا چقدر چنین و چنان کردید. اصلاً شما را نمی‌شناسم.

بلعام می‌گفت: "به نام تو درست نبوت نمودم و به تحقیق پیوست."

۱۹۳. این کاملاً درست است. ولی هنگامی که به کلام می‌رسد، آن را رد می‌کنید.

اوه، برادر! فریب را می‌بینید؟ نه «نبی» بلکه توسط کلام، کلام راستین، اثبات شده و آشکار شده؛ «شما بدکاران».

۱۹۴. تلاش، شیطان تلاش کرد تا کلام راستین را جعل کند. ما این را می‌دانیم. نمی‌دانیم؟

۱۹۵. به اینجا نگاه کنید، او در عبرانیان باب ۶ که مدتی پیش آن را خواندیم گفته است. به شما گفتم که آن را علامت بگذارید و حال آن را می‌خوانیم او گفت:

"... لکن اگر خار و خسک... متروک و قرین به لعنت و در آخر سوخته می‌شود. شما که لذت... عطای سماوی را چشیده‌اید..."

«چشیده‌اید» که به بیان دیگر، «دیده‌اید» درست است. «و روح القدس بر شما می‌ریزد» کرکاس در مزرعه... و سپس رو برگردانیده...

همان مسیح را که شما را تقدیس نموده، فراخوانده، و مسح را بر شما قرار داده است، انکار می‌کنید. برای آن... دیگر قربانی گناهان، باقی نیست.

این غیر قابل بخشش است! غیر ممکن است که آنها به معرفت حقیقت برسند.

"... زیرا محال است برای آنانی که... شریک روح القدس گشتند..."

روح، که بر کرکاس‌ها می‌ریزد. می‌بینید؟ ولی زمانی که با کلام برخورد می‌کنید، بازمی‌گردید. شریک روح القدس گشته، حتی چشیده و دیده‌اید کلامی را که کلام آشکار شده است. و بعد، از آن روگردان می‌شوید. برای آنها محال است که این را ببینند و به سمت آن بیانند. این «کلام چنین می‌گوید» است. حال شما... «آسمان و زمین زایل می‌شوند ولی کلام تا به ابد باقی است». این را می‌دانید؟ «محال است» کتاب مقدس می‌گوید؛ و روح آن را بارور می‌سازد.

۱۹۶. توجه کنید، بگذارید برای شما یک مثال کوچک بزنم. به آن قومی که تحت نبوت موسی از مصر خارج شدند نگاه کنید، از آن تشکیلات خارج شدند، از همه چیز خارج شدند. آیات و معجزات عظیمه و این چنین را دیدند و به مرز ورود وارد شدند.

حال: "لی! نام تو در دفتر می‌آید." می‌بینید؟ شما که اینجا نیستید و یا از طریق تلفن به ما گوش می‌کنید! دکتر لی وایل<sup>۴۴</sup> اینجا نشسته است. او در حال ویراستاری کتاب «دوره‌های کلیسا» است. و مسئله‌ای که هست، در مورد سوالات شما بابت «محو شدن نام شما از دفتر حیات برّه»، که خیلی از خادمین را گیج کرده است، اما تا زمان دریافت کتاب صبر کنید. اگر نوری در خود داشته باشید، آن را درک خواهید کرد. می‌بینید؟

۱۹۷. حال، توجه کنید. اگر نخواهید آن را ببینید، سر خود را برگردانده و حتی به آن

نگاه هم نخواهید نمود. مثل مادر من که همیشه می گفت: "نمی توانی از شلغم خون بگیری. چون خونی در آن وجود ندارد."

۱۹۸. توجه کنید، نور باید بیاید، این در تاریکی نیست. نور در تاریکی می درخشد و تاریکی آن را درنیافت. حال به مسح شدگان این دوره توجه کنید.

مانند موسی که بنی اسرائیل را بیرون آورد. آنها گوش کردند و همه ی آنها با آن امت عظیم... حال، اسرائیل بسیار به یکدیگر وابسته بودند. آنها زمین و یا خانه ای نداشتند. اسرائیل داشت به خانه ی خود می رفت.

ما هیچ کلیسایی نداریم. ما... ما در حال رفتن به یک کلیسا هستیم، کلیسای نخست زاده، کلیسایی که در جلال است، نه کلیسایی که بر زمین است. کلیسایی که در جلال است. فراخوانندگان، از پیش برگزیدگان برای حیات ابدی، به خانه ی خود می روند.

و زمانی که آنها به جایی رسیدند که باید از آن عبور می کردند، به کلام شك کردند و بازگشت نمودند. بعد از اینکه یوشع و کالیب و جاسوسان آنها از بازرسی زمین بازگشتند و شاخه های انگور را با خود آوردند، تا ثابت کنند که آن سرزمین آنجاست. کلام وعده ی خدا: "این زمین نیکوست که به شیر و شهد جاری است."<sup>۴۵</sup> میوه ها را آوردند تا به آنها اثبات کنند. و قوم از آن میوه ها چشیدند و گفتند: "اوه، اوه! بهر حال نمی توانیم این کار را بکنیم." چه رخ داد؟ آنها به هلاکت رسیدند. همانجا ماندند و خود را سازماندهی کردند. همه ی آنها در آنجا مردند.

به جز آنهایی که آماده ی حرکت بودند؛ یوشع و کالیب و موسی که منتقل گشت. نمونه ای برای انتظار کلیسا، و قیام در عهد عتیق، عهد جدید و بدن رپوده شده. این سه را می بینید؟ باید آن سه را در یک راستا حفظ کنیم، پس در ایماندار و بی ایمان. می بینید؟

<sup>۴۵</sup> اشاره به خروج باب ۳

۱۹۹. توجّه داشته باید که این چقدر «کامل» بود. به یاد داشته باشید، خداوند هرگز آن گناه را عفو نکرد. حال چطور می‌خواهند به سرزمین وعده وارد شوند؟ اگر در ابتدا خار بود، در انتها نیز خار است. تنها کسانی که از پیش برگزیده هستند، آن را خواهند دید.

۲۰۰. حال، به دقت توجّه کنید. درست مانند ایام سنت مارتین،<sup>۴۶</sup> درست قبل از دوره‌ی تاریکی، یک مرد باخدا. چند نفر تابعال نوشته‌های سنت مارتین را خوانده‌اند؟ بسیاری از شما خوانده‌اید. ما به جایی مراجعه کرده بودیم، تا یک نسخه از آن را دریافت کنیم. کشیش می‌گفت: "ولی او که قدیس اعلام نشده بود." مطمئناً همین‌طور است. زیرا آنها او را قدیس اعلام نکرده بودند، بلکه خدا. روح‌القدس به ما گفته است که او فرشته‌ی سوّم آن دوران کلیسا است. می‌بینید؟

۲۰۱. ببینید که او چه مرد باخدایی بوده است! دعوت شده، از پیش برگزیده. والدین او بت پرست بودند. پدرش سرباز بود. او باید راه پدرش را ادامه می‌داد، تا یک سرباز باشد. و زمانی که این کار را کرد، همیشه با خود فکر می‌کرد که باید خدایی در جایی وجود داشته باشد. مردی از... و می‌توانست خدا را ببیند. یک روز از در حال عبور از یک شهر بود، پیرمرد بی‌خانمانی در آنجا بود که از شدت سرما رو به موت بود. آن شب، شب سردی بود. آن پیر مرد به مردم می‌گفت: "اوه! چیزی به من بدهید تا خود را به آن بپوشانم. امشب از سرما خواهم مرد."

۲۰۲. هیچ کس این کار را نمی‌کرد. مارتین چند لحظه در گوشه‌ای ایستاد و برای مدّتی به او نگاه کرد. کسی به او توجّه نمی‌کرد و مارتین هم یک ردا بیشتر نداشت. اگر آن را به او می‌داد خودش هنگام انجام وظیفه از سرما یخ می‌زد. پس با خود فکر کرد: "اگر من این ردا را نصف کنم هر دوی ما شانس زندگی خواهیم داشت." پس ردای خود را در آورد و با شمشیر آن را به دو نیم کرد. آن پیر مرد را در آن پیچید و نیم دیگر را نیز به دور خود پیچید.

همه می گفتند: "نگاه کنید، چه نگهبان مضحکی! نگاه کنید، چه سرباز مضحکی! او یک ردای نصفه را بر تن کرده است."

۲۰۳. شب بعد که مارتین در حال نگهبانی نبود و در تخت خود در حال استراحت بود، ناگاه نگاه کرد و عیسی مسیح را دید که در میان اطاق ایستاده است، درحالی که همان تگه ردای قدیمی را دور خود پیچیده است. فوراً دانست که: "هر چه بر این صغار بکنید، بر من کرده‌اید، بر مسح شده‌ی من." <sup>۴۷</sup> او آنجا بود.

او یک خادم خدا بود. کلیسا او را تمسخر نمود. او را آزار دادند. بیرون انداختند و خیلی کارهای دیگر. اما او نبی خدا بود. آنچه او می گفت، واقع می شد. بسیاری هم هستند که در آن دوره به او ایمان داشتند.

۲۰۴. می‌خواهم به شما نشان دهم که فریب شیطان چگونه است. یک روز او مشغول مطالعه بود که یک فرشته‌ی مقتدر نمایان شد؛ با تاجی بر سر، کفش‌هایی از طلا، بند دور ردایش از طلا و گفت: "مارتین! من را می‌شناسی؟" گفت: "من هستم خداوند و نجات دهنده‌ی تو. من کسی هستم که تو را نجات داد. من را پرستش کن، مارتین!" اما آن نبی می‌دانست که یک چیزی در آنجا عجیب است، و بعد به آن فرشته خیره شد. فرشته گفت: "مارتین! من نجات دهنده تو عیسی مسیح هستم. من را پرستش کن. مارتین! من را نمی‌شناسی؟"

۲۰۵. همین‌طور که مارتین به او نگاه می‌کرد، کلام از ذهنش عبور می‌کرد و ناگهان گفت: "شیطان از من دور شو، تو تاج بر سر داری در حالی که کلام می‌گویدی که در انتها، این مقدّسین هستند که تاج بر سر او خواهند نهاد."

آیا این نمی‌توانست یک دام پنطیکاستی باشد؟ به کلام نظر کنید...



۲۰۶. یک روز دیگر در صومعه، یک قدیس پیر با گروهی از راهبان بودند. یکی از آن راهبان جوان به نوعی تند مزاج بود. به این توجه کنید، این، این یک مثال خوب است. این راهب می‌خواست که چیزی بالاتر از سایر راهبان باشید. او می‌خواست خودش را نشان دهد، اقتدار و بزرگی خود را، چیزی بهتر، نسبت به همه‌ی کلاس، می‌دانید، یک چیز عظیم. او مجبور بود تا... می‌دانید، مجبور بود تا متمایز باشد. می‌بینید؟ او، مهم نیست که چه بود، او بسیار متکبر بود. او تنها شنی در ساحل بود. کسی نمی‌توانست به او نزدیک شود. حال ببینید که چه رخ داد. او مجبور بود چیزی بزرگ داشته باشد، زیرا با انجمن‌های بزرگ مقایسه می‌شد. حواستان هست؟ می‌بینید؟ پس گفت، یعنی نبوت نمود: "خدا من را نبی نیز قرار داده است. من یک نبی هستم."

حال، در آن سرزمین تنها یک نبی شناخته شده بود و آن، سنت مارتین بود. او نبی به دنیا آمده بود.

۲۰۷. اما این بچه، این دوست جوان، راهب تقریباً بیست و پنج ساله، می‌گفت: "خدا من را بعنوان نبی برگزیده است و می‌خواهم آن را به شما اثبات کنم. امشب خداوند می‌خواهد یک ردای سفید و بزرگ بر تن من کند، و در میان شما قرار دهد. بعد همه‌ی شما باید به نزد من بیایید و از من دستور خواهید گرفت."

۲۰۸. حال، آن را با امروز مقایسه کنید. می‌بینید؟ "من رئیس تشکیلات خواهم بود. من از شما، سایر شما راهبین مراقبت خواهم نمود."

و مطمئناً "در آن شب، نوری بر آن ساختمان قرار گرفت." همان‌طور که مکتوب مارتین می‌گوید. آن را بخوانید. این موثق است. تاریخ است. و نور آمد. بقیه آنها آن را تماشا کردند و... او یک ردای سفید برتن داشت و در میان آنها ایستاده بود. او گفت: "دیدید به شما چه گفتم؟" اما این برخلاف کلام است.

۲۰۹. و هنگامی که او به ریش سفید آن آموزشگاه رسید، اندکی بالا و پایین رفت و بعد گفت: "پسرم! همه چیز به نظر خوب است." و بعد گفت: "تنها یک راه وجود دارد. تنها یک راه برای دانستن آن وجود دارد." این خارق العاده به نظر می‌رسید. پنطیکاست باید ریشه، شاخه و... و همه چیز دیگر. "معجزه خوب به نظر می‌رسید، اما با کلام مطابق به نظر نمی‌رسید. حال ما یک فردی را داریم، یک نبی مسح شده به نام مارتین، به آنجا و نزد او برو."

سپس پسر گفت: "نه، نه. این به مارتین ربطی ندارد."

۲۱۰. پیر مرد گفت: "به هر صورت تو خواهی رفت." و آنها بازوی او را گرفته نزد مارتین بردند، و آن ردا او را ترک نمود.

۲۱۱. می بینید؟ «اگر ممکن بود برگزیدگان را نیز گمراه می‌کرد». متوجه هستید؟ عیسی گفت: "گوسفند من، آواز مرا تشخیص می‌دهد." <sup>۴۸</sup>

اوه! شما می‌گویید: "صدای من را بشنو."

این کلام اوست. "انسان نه محض نان زیست می‌کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد." <sup>۴۹</sup> می‌بینید؟ برگزیدگان این را می‌دانند. آنها به دنبال یک صدای غریبه و یا کلام غریبه نخواهند رفت.

این برای آن افراد هم صادق بود. آنها نمی‌توانستند آن را دنبال کنند. آنها می‌دانستند که مارتین آنجاست، یک نبی شناسانده شده از جانب خدا و از طریق کلام. و آن مرد نمی‌توانست در برابر آن بایستد.

<sup>۴۸</sup> اشاره به انجیل یوحنا باب ۱۰  
<sup>۴۹</sup> انجیل متی ۴ : ۴

۲۱۲. او همچنین گفت: "هرجا گوشت تازه‌ای باشد." یا کلام باشد، "آنجا، در زمان، عقاب‌ها جمع می‌شوند." حال این در... اگر می‌خواهید علامت بزئید در متی ۲۴ : ۲۸ است. درست اندکی قبل از آن، متی ۲۴ : ۲۴، چهار آیه بالاتر، اگر می‌خواهید علامت بگذارید. «هرجا گوشت باشد»، یعنی کلام باشد، من باشد، «عقاب‌ها جمع خواهند شد».

۲۱۳. حال، باید عجله کنم. یک لحظه نگاهم به ساعت افتاد و دیدم که الآن هفت یا هشت دقیقه از دوازده گذشته است. باید خیلی زود جلسه را به پایان برسانم و یا اینکه امشب این مطلب را به اتمام برسانیم. هرطور که شما بخواهید انجام می‌دهیم. امشب یا صبح؟ هاه؟ چند نفر از شما باید بعد از جلسه به منزل بروند؟ دست خود را بلند کنید. اوه، خدای من! بهتر است ادامه بدهیم.

متأسفم که شما عزیزان را به این صورت پشت خطوط تلفن نگه داشته‌ام. ارزش این مطلب بیش از پول شماست، به شخصه چنین اعتقاد دارم. می‌بینید؟ پول شما از بین خواهد رفت، ولی این از بین نمی‌رود. این کلام است. می‌بینید؟

۲۱۴. «هرجا که گوشت تازه باشد، عقاب‌ها جمع خواهند شد.» جایی که... جایی که ذبحی است، در آنجا عقاب‌ها جمع خواهند شد. جایی که گوشت تازه باشد، کلام زمان، آنجا عقاب‌ها جمع خواهند شد.

اما زمانی که فاسد و پوسیده شد، کرکسان به آن هجوم خواهند آورد. بله، می‌دانید منظورم چیست؟ زمانی که کشتاری انجام می‌شود، عقاب‌ها به آنجا می‌آیند؛ اما زمانی که آن در آنجا ماند و پوسید، سپس کرکسان جمع خواهند شد. عقاب‌ها هیچ ارتباط و تناسبی با آن ندارند. می‌بینید؟

عیسی گفت: "هرجا گوشت تازه باشد." جایی که من ریخته باشد، شبی که من تازه می‌ریزد، عقاب‌ها برای آن جمع خواهند شد. این من آن روز است. می‌بینید؟

۲۱۵. اما زمانی که به فساد می‌رسد، خرمگس‌ها به آن وارد می‌شوند، سپس کرکسان وارد می‌شوند. آنها تا زمانی که فاسد نشده باشد، نمی‌توانند آن را استشمام کنند. تعجیبی ندارد که عیسی در آنجا ایستاده بود و می‌گفت: "اورشلیم! اورشلیم! چند بار خواستم..." او که بود؟ "چند مرتبه خواستم فرزندان تو را جمع کنم، مثل مرغی که جوجه‌های خود را زیر بال خود جمع می‌کند و نخواستید؟ تو که هر نبی که به سویت فرستادم سنگسار کردی." آن کلیسای بزرگ، اورشلیم.

۲۱۶. اورشلیمی که، بر روی زمین نیست. «اما ما از اورشلیم بالا هستیم»، جایی که کلام از آن می‌آید. از پیش تقدیر شدگی. متوجه می‌شوید؟ نه اورشلیم قدیم که نابود می‌شود، اورشلیم جدید که نمی‌تواند نابود شود. نه آن اورشلیم قدیم که به دست انسان ساخته شده بود، بلکه اورشلیم که صانع آن خداست. می‌بینید؟ حال، کلام از آن بالا آشکار شد. "در خانه پدر من، منزل بسیار است... می‌روم تا برای شما مکانی حاضر سازم."<sup>۵۰</sup> خالق، شوارعی از طلا می‌سازد و... این آن چیزی است که نابود نمی‌شود.

۲۱۷. «اورشلیم! اورشلیم!... چند مرتبه خواستم...» از ابتدای زمان، نه یک شخصیت سوّم یا کسی دیگر، بلکه «خواستم فرزندان تو را جمع کنم، مثل مرغی که جوجه‌های خود را زیر بال خود جمع می‌کند و نخواستید. اما اکنون ساعت تو رسیده است.» می‌بینید؟

«هرجا گوشت تازه باشد، عقاب‌ها جمع خواهند شد»، اما زمانی که آن پوسیده باشد، آنگاه کرکسان جمع خواهند شد. می‌بینید؟

۲۱۸. توجه کنید. موسی، او هرگز به بنی اسرائیل... موسی یک عقاب بود و هرگز پس‌مانده‌ی نوح را به فرزندان خدا نداد. او کلام تازه‌ی خدا را داشت. "خداوند خدا در بیابان من را ملاقات کرد و کلام خویش را تأیید نمود و من را به اینجا فرستاد تا شما را

به خروج فرا بخوانم." سپس مقلدین در آنجا آمده و آن را تقلید می کردند. می بینید؟ اما او کلام ساعت را داشت.

زیرا، خدا به ابراهیم که وعده را داشت گفته بود: "ذریّت تو در زمینی که از آن ایشان نباشد، غریب خواهند بود و آنها را بندگی خواهند کرد، و آنها چهارصد سال ایشان را مظلوم خواهند داشت، اما من آنها را ملاقات کرده و با دستان زورآور از آنجا بیرون خواهم آورد."<sup>۵۱</sup>

۲۱۹. موسی گفت: "حال، خداوند خدا با من تکلم خواهد نمود و به من نشان خواهد داد، و به من گفته است که چه کنم و من به شما خواهم گفت." و گفت: "هستم من را فرستاد."

«هستم»، نه «خواهم بود» و یا «بودم». «هستم»، زمان حال، کلام حال. نه کلامی که بود و نه کلامی که خواهد آمد؛ کلامی که اینک هست. می بینید؟ درک می کنید؟ «هستم». «هستم»، کلمه است.

"در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود."<sup>۵۲</sup> درست است؟ «هستم» من را بعنوان نبی فرستاد تا حقایق او آشکار گردد. من پاسخ این کلام هستم که به من گفت به اینجا بیایم و این را انجام دهم.

۲۲۰. و زمانی که او این کار را کرد، فرعون گفت: "ما بسیاری از مردان را در گروه خود داریم که آنها نیز قادر به انجام این کارها هستند." مقلدین عیسی گفت: "حال، این در ایام آخر باز تکرار خواهد شد." می بینید؟ همین ادعا را دارند. بینید که ابتدا چه کسی آمد. بینید که چه کسی با کلام ماند. همین است. به این صورت است که شناخته شده است و شما می بینید.

<sup>۵۱</sup> اشاره به پیدایش باب ۱۵  
<sup>۵۲</sup> انجیل انجیل یوحنا ۱ : ۱

۲۲۱. توجّه داشته باشیم، موسی هرگز چیزی که مربوط به دوره‌ی نوح بود را به آنها نداد. ما یک کشتی خواهیم ساخت، چون این کلام است. می‌دانید. روزی نوح یک کشتی ساخت. نه، کرکسان داشتند از آن ارتزاق می‌کردند. نه، نه، نه.

۲۲۲. این یک کلام موعود است. دقت کنید، پیغامی که او از خدا داشت، کلام ناب از پیش مقلّد شده برای آن ساعت بود.

عیسی هم هرگز با پس‌مانده‌های موسی قوم را خدمت نکرد. موسی کلام آن ساعت را داشت. او یک نبی بود. اینجا خود خداست. می‌بینید؟ او هرگز قوم را با پس‌مانده‌های موسی خدمت نکرد.

اما کافی است نگاهی بیندازیم به آن کرکسان که در آن تشکیلات در حال افراط در آن بودند. "ما می‌دانیم. ما موسی را داریم. نیازی به داشتن تو نداریم."

۲۲۳. او گفت: "اگر موسی را می‌شناختید، من را می‌شناختید. زیرا موسی درباره‌ی من گفته است. "اوه، خدای من! می‌بینید؟"

«هرجا که... عقاب‌ها جمع خواهند شد». عقاب‌ها، ذبح تازه‌ی کلام. کلامی که رشد کرده و بارور شده، و آشکار شده و خوراک را برای فرزندان ثمر آورده است.

حال، لاشه‌ی کهنه که برای صدها سال آنجا مانده است، آنجا خواهد بود.

الآن هم همین‌طور است. لوتر پیغام توبه را داشت، ولی شما کرکسان لوتری هستید. باپتیست یک پیغام داشت، اما شما کرکسان باپتیست هستید. می‌بینید؟ پنطیکاست هم دارای یک پیغام بود. حال چگونه پیش می‌رود؟ کرکسان پنطیکاستی.

اما جایی که گوشت تازه باشد عقاب‌ها جمع خواهند شد.

۲۲۴. به خاطر داشته باشید. شما نمی‌توانستید در آن ایام یک لوتری را با مردار کاتولیک خوراک دهید. البته امروز می‌توانید. نه آقا! او گوشت تازه را داشت. این، دوره‌ی آن کلیسا بود.

شما نمی‌توانستید پیغام لوتری را به متدیست بدهید. اوه، نه! او مردار را نمی‌خواست. این پوسیده است. می‌بینید؟ حیات آن را ترک کرده و به سمت دیگری رفته است. این آن ساقه‌ی قدیمی است که مرده است. حیات در حال حرکت است.

شما به عروس عیسی مسیح هم نمی‌توانید خوراک پنطیکاستی را بدهید. به راستی نه، پس مانده‌ی تشکیلات. نه، نه.

زیرا وعده این است که: "اینک من ایلای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند نزد شما خواهم فرستاد و او دل پدران را به سوی پسران و دل پسران را به سوی پدران خواهد برگردانید."

تمام این وعده‌ها در کتاب مقدس داده شده است. این کار را خواهم کرد و عقاب‌ها جمع خواهند شد. "تمام آنانی که پدر به من داده است، نزد من خواهند آمد." می‌بینید؟

۲۲۵. اما هنگامی که عیسی آمد، اجتماع کرکسان را دید. "ما موسی و شریعت را داریم." می‌بینید؟ این خوراک زمانی که به آنها داده شده بود خوراک مناسبی بود. می‌دانید، در آن هنگام مناسب بود.

اما این به موسی پیشگویی شده بود، زمانی که او قربانی را ذبح نمود، خود او گفت: "یهوه، خدایت، نبی‌ای را از میان تو از برادرانت مبعوث خواهد کرد، او را بشنوید و واقع خواهد شد هرکس آنچه را آن نبی می‌گوید، نشنود؛ از میان قوم منقطع خواهد شد." ۵۳

۲۲۶. می دانید که چگونه صدها نبوت عهد عتیق در مسیح محقق شد. "دست‌ها و پاهایم را سوراخ کردند." <sup>۵۴</sup> حدود، درست به خاطر ندارم که در هفت یا هشت ساعت آخر زندگی او چند تا از این نبوت‌ها تحقق پیدا کرد. تمام انبیای آنها این را گفته بودند، بطور کامل.

۲۲۷. اگر من نبوت کنم که یک سال دیگر از الآن، اتفاق معینی رخ خواهد داد، صرفنظر از درست یا غلط بودن آن، شانس رخ دادن آن بیست درصد خواهد بود. اگر پیش گویی می‌کردم که این امر رخ خواهد داد، و نمی‌گفتم چه زمانی، درصد آن بیشتر بود. اگر دقیقاً می‌گفتم چه زمانی، احتمال وقوع آن کمتر می‌شد. اگر مکانی را که باید رخ می‌داد را پیش گویی می‌کردم، همچنان درصد وقوع آن کمتر می‌شد. اگر می‌گفتم... چه کسی خواهد بود، شانس وقوع آن تنها یک هزارم بود.

هللویاه! و هر کلامی که درباره‌ی ماشیح مکتوب گشته بود، کلمه به کلمه تحقق یافته بود. حتی یک روز، درحالی که مشغول خواندن کلام بود، همانجا در وسط جمله توقف نمود و گفت: "روح خدا بر من است، زیرا مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم و..." <sup>۵۵</sup> و همانجا در میان جمله توقف نمود. زیرا مابقی آن مربوط به آمدن ثانویه‌ی او بود. آمین! "آسمان و زمین زایل خواهد شد ولی کلام من تا به ابد باقی است." می‌بینید؟

۲۲۸. او کلامی بود که داشت به آنها خوراک می‌داد. می‌دانید، موسی حقیقت را به آنها گفت. ولی، آنها همیشه از آن یک فرقه می‌سازند، زیرا کرکسان...

بعد از اینکه عقاب‌ها از آن خوردند و رفتند، مقداری از آن باقی است. پس، آنها منتظرند تا چیز دیگری ببینند. «کلام»، آنها می‌گویند این باید بیاید، ما دیروز گوزن داشتیم، فردا گوسفند داریم. می‌دانید منظورم چیست؟ "لاشهی آن گوزن کهنه

<sup>۵۴</sup> اشاره به مزمیر ۲۲ : ۱۶  
<sup>۵۵</sup> انجیل لوقا : ۴ : ۱۸



آنجاست، ولی امروز گوسفند برای ما می‌آید، این در کجاست؟" می‌دانید منظورم چیست؟ غذای فرشتگان. قوم که یک روز من را می‌خورد، اگر سعی می‌کرد آن را برای یک روز دیگر ذخیره سازد، فاسد می‌شد. نمی‌بینید که تمامی نمونه‌ها چقدر کامل هستند؟ حال نیز همین گونه است.

۲۲۹. توجه داشته باشید که کرکسان زمان عیسی هم، دیوها را اخراج می‌نودند. عیسی چنین گفت.

و به یاد داشته باشید، آنها در آن ایام از انبیا برخوردار بودند. قیافا، کاهن اعظم نبوت نمود. چند نفر این را می‌دانند؟ قیافا نبوت کرد. به جایگاه کرکاس در زمین توجه کنید، او با همان مسح سیراب شد. چرا کتاب مقدس گفت که او نبوت نمود؟ زیرا در آن سال، او کاهن اعظم بود. یک مردار پوسیده، یک خاروخس که در میان گندم بود، اما روح بر او بود، روح القدس ناب خداوند. روح القدس بر او بود تا موعظه کند، نبوت کند و پیشگویی کند تا واقع شود، و او همان کلام آشکار شده‌ی آن ساعت را رد نموده و مصلوب نمود.

اوه، برادر! برای گفتن این مطلب و خواندن آن از روی کلام چقدر زمان در اختیار داریم؟ تعجیل خواهم کرد، چون چیزی حدود ده صفحه از بخش‌های کتاب مقدس را اینجا دارم که این مطلب را اثبات می‌کند. "آفتاب بر بدان و نیکان یکسان طالع می‌گردد." <sup>۵۶</sup>

۲۳۰. عیسی این را گفت تا ثابت کند: "اگر من به انگشت خدا دیوها را اخراج می‌کنم، فرزندان شما چطور آنها را اخراج می‌کنند؟" <sup>۵۷</sup> حال، آنها دیوها را اخراج می‌کردند. نبوت می‌کردند. درست است؟ اما او را بعنوان کلام آن زمان نشناختند. چرا؟ زیرا او با ایشان همقطار نبود.

<sup>۵۶</sup> اشاره به انجیل متی ۵ : ۴۵  
<sup>۵۷</sup> اشاره به انجیل متی باب ۱۲

حال، مَتّی ۲۴ : ۲۴ را ببینید، مسیحان کاذب: "مسح شدگان برخوانند خاست و انبیای کذب به این را نبوّت خواهند کرد." می‌بینید؟ "و اگر ممکن بود، برگزیدگان را نیز گمراه می‌کردند." حال متوجّه شدید؟

۲۳۱. به فرزندان توجّه کنید. "اگر من دیوها را به کلام خدا اخراج می‌کنم، فرزندان شما چطور...؟" که، او کلام خدا بود. فرزندان فرقه‌ای شما آنها را توسط چه کسی اخراج می‌کنند؟ حال، و تنها خداست که می‌تواند دیوها را اخراج کند، ما این را می‌دانیم، تنها خدا. زیرا «مرد زور آور باید از کسی که در خانه‌ی اوست قوی‌تر باشد.»<sup>۵۸</sup> آنها قدرت این کار را داشتند.

می‌دانید، در کتاب مکاشفه... در مورد ضد مسیح که در ایّام آخر برمی‌خیزد صحبت می‌کند. "آیات و معجزات چنان کرد که تمام ساکنان زمین را گمراه نمود، همه‌ی آنها را گمراه نمود، مسیحیان و همه را"<sup>۵۹</sup> آنانی که نامشان در دفتر حیات برّه مکتوب نبود. پاسخ به مَتّی ۲۴ : ۲۴، "آنانی که پیش از بنیان عالم نامشان در دفتر حیات برّه مکتوب نبود."<sup>۶۰</sup>

حیاتی که در ریشه‌ی آن درخت حقیقی پرتقال بود، که تمام مرکبات همراه با آن رشد کرد، میوه را در نوک درخت قرار داد، بالاتر از هر شاخه و یا قلمه‌ی فرقه‌ای. متوجّه شدید؟

۲۳۲. حال، داود را به یاد بیاورید. او درستکار بود، صادق بود و تلاش می‌کرد تا برای خدا کاری انجام دهد، درحالی که برای آن مقلّد نشده بود.

آنها، مسح شدگان، اما عیسی گفت: "آنها تفاسیر انسانی از «کتاب مقدّس» را تعلیم

<sup>۵۸</sup> اشاره به انجیل مَتّی باب ۱۲ و انجیل مرقس باب ۳

<sup>۵۹</sup> اشاره به انجیل مرقس ۱۲ : ۲۲

<sup>۶۰</sup> اشاره به مکاشفه باب ۱۳ و مکاشفه ۲۰ : ۱۵

می دهند." می بینید، نه کلام خدا، نه کلام مکشوف شده‌ی او، آنها یک عیسی تاریخی را تعلیم می دهند. می بینید؟ چیزی که در گذشته وجود داشته است.

و کتاب مقدس می گوید: "او هست." «هستم»، نه اینکه «بودم» یا «خواهم بود»، هستم، همین الآن. این همان کلام است که اینجا زیست می کند.

او در آغاز... او در آغاز در برگ بود، در شاخه بود، در پوسته بود و حال در بذر است، در دانه.

۲۳۳. حال شما به عمق برمی گردید و باز زندگی می کنید؟ چه می شد اگر آن حیات به عقب باز می گشت؟ فکر می کنید اگر آن حیات ترک شده می توانست سخن بگوید، هرگز بازمی گشت و در آن شاخه‌ی خشکیده‌ی کهنه زیست می کرد؟ هرگز این کار را نمی کند. "زیرا این برای آنان که یک بار منور گشتند محال است." و آنانی که هنگام واقع شدن کلام با آن همگام نشدند، "آنان مرده و فنا شده اند، خاروخسک که قرین به لعنت بوده و در نهایت سوخته خواهند شد."<sup>۶۱</sup> درست است؟

۲۳۴. حال به کلام توجه کنید. تعلیم یک خدای تاریخی. می دانید، مانند این است که آنها می خواهند در گذشته زندگی کنند. مثل: "خوب! فلانی چنین و چنان و یا چنین و چنان گفته است." شما دارید کلام وعده داده شده‌ی روز را رد می کنید. آن من که به وضوح، شناخته شده‌ی روز است.

آنها تلاش می کنند تا شراب‌های کهنه‌ی لوتری، باپتیست و پنطیکاستی خود را در خمره‌ی جدید ما بریزند، این عملی نیست. همچنین شراب تازه‌ی ما در خمره‌ی کهنه‌ی آنها عملی نیست. اگر آنها تلاش می کنند که این شراب تازه را در فرقه قرار دهند، حماقت آنان مکشوف شده است. آنها نمی توانند این کار را بکنند، زیرا این کار آن خمره را تباه خواهد نمود.

<sup>۶۱</sup> اشاره به عبرانیان باب ۶

۲۳۵. حال، برادر! من کلام خدا را کاملاً از طریق کلام دیده‌ام.

حال، اینجا را ببینید، "دکتر!... ما نمی‌توانیم چنین چیزی را در اینجا داشته باشیم." به گمانم اخیراً مقداری از آن را داشته‌اید. "ما فقط نمی‌توانیم الآن آن را اینجا داشته باشیم. من، من ترجیح می‌دهم که شما..." می‌دانید، این عملی نیست، تباه خواهد شد. "و هیچ کس بر جامه کهنه، پاره‌ای از پارچه نو وصله نمی‌کند... و شراب نو را در مشک‌های کهنه نمی‌ریزد و آلاً مشک‌ها دریده شده، شراب ریخته و تباه گردد..."<sup>۶۲</sup> می‌بینید؟ آیا عیسی این را نگفت؟ شما نمی‌توانید شراب تازه را در مشک‌های کهنه بریزید، این آنها را تباه می‌شازد. شراب تازه در خود حیات دارد. بسیار خوب!

۲۳۶. درحالی که می‌خواهیم این مطلب را به انتها برسانیم، توجهی داشته باشید به مطلبی در اینجا، در مکاشفه ۱۶: ۱۳ - ۱۴. اگر می‌خواهید آن را علامت بگذارید. شاید وقت نکنم کامل به آن پردازم. حال دقت کنید، این چیزی است بین جام ششم و جام هفتم.

۲۳۷. حال ما... اگر بتوانید تا چند دقیقه‌ی دیگر تحمل کنید، تا چند دقیقه‌ی دیگر این مطلب را به انتها می‌رسانیم.

۲۳۸. به مکاشفه ۱۶: ۱۳ - ۱۴ توجه کنید، بین جام ششم و جام هفتم "ارواح خبیث چون وزغ‌ها..". به این توجه کردید؟ "از دهان کسی خارج شدند." حال، دقت کنید. حاضرید؟ بگویید: "آمین!". [جماعت می‌گویند: "آمین!"] یک تثلیث از ارواح.

۲۳۹. حال، برادر فرقه‌ای! چند لحظه همان جا که هستی بنشین، بلند نشو تا از اینجا خارج شوی. عزیزی که از طریق تلفن و یا رادیو به ما گوش می‌کنید! ضبط خود را خاموش نکنید. چند لحظه صبر کنید و گوش کنید. شما که مولود خدا هستید، این کار را خواهید کرد.

۲۴۰. تثلیثی از وزغ‌ها. وزغ حیوانی است که همیشه به عقب نگاه می‌کند. او هرگز به جایی که می‌رود، نگاه نمی‌کند. نگاه او به آنجایی است که از آن آمده است. می‌بینید؟ متوجه نشدید؟ تثلیث در کجا متوکل شد؟ به یاد بیاورید، «سه روح خبیث»، ارواح فردی. متوجه می‌شوید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"]

۲۴۱. توجه کنید. آنها به شورای نقیه نگاه می‌کنند که در آن تعلیم تثلیث متوکل شد، نه به کلام. آنها به شورای نقیه، در نقیه، در رم نگاه می‌کنند که تثلیث در آن متوکل شد.

دقت کنید که آنها از کجا می‌آیند. توجه کنید. تثلیثی از وزغ‌ها، از یک تثلیث قدیمی بیرون آمد، یک تثلیث جدید را متوکل کرد. از چه چیزی بیرون آمد؟ یک تثلیث. «اژدها» می‌بینید؟ «وحش» و «نبی کاذب»، یک تثلیث تازه. این وزغ‌ها در چه زمانی خارج شدند؟ چه زمانی؟ توجه داشته باشید، آنها در تمام مدت آنجا بودند، ولی تا بین ششم و جام هفتم آشکار نشده بودند. درست قبل از اینکه مهرها بازگشایی شده و آن را مکشوف سازد.

"زیرا در پیغام فرشته‌ی هفتم، اسرار خدا آشکار خواهد شد." <sup>۶۳</sup> تمام این تعالیم تثلیثی، و تعمیدهای غلط و هرچیزی که آشکار می‌شود. خدا به ما کمک کند تا ببینیم چه چیزی حقیقت است. و تصور نکنیم که کسی سعی می‌کند چیزی بگوید تا...

۲۴۲. احساس می‌کنم که آن روح از اینکه شما را ببیند، منزجر است. برادر! من از خود صحبت نمی‌کنم، بلکه از فرشته‌ی خدا صحبت می‌کنم که در اردوگاه است. کاملاً درست است.

۲۴۳. توجه کنید، یک تثلیث، «اژدها»، چند نفر می‌دانند اژدها چه بود؟ اژدها، رُم بود.

"آن ازدها پیش آن زن که می‌زاید بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد." ۶۴ درست است؟ معنی «وحش» در کتاب مقدس چیست؟ قدرت. بسیار خوب! «نبی کاذب، یک نبی دروغین»، یک مسح شده‌ی دروغین. می‌بینید؟

۲۴۴. کجا شروع شد؟ این «نبی کاذب» است، مفرد. «نبی کاذب»، اولین پاپ. و «فاحشه» از آنجا پدید آمد. «مادر فواحش»، همه چیز از آنجا شروع شد.

یک سه‌گانگی غلط، داشت رشد می‌کرد. نه اینکه در ایام اوّلیه نمی‌توانست آشکار شود، بلکه زمانی که هفت مهر آمد، و آن اسرار را گشود و آنها را مکشوف نمود. در آن هنگام بود که "وزغ‌ها، سه روح خبیث که مانند وزغ بودند، بیرون آمده تا خود را آشکار نمایند." یک تعلیم تثلیثی، بر علیه حقیقت. می‌بینید؟ هاه!

می‌دانید از کجا آمد؟ می‌دانید به کجا بازمی‌گردد؟ شورای جهانی... همه‌ی آنها برادر هستند، همان روح، همان امور.

و نگاه کنید، بسیار فریبنده، چه معجزاتی انجام می‌دهند! و اینها دیوهای هستند که به سمت تمام خدایان زمین رفته، معجزه می‌کنند، تا در ایام آخر آنها را فریب دهند و موفق هم خواهند شد. خدا در مورد آن روح خبیث چه گفته است؟

"من رفته در دهان جمیع انبیای وی روح کاذب خواهم بود و باعث می‌شوم آنها به دروغ نبوت کنند، تا باعث شود اخبار به آن سرزمین رفته و نابود شود." ۲۴۵

خدا گفت: "وی را اغوا خواهی کرد و خواهی توانست. پس برو و چنین کن. زیرا آنها از ابتدا از آن کلام نبودند." می‌بینید؟ "برو. زیرا او را غوا خواهی نمود، زمانی که در دهان انبیای دروغین او باشی این کار را خواهی کرد، زیرا او به آنها تکیه دارد و نه چیزی از کلام می‌داند و نه تلاش می‌کند تا یاد بگیرد. او نمی‌تواند این کار را بکند، زیرا

از ابتدا خار و خس بوده است." می‌بینید؟ می‌بینید؟ «چنین خواهی کرد.»

۲۴۶. در اینجا به این وزغ‌های کذب که به عقب می‌نگرند، نگاه کنید. چرا شما می‌دانید آنها در نیقیه چه گفتند؟

اهمیتی نمی‌دهم که آنها در نیقیه چه گفتند. اینجا، آنچه را که آنها در تخت خدا گفتند که باید باشد، می‌گویم؛ نه آنچه بود و نه آنچه که خواهد بود. زیرا او «هستم» است. می‌بینید؟

«کاذب»، به آن نگاه کنید. توجه داشته باشید که آنها از کجا می‌آیند.

۲۴۷. حال خوب گوش کنید. به وضوح می‌بینیم، بعد از اینکه هفت مهر باز شد، این راز باید آشکار گردد. آن تثلیث چیست؟ می‌بینید؟ از کی تا بحال تثلیث خوانده شده است؟ می‌بینید؟ در کجای کتاب مقدس حتی یک کلمه از تثلیث صحبت شده است؟ کجا می‌تواند سه خدا وجود داشته باشد، که ما سه خدا را پرستش کنیم و مشرک نباشیم؟

چطور می‌توانند جدا باشند، در حالی که عیسی گفت: "من و پدر یک هستیم؟" اگر نپذیرید که من او هستم، در بی‌ایمانی و در گناه خود هلاک خواهید شد. "گناه یعنی بی‌ایمانی. در بی‌ایمانی خود هلاک خواهید شد.

- "اوه! شما مرا که می‌گویید؟ می‌گویید از کجا آمده‌ام؟"

- "اوه! آیا پدر مرا می‌شناسید؟ یا می‌توانید نام او را بگویید؟"

- "من رز شارون هستم، ستاره‌ی درخشنده‌ی صبح."

- "می‌توانید به من بگویید او کیست؟"

- "من آن هستم که در بوته‌ی آتش با موسی تکلم نمود."

- "من خدای ابراهیم هستم، ستاره‌ی درخشنده‌ی صبح."

- "من رز شارون هستم. او! گفتید من از کجا آمدم؟"  
 - "او! آیا پدر من را می شناسید یا می توانید نام او را به من بگویید؟" ["آمین!"]  
 - "من الف و یا، ابتدا و انتها هستم. من تمام آفرینش هستم و نام او عیسی است."

۲۴۸. درست است. تثلیثی در کار نیست. این یک چیز کاذب است. هفت مهر، آن اسرار را که باید، «تا به انتها» آشکار می سازد. مهرها باز شدند، معین نمودند، نشان دادند، و آن حقایقی را که در تمام این سالها، مهرها آن را در سرتاسر کلیساها و فرقه‌ها مخفی نموده بودند، آشکار کردند.

«فاحشه‌ی بزرگ» مکاشفه، هفت... او که بود؟ او «مادر فواحش» نیز هست. می بینید؟

۲۴۹. شما می گوئید: "برادر برانهام! شما آنها را کرکسان خطاب کردید." درست است.

ولی به یاد داشته باشید، کرکس یک پرنده است. او نیز مسح شده تا پرواز کند. "دو روح بسیار نزدیک خواهند بود که اگر ممکن بود برگزیدگان را..." کرکس هم مانند عقاب یک پرنده‌ی بزرگ است. او می تواند مانند عقاب پرواز کند، و مسح شده تا پرواز کند، یا موعظه کند، یا نبوت نماید. توجه داشته باشید، مانند عقاب. اما او نمی تواند در ارتفاع، عقاب را دنبال کند، حماقت او آشکار خواهد شد. بله آقا! او نمی تواند عقاب را دنبال کند.

او! او می تواند بگوید: "من به پسر خدا بودن عیسی مسیح ایمان دارم. من به خدای پدر، قادر مطلق، خالق آسمانها و زمین، عیسی مسیح پسر او، ایمان دارم و..." او، بله! مطمئناً، آنها می توانند این را بگویند. اما «دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان» بودن او چه؟ می بینید؟

۲۵۰. عقاب، یک پرنده‌ی ویژه است. در جهان هیچ چیز مانند او نیست. می بینید؟ او، او... اگر یک کرکس یا هر پرنده‌ی دیگری بخواهد او را دنبال کند، او را خرد خواهد



کرد. حماقت او به اندازه‌ی کافی آشکار خواهد شد. زمانی که او تلاش کند تا شراب تازه را در مشک کهنه قرار دهد، خواهد ترکید. می‌بینید؟ خواهد ترکید. خرد خواهد شد. او برای این ساخته نشده است. بدن او این‌گونه ساخته نشده که او را آن بالا نگه دارد. وقتی او به آن محیط برسد، اگر مقدر نشده باشد، از پیش برگزیده نباشد، عقاب به دنیا نیامده باشد، تگه تگه خواهد شد. می‌بینید؟ پروبالش ریخته و بر زمین خواهد افتاد. حتماً. او نمی‌تواند در ارتفاع عقاب را دنبال کند. اگر تلاش کند، حماقتش آشکار خواهد شد. درست است. نمی‌توانید.

۲۵۱. چرا؟ چون او نمی‌تواند مانند عقاب ببیند. چه فایده‌ای دارد که بسیار بالا بپرید، ولی از آن بالا نتوانید ببینید؟ و اگر باید تلاش کند، حتی تلاش کند که در ارتفاع ادای یک عقاب را در بیاورد، آن‌قدر نابینا خواهد بود که نمی‌داند چه می‌کند. درست است. او فریاد می‌زند، می‌خواند و... ولی کافی است با او از کلام صحبت کنید. اوه، پسر! حماقت او آشکار خواهد شد.

با او در مورد تعمیر به نام عیسی مسیح صحبت کنید، یا «دیروز، امروز و تا ابدآباد همان» بودن او، یا هر چیز دیگری مثل این را به او بگویید. "اوه، چرا! یک لحظه صبر کن." می‌بینید؟ اوه، بله! پروبالش در حال ریختن است. می‌بینید، تمام بالا پریدن، نبوت نمودن، اخراج دیوها، صحبت به زبان‌ها و... روی زمین است. ولی تلاش نمی‌کند تا به آن بالا برود. چرا که مطمئناً شناخته خواهد شد.

اگرچه، مقدر شده است، مسح شده است، می‌تواند پرواز کند و... او می‌تواند مردار بخورد، ولی قادر به خوردن گوشت تازه‌ای که از تخت می‌آید، نیست.

او کور است. همه‌ی این کارها را کرده است، ولی نمی‌داند کارهایش به چه چیزی مربوط است. می‌بینید؟ این همان روحی است که مانند باران بر او ریخته است تا او را به

گندم شبیه کند؛ ولی او از ابتدا یک گندم نبوده است. او خرد می‌شود "اوه! نمی‌توانم این کار را... نه آقا! می‌دانم که دکتر جونز گفته است... " بسیار خوب! ادامه بده. می‌بینید؟ اگر می‌خواهی ادامه بده.

۲۵۲. نه، توجه کنید، او به دنیا نیامده و یا ساخته نشده یا از پیش تعیین نشده است که چنین پرنده‌ای باشد. او می‌تواند... او یک... شاید لیمویی باشد که روی درخت پرتقال رشد کرده است، ولی از ریشه چنین نبوده است. او چیزی است که اضافه شده است. و زمانی که آنها در فرقه‌های خود آن‌قدر بالا می‌روند که نمی‌توانند اثبات کلام از پیش مقدر شده‌ی خدا را ببینند، پس حماقت آنها آشکار می‌گردد. "او، آن چیز، آن هاله‌ی نور و تمام این چیزها... اوه! این مزخرف است."

۲۵۳. او برای دیدن آن دور دست ساخته نشده است. او تنها جایی را می‌تواند ببیند که عینک فرقه‌ای به او اجازه‌ی دیدن می‌دهد. اما بعد از آن، مانند یک خفاش کور است. از این به بعد، حماقت او آشکار می‌گردد. می‌بینید؟ می‌بینید؟ اینجا جایی است که عقاب‌ها برای خوراک می‌نشینند. بله آقا! اینجا جایی است که عقاب‌های حقیقی و از پیش برگزیده می‌بینند که او واقعاً چیست. وقتی نتواند آن کلام را بپذیرد، همانجا آنها می‌فهمند که او یک کرکس فرقه‌ای است.

۲۵۴. چرا، چرا او نمی‌تواند پرواز کند؟ زیرا... ببینید که او چه می‌خورده است. او یک مردار پوسیده‌ی فرقه‌ای را می‌خورده است. او هرگز بدن خود را روحانی نخواهد کرد. به عبارتی دیگر، آن را در برازندگی روحانی قرار نخواهد داد، تا او را بالاتر از تفاوت‌های فرقه‌ای ببرد. می‌بینید؟ می‌بینید، او تنها از آن نوع پوسیده ارتزاق می‌کند؛ بدن او از آن ساخته شده است. او نمی‌تواند به آنجا برود، جایی که گوشت تازه آن عقاب را می‌پرورد. او قادر به انجام آن نیست. می‌بینید؟

۲۵۵. این، متی ۲۴ : ۲۴ را تحقّق می‌بخشد. او در حال پرواز است. به آسمان می‌پرد، ولی نمی‌تواند به اندازه‌ی کافی بالا برود. می‌بینید؟ درست است. متوجه هستید؟ او نمی‌تواند برود، نمی‌تواند به اندازه‌ی کافی بالا برود تا من تازه را دریافت کند. او می‌تواند من کهنه‌ای را بخورد که این پایین، روی زمین است. خرگوش‌های مرده‌ی کهنه‌ای که یک هفته‌ی قبل، یک ماه قبل یا چهل سال قبل دچار آلودگی شده‌اند. او می‌تواند آن را بخورد و از آن خشنود باشد، فریاد برآورد، آواز شمادمانی سر دهد، پیرد و مثل یک عقاب دیگر پرواز کند. او هم مسح شده است. مثل پرنده‌های دیگر.

او نوعی شبه عقاب است که در اصل کرکس است. این را می‌دانیم. مطمئناً این گونه است، اما نمی‌تواند عقاب حقیقی را دنبال کند. می‌بینید؟ نمی‌تواند. نه آقا! بدن او این‌گونه ساخته نشده است. او مردار متفاوتی را می‌خورده است، و آن... و آن گوشت تازه، من تازه نخواهد بود. شاید چیزی باشد که لوتر گفت، و سلی گفت، دکتر فلانی و فلانی گفت، اما چیزی که عیسی برای این ساعت گفت، نخواهد بود.

۲۵۶. حال، به انتها می‌رسیم. مسح شدگان، «مسیحان» در زمان آخر. ولی وقت نداریم که «معلمین و انبیای کذبه» را بخوانیم. اما می‌خواهم که متی ۲۴ : ۲۴ را با دوّم تیموتائوس ۳ : ۸ مقایسه کنید. متی ۲۴ : ۲۴ گفت که در ایّام آخر "مسیحان دروغین بخواهند خواست" مسح شدگان دروغین، "انبیای کذبه، و آیات و معجزات انجام خواهند داد." درست مثل آن راستین "واگر ممکن بود برگزیدگان را نیز فریب می‌داد." حال توجه کنید، این عیسی بود که صحبت می‌کرد.

۲۵۷. پولس درست بعد از او می‌آید و می‌گوید "در ایّام آخر افراد مذهبی خواهند آمد، کسانی که صورت دینداری دارند، زنان کم عقل را رهبری می‌کنند، و به انواع شهوات ربوده می‌شوند."

و با تعجب می‌گویند: "چرا زنان آنان را به ستوه می‌آوری؟" او! بخاطر عفت... آنها حتی این را نمی‌بینند. زنان احمق را رهبری می‌کنند، مملو از شهوات مختلف، از چیزهایی مثل این... مانند یمیس و یمبریس.

متی ۲۴ : ۲۴، «مسیحان کذب» مسح شدگان دروغین، آیات و معجزات می‌کنند تا برگزیدگان را فریب دهند. و همچنان که ینیس و یمبریس با موسی مقاومت کردند، ایشان نیز با راستی مقاومت می‌کنند که... مردود از ایمانند، نه «یک ایمان»، بلکه «ایمان».

«یک ایمان، یک خداوند، یک...» نمی‌توانید یک ایمان داشته باشید بدون اینکه به یک خداوند، ایمان داشته باشید. شما نمی‌توانید دو تعمد داشته باشید و... به نام پدر، پسر، روح‌القدس. «یک تعمد»، عیسی مسیح. درست است. متوجه هستید؟

۲۵۸. توجه کنید، وقتی به خانه رسیدید این دو را با هم مقایسه کنید. توجه کنید، در متی ۲۴ : ۲۴ عیسی صحبت می‌کند، در دوم تیموتائوس ۳ : ۸ پولس سخن می‌گوید. حال آن را با هم مقایسه کنید.

۲۵۹. بعد یک بخش دیگر را هم در نظر بگیرید. لوقا ۱۷ : ۳ و ملاکی باب ۴.

"همچنان که ینیس و یمبریس با موسی مقاومت کردند..." با کلام مسح شده‌ی زمان "ایشان نیز..." نه یک مرد، "ایشان"، مسح شدگان "با راستی مقاومت می‌کنند."

۲۶۰. "در همان روزی که پسر انسان ظاهر گردد." مکاشفه ۱۰ : ۱ تا ۷، وقتی به منزل رسیدید آن را بخوانید. "پیغام فرشته‌ی هفتم، مهرها را می‌گشاید." این یعنی چه؟ نه اینکه فرشته پسر انسان باشد، بلکه پیغام آور در حال مکشوف نمودن پسر انسان است. حال می‌توانید آن را تفکیک کنید؟

اینجا، جایی است که برای شما سخت به نظر می‌رسد، می‌دانید. نه خود پسر انسان، بلکه

فرشته‌ی هفتم. پیغام آور هفتم پسر انسان را بر عموم آشکار می‌سازد. زیرا این، پوسته را ترک نموده است، او نمی‌تواند آن را سازماندهی کند. این باز خود دانه است.

"و در آن روز یَنیس و یَمبریس مقاومت خواهند نمود." متظاهرين و بی‌ایمانان، کلیسای رسمی و پنطیکاستی‌ها بر علیه دانه‌ی حقیقی مقاومت خواهند نمود. "اما آنها را رها کن، حماقت آنها مثل آنان (یَنیس و یَمبریس) آشکار خواهد شد." می‌بینید؟ حال متوجه می‌شوید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"]

۲۶۱. مکاشفه ۱۰ می‌گوید: "در ایام فرشته‌ی هفتم چون کرنا را باید بنوازند..." به خاطر داشته باشید، هفتمین دوره کلیسای لائودیکه «نواختن آن فرشته» هنگامی که آن کلیسا فرقه‌ای شده است و یک دوره‌ی کلیسا شده باشد، زمانی که در تشکیلات پنطیکاستی‌اش انجام شده باشد، هنگامی است که پیغام آور باید...

هر کدام از پیغام آوران چه بودند؟ مارتین لوتر چه بود؟ توییخی بر کاتولیک. و سلی چه بود؟ توییخی بر لوتری‌ها. پنطیکاست چه بود؟ توییخی بر دیگران. حال حیات به کجا رفته است؟ بیرون از تشکیلات. دیگر پوسته‌ای نیست؛ این دانه است. این یعنی چه؟ توییخی بر پنطیکاست، می‌بینید، برای تحقق کلام این ساعت. می‌بینید؟

۲۶۲. توجه کنید، همان روز، هنگامی که این پیغام آور... نه هنگامی که او شروع می‌کند، بلکه هنگامی که شروع به اعلام پیغام خویش می‌نماید. می‌بینید؟ حرکت اول، شفا؛ دوّمین حرکت، نبوّت نمودن؛ سوّمین حرکت، باز کردن کلام، اسرار مکشوف شده. برای باز کردن کلام، هیچ رتبه‌ای بالاتر از انبیا نیست. اما تنها طریقی که یک نبی می‌تواند تأیید شود، از طریق کلام است. و به خاطر داشته باشید، حرکت سوّم، بازگشایی هفت مهر برای مکشوف نمودن حقایقی که در کلام مهر گشته‌اند، بود. متوجه این می‌شوید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"]

بعد از این، در آن روز است که این امر باید واقع شود، که یَئیس و یَمبریس، مقلدین، دوباره ظاهر شوند. درست مثل زمانی که موسی با کلام اصیل ظاهر شد تا آن را بگوید، و آنها ظاهر شدند تا آن را تقلید کنند. درست است. حال می‌بینید متی ۲۴: ۲۴ چیست؟ می‌بینید؟ مسح شدگان.

۲۶۳. سه چیز هست که قبل از پایان جلسه می‌خواهیم بگوییم. می‌خواهم خیلی با دقت گوش کنید. سه چیز، به یاد داشته باشید، سه چیز تحقق یافته است. سه چیز در برابر شما قرار گرفته است. همین حالا.

۲۶۴. اول دنیا در شرایط سدوم قرار دارد. عیسی گفت که این رخ خواهد داد. به انحراف نگاه کنید. زنان ما می‌خواهند مانند مردان رفتار کنند. مردان ما سعی می‌کنند رفتاری زنانه داشته باشند؛ زن صفت، فاسد، پلید، دیورده و این را نمی‌دانند. کتاب مقدس گفت که این باید رخ دهد و این، جایی است که واقع شده است.

۲۶۵. دوّم در آن ساعت است که یَئیس و یَمبریس بر طبق کتاب مقدس ظاهر خواهند شد.

۲۶۶. سوّم در همان ساعت است که باید پسر انسان مکشوف شود.

۲۶۷. ای ایمانداران! ایمانداران ظاهری و بی‌ایمانان! شما اینجا هستید. یک کلام ناب و راستین بیرون ایستاده، ایمانداران ظاهری آن را تقلید می‌کنند و بی‌ایمانان همه چیز را رد می‌کنند.

- "لیکن در غروب نوری خواهد بود."

- "حتماً راه جلال را خواهی یافت." درست است؟

- "امت‌ها گسسته می‌شوند، اسرائیل بیدار می‌شود."

- "علائمی که کلام ما پیشگویی نمود."
- "و ایام امت‌ها (سدوم) شمرده شده است."
- "اوه! پراکنندگان به شهر خود باز گردید."
- "روز رستگاری نزدیک است."
- "قلب انسان‌ها از این ترس می‌ایستد."
- "از روح خدا پر باشید، چراغ‌هایتان را بردارید."
- "آراسته و اصلاح شده." تا بتوانید کلام زمان را ببینید.
- "بالا را بنگرید، رستگاریتان نزدیک است."
- "انبیای کذبه دروغ می‌گویند." آنها گفتند که اینجا خواهند بود، مسح شدگان.
- "راستی خدا را انکار می‌کنند، که عیسی خدای ماست."
- "که عیسی مسیح خدای ماست."

این چیزی است که آنها به آن ایمان ندارند. کتاب مقدس گفت که چنین چیزی وجود خواهد داشت. اینهاش!

- "ولی ما قدم در راه رسولان می‌گذاریم." همان نور، بازگشت ایمان پدران به فرزندان.
  - "روز رستگاری نزدیک است، بسیار نزدیک."
  - "قلب انسان‌ها از ترس می‌ایستد." دنیا در حال فناست.
  - "اوه! از روح خدا پر باشید، رستگاریتان نزدیک است."
- آیا به این ایمان دارید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] پس سرهای خود را خم کنیم.

۲۶۸. به تمام آنانی که این پیغام به سمت آنان برده می‌شود، از غرب تا شرق کشور، از کالیفورنیا تا نیویورک از جنوب تا شمال، یا هرجایی که هستید، و در این خیمه! ما ثروتمند نیستیم، برنامه‌های تلویزیونی و یا این امور بزرگ را نداریم. تنها تلاش می‌کنیم

تا بهترین کاری را که می‌توانیم، انجام دهیم. "لکن تمامی آنانی که پدر به من بخشیده است، خواهند آمد."

۲۶۹. می‌خواهم شما که به این نوار گوش می‌کنید این را با اطمینان بدانید. شاید با خود فکر کرده باشید که سعی می‌کردم بگویم که این منم که بانی این پیغام هستم. من هیچ چیز ندارم و چیزی بیش از یک صدا نیستم، و اگر قصد فریب کسی را داشتم، صدای من بهترین داور بر علیه من خواهد بود. اما این اراده‌ی پدر من است و من برای انجام آن تعیین شده‌ام.

این من نبودم که در آن رودخانه ظاهر شدم. هنگامی که ظاهر شد من فقط آنجا ایستاده بودم. این من نیستم که این کارها را انجام می‌دهم و این اموری را که دقیقاً رخ می‌دهد را پیش‌گویی می‌کنم. من فقط کسی هستم که وقتی او این کار را می‌کند، به آن نزدیک هستم. این تنها، صدایی است که او برای گفتن آن استفاده کرد. این چیزی نیست که من از قبل می‌دانستم، بلکه چیزی است که زمانی که او از این طریق صحبت کرد، به من سپرده شد. این من نیستم، این فرشته‌ی هفتم نبود. اوه، نه! این آشکار شدن پسر انسان بود. این فرشته نبود. پیغام او، این رازی بود که خدا آن را گشود. این انسان نیست، خداست. پسر انسان، مسیح است. او کسی است که از آن زیست می‌کنید. شما از یک انسان زیست نمی‌کنید، یک انسان، کلامش زایل می‌گردد. بلکه شما از کلام زایل نشدنی، از پسر انسان زیست می‌کنید.

۲۷۰. اگر تابحال خود را از آن سیراب نساخته‌اید تا به شما قوت بدهد که بتوانید بالاتر از تمام آن فرقه‌ها به پرواز درآید، آیا این بار هنگامی که دعا می‌کنیم، این کار را خواهید کرد؟

۲۷۱. پدر عزیز! این امر سختی است. برای انسان فانی انجام آن آسان نیست. تو بر همه



چیز آگاهی. و خداوند عزیز! من به تو دعا می‌کنم که این مطالب باعث سوء تفاهم نشود، بلکه در نور کلام تو قدم بردارند.

۲۷۲. و خدای پدر! من نمی‌دانم که چه کسی جزو برگزیدگان است، ولی تو می‌دانی. من نمی‌دانم که آمدن تو در چه وقتی است، بلکه می‌دانم گفتم زمانی که این امور واقع شد؛ این مسح شدگان کذب، نه به محض اینکه آنها شروع کردند.

۲۷۳. حال ای پدر! تو همچنان خدا هستی. همان کلام که گفت این امور در ایام آخر واقع خواهد شد.

بسیاری از افراد صادق، دست خود را بر آن تابوت عهدی که یک حامل جدید و نه بر شانه‌های لایوان قرار داشت، گذاردند و به مرگ افتادند. در گناه مردند.

۲۷۴. خیلی از خادمین، در هنگام مطالعه‌ی کلام، آن را خواندند و به سرعت صفحه را عوض کردند، تا مانع این شوند که دریابند جایگاه خود در عموم، کلیسا و یا در فرقه‌ی خود را از دست خواهند داد. خداوند! کمک کن تا هرگز این چنین نباشیم.

۲۷۵. خداوند! ضمیر ما را از هر آلودگی این دنیا پاک کن. خداوند! ایستاده و آماده‌ی پاک شدن هستیم. با این کلیسا و تمام کسانی که به ما و یا به این نوار گوش می‌کنند، آماده‌ی ایستاده‌ایم. خداوند! ایستاده و می‌خواهم که من را پاک سازی. ای خداوند! من را به خانه‌ی کوزه‌گر ببر، و به صورت خادمی که می‌خواهی، من را شکل بده.

زیرا خداوند عیسی! من مرد ناپاک لب هستم و همان‌گونه که اشعیا گفت: "در میان قوم ناپاک لب ساکن هستم. وای بر من! زیرا مکاشفه‌ی خدای بی‌حجاب را دیده‌ام." مانند اشعیا که فرشتگان را در معبد دید، خداوند! زمان آخر را می‌بینم و وای بر من و خانواده‌ام! وای بر من و قوم من! او، خدای ابدی! بر ما رحم فرما. برای خود و قوم تمنا

می‌کنم. نگذار با کسانی که ایمان ندارند هلاک شویم بلکه با ایمانداران زیست کنیم.

۲۷۶. خداوندا! هر فرقه، هر زن و مرد،... نمی‌توانم بخواهم که به یک فرقه برکت بدهی، درحالی که می‌دانم با آن مخالف هستی. بلکه تنها می‌توانم بگویم خداوندا! اگر هر یک از گوسفندان تو در بین آنها هستند، این نوار را بشنوند؛ باشد تا آن را شنیده و با درکی که تو به آنها می‌دهی، آن را درک کنند و بیرون آمده، تو را بپذیرند. در بی‌بصیرتی و در سنت‌های این روز گمراه نشوند. باشد تا سعی نکنند چیزی را بخورند که... یا مردار یک روز دیگر بوده است. خداوندا! باشد تا کلام را بگیرند.

خداوندا! این طریقی بود که فریسیان تو را مصلوب نمودند. آنها داشتند مردار زمان موسی را برمی‌گرفتند و تلاش می‌کردند که در آن شادمان باشند؛ بعد از اینکه تو در صحرا این نمونه را به آنها دادی، من تازه برای هر شب، به معنی هر نسل. اینجا جایی بود که آنها بازماندند. این آنها را محبوس نمود. خوردن آن خوراک آلوده و فاسد باعث مرگ آنها شد.

و از نظر روحانی، امروز همان کار را می‌کند. فرقه آنها را از نظر روحانی می‌کشد.

خداوند عزیز! به ما کمک کن. اینک همه چیز در دستان توست. به نام عیسی مسیح.

۲۷۷. با سرهایی پایین، درحالی که شما تصمیم خود را می‌گیرید، سرود می‌خوانیم. آیا تمام راه را خواهی رفت؟

می‌توانم صدای منجی «او او کلمه است» را بشنوم. می‌توانم.

اوه! مدت‌ها سرگردان بودم. ولی اینک او را می‌شنوم. به نزد من آید. ای تمامی گمراهان! نزد من آید. بشنوید. صلیب خود را برداشته و هر روزه من را متابعت کنید. بله، گرچه در وادی سایه‌ی موت گام بردارم، از بدی نخواهم ترسید، در مرتع‌های سبز

مرا می‌خوابانی و نزد آب‌های راحت رهبریم می‌کنی.

و جایی که او من را رهبری کند...

خداوندا! آن حماقت تثلیث را می‌دانم. می‌دانم که تمام دنیا در آن لغزیده است. کرکاس‌ها همه جا رشد می‌کنند. ولی ای خداوندا! جایی که تو من را هدایت می‌کنی، مثل آنها در اعمال باب ۱۹ خواهم بود. "و چون این را شنیدند، همه دوباره به نام عیسی مسیح تعمید گرفتند."

به دنبال... خداوندا! بخشی از راه را طی کرده‌ام. خداوندا! کافی است تو را بپذیرم. حال تمام راه را با او طی خواهم نمود.

[برادر برانهام سرود «هرجا مرا برد» را زمزمه می‌کند].

۲۷۸. مطمئن هستم که این از قلب من است. مطمئن هستم که این سرود قلب همه‌ی کسانی است که اینک آن را می‌خوانند. شاید خیلی‌ها این نوار را بشنوند، یا در اینجا حاضر نباشند و این سرود را الآن بشنوند. خداوندا! بدون توجه به بهای آن، این کار را بکنیم. مانند مردی که به جنگ لشگری می‌رود، یک سرباز یک پادشاه. ابتدا، محاسبه می‌کند که آیا می‌تواند از خیر امور دنیا بگذرد، آیا قادر است؟ می‌تواند آن را رها کند، به ارتش کلام مکتوب خدا بیوندد، با آن سربازان گام بردارد، با عقاب‌های او پرواز کند؟ خداوندا! این را به نام عیسی عطا کن.

۲۷۹. آیا ایمان دارید؟ آیا او را می‌پذیرید؟ بسیار خوب! اگر خدا بخواهد امشب دوباره شما را در اینجا می‌بینیم. آیا ایمان دارید که این حقیقت است؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] آیا به اندازه‌ی کافی واضح است؟ ["آمین"]

پس نام عیسی را بر خود بگیر  
فرزند غم و مصیبت،  
او شادی و راحتی به تو خواهد داد  
حال با کسی که در کنار شماست، دست بدهید.

نام پرېها، اوه، چه زیباست!  
امید جهان، امید جهان، شادی آسمان  
به نام عیسی خم شده  
در برابر پای‌هایش به خاک افتند.  
خدای خدایان در آسمان ما... او خداست.  
وقتی سفر ما به اتمام رسد.

نام پرېها، نام پرېها، اوه، چه زیباست! اوه، چه زیباست!  
نام پرېها، اوه، چه زیباست!  
امید جهان امید جهان شادی آسمان

۲۸۰. به گمانم تمام خادمین امروز صبح متوجّه شدند.

وقتی یک نفر تمام هفته دعا کرده باشد... که این کلام درست در برابر شما قرار گرفته است. پولس گفت: "وای بر من اگر انجیل را موعظه نکنم." در پایان راهش گفت: "یک لحظه از اعلام رأی خدا به شما آن گونه که به من سپرده شد، اجتناب نکردم."

۲۸۱. بعضی اوقات، بعضی چیزها را فراموش می‌کنم. مانند هدیه نمودن فرزندان، تقدیم فرزندان به خدا.

روزی بیلی <sup>۶۵</sup> به من گفت که مردی آمده و گفته: "من دو سال است که به اینجا می‌آیم، فرزند من را تقدیم کنید."

بیلی به او گفته بود: "خیلی نگران این مورد نباش. من نیز فرزندی دارم که حدوداً یک سال سن دارد و هنوز او را تقدیم نکرده‌ایم. به گمانم تا زمانی که بتواند خودش به آنجا قدم بگذارد، صبر کنم."

۲۸۲. پس ما، برادر و خواهر پیدا می‌کنیم. این، این... یک نکته، ما باید فرزندانمان را به خدا تقدیم کنیم.

ما باید همه را تعمیم دهیم. اینجا آب و استخر تعمیم هست. اگر تابعال تعمیم نگرفته‌اید، چه چیز مانع شما می‌شود؟ اینجا آب هست. هم اینک بیاید. تا امشب صبر نکنید. هم اکنون بیاید. اینجا مردی ایستاده است که هرآنکه توبه کرده و اعتراف نموده باشد را تعمیم می‌دهد. اگر چندین بار هم تعمیم یافته‌اید، آنها شما را در نام عیسی مسیح برای بخشش گناهان تعمیم می‌دهند. می‌بینید؟

۲۸۳. ولی می‌دانید، پیغام در قلب من است. باید آن را بیرون بیاورم. این تنها هدف من است. صرفنظر از اینکه همسرم، فرزندانم و یا شبان من چه می‌گویند. این خداوند من است. این تنها هدف من است.

۲۸۴. و حال، بسیاری اوقات قادر نیستم تا خادمین را از هم تشخیص دهم. فکر کنم شاید... برادرمان، برادر نویل، یک مرد با ارزش و سایر برادرانی که اینجا هستید! از حضور شما خوشحالیم.

۲۸۵. نه اینکه چون شما فرق دارید، با شما مخالف باشیم. خیلی از شما، واعظین تثلیثی

هستید. نمی‌خواهیم که با شما کدورتی داشته باشیم. ما شما را دوست داریم. اگر این‌گونه نبود، اگر به این ایمان نداشتیم، مادامی که زانو نزده و از خدا نمی‌خواستیم که: "خداوند! من را اصلاح کن"، هرگز این کلیسا را ترک نمی‌کردم.

نمی‌خواهم که روح تکبر و خودخواهی با من یکی شود. می‌خواهم روح ناب و پاکیزه باشد، محبت برادرانه و مقدس با روح القدس. حال اگر کسی من را... اشکالی ندارد. با اینکه شاید حق داشته باشم که با آنها برخورد کنم، ولی این را در زندگی خود نمی‌خواهم. من، من می‌خواهم محبت را داشته باشم می‌خواهم آماده باشم تا با محبت اصلاح شوم. با محبتی که قطعاً فراتر از همه چیز پاسخ خواهد داد.

۲۸۶. منظوم این نیست که متفاوت باشم. متدیست، باپتیست، کاتولیک، پرزبیتی، هرچه که هستید، این چیزها را نمی‌گویم که فرق داشته باشم، یا به شما فخر بفروشم. اگر این‌گونه باشم، ریاکار هستم و باید این پایین، بر این مذبح به حضور خدا دعا کنم.

اما این را می‌گویم، و دلیل آن محبت است و می‌بینم که شما به کجا می‌روید. حال، این را از خودم نمی‌گویم، یا اینکه مغرور باشم. «خداوند چنین می‌گوید» را به شما می‌دهم. این حقیقت است و بخاطر این چیزها، شما را دوست دارم. خدا به شما برکت بدهد.

۲۸۷. حال، همان‌طور که بخشی دیگر از این سرود را می‌خوانیم، قبل از اینکه برویم، می‌خواهم که امشب شما اینجا باشید، البته اگر می‌توانید. خدا با شما باشد. ما دعا می‌کنیم که خداوند شما را برکت بدهد و بهترین زمین را به شما بدهد.

نام عیسی را بگیر...

مسیح نه، بلکه «مسیحان» که به صورت جمع استفاده شده است، نه مفرد. کلمه‌ی مسیح به معنای «مسح شده» می‌باشد پس اگر «مسح شده» باشد، تنها یک مسح شده نیست، بلکه «مسح شدگان». وگرنه، اگر می‌خواست تفکیک بیشتری انجام بدهد تا ما بتوانیم کم و بیش درک بهتری داشته باشیم، می‌توانست بگوید «در ایام آخر مسح شدگان دروغین خواهند برخاست». حال، استفاده از عبارت «مسح شده» غیر ممکن به نظر می‌رسد. اما به عین کلمه‌ی بعدی توجه کنید، «وانیای کذب» ا-ن-ب-ی-ا- باز هم به صورت جمع، نه مفرد.

**William Marrion Branham**

## **The Anointed Ones at the End Time**

Jefersonville, Indiana

65-0725M